

# پاسخنامه

## دوازدهم انسانی

۱ آبان ماه ۱۴۰۵

سؤالاتی که با نشانگر نهایی مشخص شده‌اند، مشابه سؤالات امتحانات نهایی هستند. با تمرین این دسته از سؤالات می‌توانید در امتحانات نهایی عملکرد بهتری داشته باشید.

ایران توشه  
توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

| نام درس          | نام طراحان                                                                                                                                                                                                  |
|------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ریاضی و آمار     | حسین ابراهیم نژاد، محمد اسدی، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، عارف بهرام نیا، محمد پردل نظامی، احمد حسن زاده فرد، علی حسینی نوه، محمد حمیدی، رضا خانباثی، شکیب رجبی، هادی فولادی، علی قهرمان زاده، عباس مالکی |
| علوم و فنون ادبی | سید علیرضا احمدی، حسن اصحابی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سعید جعفری، سید محسن رضوی، رضا رنجبری، الهام محمدی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، اکبر یحوی                                                          |
| جامعه‌شناسی      | امیر مهدی افشار، ریحانه امینی، آریتا بیدقی، جواد جلیلیان، علیرضا حیدری، امیر حسین خزایی، مریم خسروی دهنوی، فاطمه رضائیان، یاسین ساعدی، سینا غلامی، مهرداد کرمی، سید آرش مرتضائی فر، محمد مهدی یعقوبی        |
| روان‌شناسی       | هانا احمدزاده، محمد حبیبی، محمد عرفان فرهادی، نگین مرسلی                                                                                                                                                    |
| عربی زبان قرآن   | محمود بادربین، عمار تاجبخش، ابوطالب درانی، محمد رضا سوری، امیر حسین شکوری، کامران عبداللہی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم شیرودی، روح‌الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی، پیروز وجان، محمد مهدی یعقوبی           |
| تاریخ و جغرافیا  | علیرضا آزادی زاده، راضیه ابراهیمی نژاد، فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، مریم خسروی دهنوی، یاسین ساعدی، علیرضا سالمی، عاطفه طاهر، حامد صفر خانیان، فاطمه عزیزی، مهدی کاردان، محمد مهدی یعقوبی                     |
| فلسفه و منطق     | حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، مجید پیر حسینلو، پرگل رحیمی، موسی سپاهی، کیمیا طهماسبی، الهه فاضلی، فرهاد قاسمی نژاد، محمد قربانی، امیر محمد قلعه‌کاهی، علی معزی، فیروز نژادنجف                           |
| اقتصاد           | آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان، محمد حسین متولی                                                                                                                                           |

## گزینشگران و ویراستاران

| نام درس          | گزینشگر                            | مسئول درس                          | ویراستاران                            | مستندسازی                                                             |
|------------------|------------------------------------|------------------------------------|---------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| ریاضی و آمار     | محمد بحیرایی                       | محمد بحیرایی                       | عباس مالکی<br>عرشیا محمدی             | مسئول درس: ابراهیم نوری<br>ویراستار: معصومه صنعت کار، سجاد سلیمی      |
| علوم و فنون ادبی | سید علیرضا احمدی<br>فرهاد علی نژاد | سید علیرضا احمدی<br>فرهاد علی نژاد | محمد مشهدبان<br>محمد مهدی اسلامی      | مسئول درس: فریا رئوفی<br>ویراستار: محسن جمشیدی، مهشید سعیدی           |
| جامعه‌شناسی      | سید آرش مرتضائی فر                 | سید آرش مرتضائی فر                 | —                                     | مسئول درس: سجاد حقیقی پور<br>ویراستار: سید مجتبی رضازاده              |
| روان‌شناسی       | محمد حبیبی                         | محمد حبیبی                         | سینا غلامی<br>ملیکا ذاکری             | مسئول درس: محمد صدرا پنجه پور<br>ویراستار: مریم عابدی، محمد حسن سعیدی |
| عربی زبان قرآن   | احسان کلاته عربی                   | سید محمدعلی مرتضوی                 | درویشعلی ابراهیمی                     | مسئول درس: لیلا ایزدی<br>ویراستار: امیررضا علیرزاده، وجیه نجفی        |
| تاریخ و جغرافیا  | محمد مهدی یعقوبی                   | محمد مهدی یعقوبی                   | علیرضا سالمی<br>فاطمه عزیزی           | مسئول درس: محمد صدرا پنجه پور<br>ویراستار: محمد حسن سعیدی             |
| فلسفه و منطق     | محمد قربانی                        | فرهاد علی نژاد                     | امیر محمد قلعه‌کاهی<br>هادی حاجی زاده | مسئول درس: سوگند بیگلری<br>ویراستار: محمد حسین صادق پور               |
| اقتصاد           | مهدی ضیائی                         | سارا شریفی                         | سینا غلامی                            | مسئول درس: سجاد حقیقی پور<br>ویراستار: سید مجتبی رضازاده              |

## گروه فنی و تولید

|                     |                                            |
|---------------------|--------------------------------------------|
| مدیر گروه           | سید محمدعلی مرتضوی                         |
| مسئول دفترچه        | فاطمه منصور خاکی                           |
| گروه مستندسازی      | مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی |
| حروف چین و صفحه‌آرا | مهشید ابوالحسنی                            |
| ناظر چاپ            | حمید عباسی                                 |

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۱»

(امیر حسن زاده فرد)

برای سفر از شهر A به شهر C باید متوجه شویم چند مسیر وجود دارد، از A به B به دو طریق می توان رفت و از B به شهر C به سه طریق و طبق اصل ضرب تعداد کل حالت های سفر از شهر A به شهر C برابر  $2 \times 3 = 6$  مسیر می باشد.

تذکر: به جهت حرکت در جاده ها توجه کنید.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۲ و ۳)

۲- گزینه «۴»

(علی قهرمان زاده)

$$\begin{aligned} 16 \times 18 (15! + 16 \times 15!) &= (n+10)! \\ \Rightarrow 16 \times 18 ((15!) + \underbrace{(1+16)}_{17}) &= (n+10)! \\ \Rightarrow 16 \times 18 \times 15! \times 17 &= (n+10)! \\ \Rightarrow 18! &= (n+10)! \Rightarrow n+10=18 \\ n=8 &\Rightarrow \left(\frac{8}{2}\right)! = 4! = 24 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۵)

۳- گزینه «۲»

(علی حسینی نوه)

از آنجایی که در این انتخاب کردن، جابه جایی کتاب های انتخاب شده اهمیت دارد و حالت جدید بوجود می آورد پس با فرمول ترتیب تعداد حالات مختلف را حساب می کنیم:

$$\begin{aligned} p(n,r) &= \frac{n!}{(n-r)!} \\ p(6,3) &= \frac{6!}{(6-3)!} = \frac{6!}{3!} = \frac{6 \times 5 \times 4 \times 3!}{3!} = 120 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۶ تا ۸)

۴- گزینه «۲»

(مهم اسری)

ابتدا شرط «مریم قبل از سارا» را در نظر می گیریم. از ۵ جایگاه، ۲ جایگاه را برای مریم و سارا انتخاب می کنیم:

$$\binom{5}{2} = 10$$

چون مریم باید قبل از سارا باشد، ترتیب آن ها مشخص است. سه نفر باقیمانده نیز:

$$3! = 6$$

۶ حالت در جایگاه های باقی مانده قرار می گیرند. پس:

$$10 \times 6 = 60$$

حالا حالت هایی را که علی و رضا کنار هم هستند را حذف می کنیم، دو نفر کنار هم می توانند در ۴ جفت جایگاه قرار بگیرند و خودشان نیز ۲ ترتیب دارند. برای مریم و سارا از ۳ جایگاه باقی مانده، ۲ جایگاه انتخاب می کنیم:

$$4 \times 2 \times \binom{3}{2} = 24$$

بنابراین:

$$60 - 24 = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۸ تا ۱۱)

۵- گزینه «۳»

(هادی فولادی)

می دانیم  $\binom{n}{k}$  برابر تعداد زیرمجموعه ای k عضوی مجموعه n عضوی است.

بین ۴ عضو خواسته شده، تکلیف دو عضو a و b مشخص شده و باید در زیرمجموعه باشند. بنابراین باید دو عضو دیگر انتخاب کنیم که دارای حالات زیر است.

۱) d باشد اما c نباشد: برای عضو چهارم باید از بین {e,f} یکی را انتخاب کنیم.  $\binom{2}{1} = 2$

۲) c باشد و d نباشد: در این حالت نیز باید یکی از بین {e,f} انتخاب کنیم.  $\binom{2}{1} = 2$

۳) c و d همزمان نباشد (هیچ کدام نباشند) در این حالت زیرمجموعه به صورت {a,b,...,...} است که باید ۲ عضو باقی مانده را از بین {e,f}

$$\binom{2}{2} = 1$$

جواب نهایی:  $2+2+1=5$

روش دوم: متمم عبارت «c و d با هم نباشند» برابر است با c و d هر دو با هم باشند.

در زیر مجموعه {a,b,...,...} باید ۲ عضو انتخاب کنیم که c و d هستند.  $\binom{2}{2}$

کل زیر مجموعه ای که نیاز به ۲ عضو دیگر دارند برابر است با: باید از مجموعه {f,e,c,d} دو عضو انتخاب کنیم.  $\binom{4}{2} = 6$

$$\binom{4}{2} - \binom{2}{2} = 6 - 1 = 5$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۸ تا ۱۱)

۶- گزینه «۴»

(عباس مالکی)

فضای نمونه تمام اعداد زوج ممکن به صورت زیر است:

۳ حالت  $\rightarrow 0, 2, 4 =$  یک رقمی

۹ حالت  $\rightarrow \frac{3}{1, 2, 4} \times \frac{3}{0, 2, 4} =$  دو رقمی

۳۶ حالت  $\rightarrow \frac{3}{1, 2, 4} \times \frac{4}{0, 1, 2, 4} \times \frac{3}{0, 2, 4} =$  سه رقمی

۱۴۴ حالت  $\rightarrow \frac{3}{1, 2, 4} \times \frac{4}{0, 1, 2, 4} \times \frac{4}{0, 1, 2, 4} \times \frac{3}{0, 2, 4} =$  چهار رقمی

مجموع  $= 3 + 9 + 36 + 144 = 192$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۷- گزینه «۳»

(مهمر پردل نظامی)

در تعداد پرتاب ۲ سکه:  $2^2 = 4$  حالت داریم.

در تعداد پرتاب ۳ سکه:  $2^3 = 8$  حالت داریم:

$$n(s) = 3 \times 4 + 3 \times 8 = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۸- گزینه «۱»

(عارف بهرام‌نیا)

کافی است از بین ۶ عدد ۴ تا انتخاب کنیم و طبق خواسته مسئله می‌چینیم.

$$\binom{6}{4} = \binom{6}{2} = \frac{6 \times 5}{2} = 15$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۹- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

فضای نمونه پرتاب یک تاس عبارت است از  $S = \{1, 2, 3, 4, 5, 6\}$  و پیشامدهای  $A$ ،  $B$  و  $C$  عبارت‌اند از:

$$A = \{2, 4, 6\}, B = \{3, 6\}, C = \{2, 3, 5\}$$

پیشامد « $A$  یا  $B$  رخ دهد ولی  $C$  رخ ندهد» یعنی  $(A \cup B) - C$  و

$$A \cup B = \{2, 3, 4, 6\} \Rightarrow (A \cup B) - C = \{4, 6\}$$

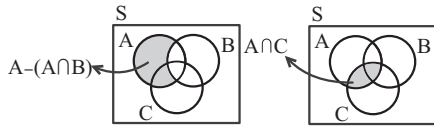
داریم:

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

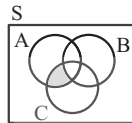
۱۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور سراسری دی ۱۴۰۱)

در دو شکل زیر، مجموعه‌های  $A \cap C$  و  $A - (A \cap B)$  مشخص شده‌اند.



پس  $(A - (A \cap B)) \cap (A \cap C)$  به صورت زیر است:



(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۱۸)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینه «۱»

(مهمر پردل نظامی)

$$\frac{\text{وزن مس}}{\text{وزن سایر فلزات}} = 6 \Rightarrow \begin{cases} \text{وزن سایر فلزات} = x \\ \text{وزن مس} = 6x \end{cases}$$

$$\text{وزن ظرف میوه} = x + 6x = 7x$$

$$\frac{\text{وزن مس}}{\text{وزن ظرف}} = \frac{6}{8} \Rightarrow \frac{6x}{7x + 200} = \frac{6}{8}$$

$$48x = 42x + 1200 \Rightarrow 6x = 1200 \Rightarrow x = 200 \text{ گرم}$$

$$\text{گرم} \quad 7x = 1400 = \text{وزن ظرف اولیه}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه ۳۵)

۱۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

با استفاده از اتحاد جمله مشترک، مخرج کسر طرف راست تساوی را تجزیه می‌کنیم:

$$\frac{x+1}{x-4} = \frac{x^2 - kx - 5}{x^2 - 3x - 4} \Rightarrow \frac{x+1}{x-4} = \frac{x^2 - kx - 5}{(x+1)(x-4)}$$

با فرض  $x \neq 4$ ، عبارت  $x-4$  را از طرفین تساوی ساده می‌کنیم:

$$\frac{x+1}{1} = \frac{x^2 - kx - 5}{x+1} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} (x+1)^2 = x^2 - kx - 5$$

$$\Rightarrow x^2 + 2x + 1 = x^2 - kx - 5 \Rightarrow 2x + 1 = -kx - 5$$

$$\Rightarrow 2x + kx = -6 \Rightarrow (k+2)x = -6 \Rightarrow x = -\frac{6}{k+2}$$

(مهم اسری)

### ۱۵- گزینه «۳»

فرض می‌کنیم شیر B استخر را در x ساعت پر می‌کند، پس شیر A این کار را در ۱۵-x ساعت انجام می‌دهد. حالا داریم:

$$\frac{1}{\text{زمان شیر A}} + \frac{1}{\text{زمان شیر B}} = \frac{1}{\text{زمان هر دو شیر}} \Rightarrow \frac{1}{x-15} + \frac{1}{x} = \frac{1}{4}$$

دو طرف را در  $4x(x-15)$  ضرب می‌کنیم:

$$4x(x-15) \cdot \frac{1}{(x-15)} + 4x(x-15) \cdot \frac{1}{x} = 4x(x-15) \cdot \frac{1}{4}$$

$$\Rightarrow 4x + 4(x-15) = x(x-15)$$

$$\Rightarrow 4x + 4x - 60 = x^2 - 15x \Rightarrow x^2 - 23x + 60 = 0$$

$$\xrightarrow{\text{جمله مشترک}} (x-20)(x-3) = 0$$

$$x = 20 \checkmark \text{ یا } x = 3 \times$$

دقت کنید  $x = 3$  مورد قبول نیست، چون در این صورت زمان پر کردن شیر A منفی می‌شود. پس شیر B به تنهایی در ۲۰ ساعت استخر را پر می‌کند.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه ۳۶)

(مهم اسری)

### ۱۶- گزینه «۱»

طبق توصیف سؤال:

فاصله عدد متناظر با x از x برابر ۲ است.

همچنین عدد متناظر باید بزرگتر از x باشد.

پس برای هر x، تنها عدد ممکن  $x+2$  است. بنابراین:

$$f(-2) = 0, f(-1) = 1, f(0) = 2$$

$$f(1) = 3, f(2) = 4$$

که هر عضو دامنه دقیقاً یک خروجی دارد؛ پس رابطه تابع است.

و برد آن برابر مجموعه  $\{0, 1, 2, 3, 4\}$  است که شامل ۵ عضو است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

(مهم همیری)

### ۱۷- گزینه «۲»

این رابطه در صورتی تابع نیست که مؤلفه‌های اول زوج‌های مرتب با هم برابر بوده ولی مؤلفه‌های دوم برابر نباشند. یعنی:

$$3a = a + 1 \Rightarrow 2a = 1 \Rightarrow a = \frac{1}{2} \quad (۱)$$

$$a - 1 \neq b \xrightarrow{(۱)} \frac{1}{2} - 1 \neq b \Rightarrow b \neq -\frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۶)

برای آنکه معادله جواب نداشته باشد، دو حالت زیر را می‌توان در نظر گرفت:

حالت اول: اگر مخرج کسر  $x = -\frac{6}{k+2}$  صفر شود، مقدار x وجود ندارد،

پس:

$$k+2=0 \Rightarrow k=-2$$

حالت دوم: اگر جواب  $x = -\frac{6}{k+2}$  برابر با ریشه‌های مخرج معادله اصلی

باشد، قابل قبول نیست. ریشه‌های مخرج  $x = -1$  و  $x = 4$  هستند:

$$\xrightarrow{x=4} 4 = -\frac{6}{k+2} \Rightarrow k+2 = -\frac{6}{4} = -\frac{3}{2} \Rightarrow k = -\frac{3}{2} - 2 = -\frac{7}{2}$$

$$\xrightarrow{x=-1} -1 = -\frac{6}{k+2} \Rightarrow k+2 = 6 \Rightarrow k = 4$$

بنابراین به ازای سه مقدار k، معادله جواب ندارد.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه ۳۵)

### ۱۳- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌ای)

ابتدا مخرج کسر سمت راست تساوی را با استفاده از اتحاد جمله مشترک

$$x^2 - x - 20 = (x-5)(x+4)$$

تجزیه می‌کنیم:

بنابراین ک.م.م مخرج‌ها برابر با  $(x-5)(x+4)$  است، آن را در طرفین

تساوی ضرب می‌کنیم:

$$\frac{x-2}{x-5} + \frac{x-1}{x+4} = \frac{x^2+5x+8}{(x-5)(x+4)} \Rightarrow \frac{(x-2)(x+4) + (x-1)(x-5)}{(x-5)(x+4)} = \frac{x^2+5x+8}{(x-5)(x+4)}$$

$$(x+4)(x-2) + (x-5)(x-1) = x^2 + 5x + 8$$

$$\Rightarrow x^2 + 2x - 8 + x^2 - 6x + 5 = x^2 + 5x + 8$$

$$\Rightarrow 2x^2 - 4x - 3 = x^2 + 5x + 8 \Rightarrow x^2 - 9x - 11 = 0$$

$$\Rightarrow \text{مجموع جواب‌ها} : S = -\frac{b}{a} = -\frac{(-9)}{1} = 9$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه ۳۴)

(مهم همیری)

### ۱۴- گزینه «۳»

رابطه‌ای از مجموعه A به مجموعه B تابع است که به هر عضو مجموعه

A دقیقاً یک عضو از مجموعه B را نسبت دهد.

هر عدد طبیعی دقیقاً یک مجذور دارد، پس رابطه گزینه «۳» تابع است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه ۳۶)

ریاضی و آمار (۲)

۱۸- گزینه «۳»

(مفهم عمیری)

$$\{a, 1, 2\} = \text{مجموعه دامنۀ تابع}$$

$$\{2, (a+b), 3\} = \text{مجموعه برد تابع}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} a=3 \\ a+b=1 \end{cases} \xrightarrow{a=3} 3+b=1 \Rightarrow b=-2$$

$$\Rightarrow 3b+a \xrightarrow{b=-2, a=3} = 3(-2)+3 = -6+3 = -3$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۳۹ و ۵۲)

۱۹- گزینه «۱»

(عباس مالکی)

$$(2, 6), (2, a^2 + a) \Rightarrow a^2 + a = 6 \Rightarrow a^2 + a - 6 = 0$$

$$\Rightarrow (a+3)(a-2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} a_1 = -3 \\ a_2 = 2 \end{cases}$$

اگر  $a=2$  در نظر بگیریم، دیگر مجموعه  $A$  تابع نخواهد بود، چرا که دو خروجی برای ورودی ۲ دارد.

$$\Rightarrow a = -3 \xrightarrow{\text{بازنویسی}} A = \{(2, 6), (-3, 7), (2, 6), (-3, b+1)\}$$

$$\Rightarrow b+1=7 \Rightarrow b=6$$

$$\Rightarrow a+b = 6 + (-3) = 3$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه ۳۹)

۲۰- گزینه «۲»

(ابوالفضل بهاری)

$f$  یک تابع است، پس مولفه‌های دوم زوج مرتب‌های  $(2, 2y-4), (2, 7x)$  باید با هم برابر باشند:

$$2y-4=7x \Rightarrow 2y-7x=4$$

حال دامنۀ هر دو تابع را مشخص می‌کنیم:

$$D_f = \{3, -x+6\}, D_g = \{2, 2y\}$$

برای اینکه هر دو دامنه یکی باشد، باید  $3y = -x+6$  قرار دهیم:

$$3y = -x+6 \Rightarrow 3y+x=6$$

$$7x \times \begin{cases} 2y-7x=4 \\ 3y+x=6 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 2y-7x=4$$

$$21y+7x=42$$

$$23y=46 \Rightarrow y=2$$

$$3y+x=6 \Rightarrow 3(2)+x=6 \Rightarrow x=0$$

ثالث  $x$  به اضافه نصف  $y$  برابر است با:

$$\frac{1}{3}x + \frac{1}{2}y \Rightarrow \frac{1}{3}(0) + \frac{1}{2}(2) = 1$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)

۲۱- گزینه «۴»

(عباس مالکی)

$$\left. \begin{aligned} a^2 + 1 = 10 &\Rightarrow a^2 = 9 \Rightarrow \begin{cases} a_1 = -3 \\ a_2 = 3 \end{cases} \\ a^2 + 2a - 3 = 0 &\Rightarrow (a+3)(a-1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} a_1 = 1 \\ a_2 = -3 \end{cases} \end{aligned} \right\} \Rightarrow a = -3$$

$$a+b=3 \xrightarrow{a=-3} b-3=3 \Rightarrow b=6$$

$$\Rightarrow b-a = 6 - (-3) = 9$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۲۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

ضابطۀ تابع همانی  $f(x) = x$  است و ضابطۀ تابع ثابت  $f(x) = k$  است، پس تابعی که طول و عرض آن برابر باشد و برد آن فقط شامل یک عدد باشد، هم همانی است و هم ثابت، که این دو ویژگی در تابع گزینه «۳» دیده می‌شود.

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۱)

۲۳- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

ورودی و خروجی تابع همانی با هم برابرند، بنابراین داریم:

$$f(3-4k) = 5k-11 \xrightarrow{f(x)=x} 3-4k = 5k-11 \Rightarrow 14 = 9k \Rightarrow k = \frac{14}{9}$$

$$f(k+3) = k+3 = \frac{14}{9} + 3 = \frac{14+27}{9} = \frac{41}{9}$$

بنابراین داریم:

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۲)

۲۴- گزینه «۳»

(مسین ابراهیم‌نژاد)

چون  $f$  تابع ثابت است، پس:

$$g(3) = 3 \text{ و چون } g \text{ تابع همانی است، پس } f(5) = 3$$

$$f(5) - g(3) = 3 - 3 = 0$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

۲۵- گزینه «۳»

(عباس مالکی)

$$n^2 - 1 = 2n + 7 \Rightarrow n^2 - 2n - 8 = 0 \Rightarrow (n-4)(n+2) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n_1 = 4 \\ n_2 = -2 \end{cases}$$

$$\begin{cases} n=4 \Rightarrow n=2m \Rightarrow 4=2m \Rightarrow m=2 \Rightarrow nm=2 \times 4 = 8 \\ n=-2 \Rightarrow n=2m \Rightarrow -2=2m \Rightarrow m=-1 \end{cases}$$

غقق

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۲)

مقدار  $f(\sqrt{5}-1)$  از ضابطه بالا به دست می آید:

$$f(\sqrt{5}-1) = (\sqrt{5}-1+1)^2 - 9$$

$$= 5 - 9 = -4$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۳)

### گزینه «۲»

(شکلیب رپی)

چون تابع  $f$  همانی است، پس باید به فرم  $f(x) = x$  باشد. پس باید ضریب  $x^2$  و عدد ثابت برابر صفر شوند همچنین ضریب  $x$ ، یک شود، پس:

$$2a - 4 = 0 \Rightarrow a = 2$$

$$b - 1 = 1 \Rightarrow b = 2$$

$$5 + c = 0 \Rightarrow c = -5$$

همچنین چون  $g$  ثابت است، پس باید تمام خروجی‌ها یکی باشند، پس  $d = \sqrt{5}$  است.

$$\Rightarrow \frac{2+2+(-5)}{\sqrt{5}} = \frac{-1}{\sqrt{5}}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۲)

### گزینه «۳»

(رضا قانباتانی)

$$\frac{A}{C} = \frac{B}{D} \quad \text{اگر } f(x) = \frac{Ax+B}{Cx+D} \text{ تابع ثابت باشد، آنگاه}$$

$$\frac{a}{4} = \frac{4}{a} \Rightarrow a^2 = 16 \Rightarrow a = \pm 4$$

از طرفی نمودار  $f$  بالای محور  $x$  هاست، پس مقدار ثابت باید مثبت باشد پس  $a = 4$  مورد قبول است.

$$\left. \begin{aligned} \text{اگر } a = 4 \text{ در نتیجه } f(x) &= \frac{4x+4}{4x+4} = 1 \\ \text{اگر } a = -4 \text{ در نتیجه } f(x) &= \frac{-4x+4}{4x-4} = -1 \end{aligned} \right\}$$

$g(x) = (a+b)x + \frac{c}{x}$  چون تابع همانی است، بنابراین:

$$\left. \begin{aligned} 4 + b = 1 &\Rightarrow b = -3 \\ c = 0 &\Rightarrow \frac{c}{x} = 0 \end{aligned} \right\}$$

تابع  $h(x) = kf(x) + ax - b$  در  $x = 2$  محور  $x$  ها را قطع می‌کند،

یعنی  $h(2) = 0$  و از طرفی می‌دانیم  $f(x) = 1$  و  $a = 4$  و  $b = -3$

$$h(2) = k(1) + 4(2) - (-3)$$

$$\Rightarrow 0 = k + 8 + 3 \Rightarrow k = -11$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۲)

(امیر حسن زاده فرد)

### گزینه «۴»

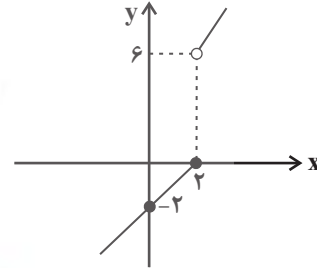
ابتدا حاصل  $f(2)$  و  $f(3)$  را حساب می‌کنیم.

$$\left. \begin{aligned} f(3) &= 2k + 2 \\ f(2) &= 2 - k \end{aligned} \right\} \Rightarrow 2k + 2 + 2 - k = 8$$

$$2k + 4 = 8 \Rightarrow k = 2$$

بنابراین  $f(x) = \begin{cases} 2x+2, & x > 2 \\ x-2, & x \leq 2 \end{cases}$  است و با رسم می‌توان برد این تابع را بدست آورد.

با توجه به نمودار اعداد صحیح  $\{1, 2, 3, 4, 5, 6\}$  در برد تابع  $f$  نمی‌باشند.



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۳)

### گزینه «۲»

(رضا قانباتانی)

به کمک نقطه‌یابی می‌توان مقادیر  $y$  هر ضابطه را حدس زد:

$$f(x) = 2x + 3 \xrightarrow{x < 1} f(1) = 5, f(0) = 3$$

$$y_1 < 5$$

$$f(x) = x^2 - 2 \xrightarrow{1 \leq x \leq 3} f(1) = -1, f(3) = 7, f(2) = 2$$

$$-1 \leq y_2 \leq 7$$

$$f(x) = 7 - x \xrightarrow{x > 3} f(3) = 4, f(4) = 3$$

$$\Rightarrow y_3 < 4$$

$$\xrightarrow{\text{اجتماع } y \text{ ها}} y \leq 7$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

### گزینه «۳»

(علی قهرمان زاده)

با توجه به اینکه  $f$  یک تابع است، پس مقدار  $x = \sqrt{3} - 1$  در هر دو ضابطه باید یکسان باشد.

$$x^2 + 2x + 1 + a = (x+1)^2 + a \xrightarrow{x = \sqrt{3} - 1}$$

$$(\sqrt{3} + 1 - 1)^2 + a = 3 + a$$

$$-2\sqrt{3} - 2\sqrt{3}x \xrightarrow{x = \sqrt{3} - 1} -2\sqrt{3} - 2\sqrt{3}(\sqrt{3} - 1)$$

$$= -2\sqrt{3} - 6 + 2\sqrt{3} = -6$$

$$3 + a = -6$$

$$a = -9$$

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۳۱- گزینه ۱»

(مفسر اصغری)

بیت صورت سؤال و توضیحات این گزینه مربوط به «ادیب‌الممالک فراهانی» است.

سایر گزینه‌ها مربوط به شاعران دیگر از دوره بیداری هستند:

گزینه «۲»: محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)

گزینه «۳»: ایرج میرزا

گزینه «۴»: عارف قزوینی

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ تا ۱۸)

۳۲- گزینه ۳»

(سعید معیری)

«با روی کار آمدن سلسله قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران، بازگشت به شیوه و الگوی گذشتگان در ادبیات، پروتق‌تر از گذشته بود. عبدالوهاب نشاط، انجمن ادبی نشاط را تأسیس کرد؛ پس از آن انجمن ادبی خاقان به ریاست فتحعلی‌شاه در تهران تشکیل شد. هدف این انجمن رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و انحطاط اواخر دوره صفوی و دوره‌های بعد از آن بود، اما برای رسیدن به این هدف، راهی جز تقلید از آثار پیشینیان در پیش نگرفتند.»

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۱۲)

۳۳- گزینه ۳»

(مفسر اصغری)

تشریح موارد نادرست:

الف) زبان پارسی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان، تألیف می‌شده است.

ج) منظومه «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» که هر دو اصل پارسی دارند، در میان اندرزنامه‌های منشور جای دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۳۴- گزینه ۱»

(مفسر اصغری)

سرایش اشعار داستانی و اندرزی در این دوره آغاز شد، اما شعر حکمی و اندرزی در واقع در دوران سلجوقی به شکوفایی رسید.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۴۳)

۳۵- گزینه ۴»

(عزیز الیاسی‌پور)

مفهوم گزینه‌های «۱ تا ۳»: ناپایداری دنیا و بی‌اعتباری جاه و مقام

مفهوم بیت گزینه «۴»: پناه‌جویی

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و مفهوم، ترکیبی)

۳۶- گزینه ۱»

(هومن نمازی)

شاعر در این بیت صرفاً به این نکته اشاره دارد که زیبارویان نباید در انتظار باشند و با افراد مختلف معاشرت کنند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: شاعر می‌گوید معشوق اگر زهر هم بدهد مانند نوش‌دارو است و باعث شفا یافتن می‌شود.

گزینه «۳»: مصراع اول پرسش انکاری و نوعی سؤال بلاغی است؛ یعنی هیچ عیبی در صورت زیبای تو نیست.

گزینه «۴»: به‌صورت پنهانی چهره معشوق را برتر از همه زیبایی‌ها می‌داند و بقیه را مانند نقش دیوار و بی‌ارزش.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۵۰)

۳۷- گزینه ۱»

(سیر علیرضا امیری)

الف) غرور و عجب در هنگام مستی همانند خود شراب، بدنام و مذموم است.  
ب) تا زمانی که شخص همت و اراده داشته باشد، از کسی شراب طلب نمی‌کند.

ج) شراب و هر دل‌بستگی دنیایی، شادی و نشئه‌ای به همراه ندارد، بلکه وارستگی از دنیا همه چیز را خوشایند می‌کند.

د) شراب، سودا و دیوانگی عشق را می‌افزاید.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

۳۸- گزینه ۴»

(مسن اصغری)

عبارت منشور صورت سؤال دارای مفاهیم تقدیرگرایی و دعوت به قناعت است، زیرا شاعر معتقد است دولت و خوشبختی با تلاش به دست نمی‌آید که این باور مفهوم قضا و قدر را در خود دارد.

مشاهیم ابیات:

گزینه «۱»: تقدیرگرایی

گزینه «۲»: برتری پول بر قدرت (جوی زر بهتر از پنجاه من زور)

گزینه «۳»: دعوت به قناعت

گزینه «۴»: تقدیرگرایی و قناعت پیشه‌کردن

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۵۳)

۳۹- گزینه ۳»

(هومن نمازی)

مورد الف) شاعر در حال مدح معشوق است.

مورد ب) در این بیت شاعر دنیا را چو بازی پنداشته است که با انسان در نبرد است و او را پیر و فرتوت و در نهایت نابود می‌سازد. پس نباید از او گریخت و کار خود را سامان بدهد.

مورد ج) این بیت به خلق و خوی مناسب داشتن در جهانی که ماندگار است و میان انسان‌هایی که فناپذیر هستند سفارش می‌کند.

مورد د) پیام بیت این است که دسترسی به معشوق دشوار است؛ شست یعنی قلاب یا دام.

مورد ه) مانند مورد «ب» هشدار می‌دهد که به دنیا گرفتار نشویم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۵۱)

## ۴۰- گزینه ۲

(سید علیرضا احمدری)

مفهوم بیت «ب»: ارزش در خود نگرستن و سفر به درون خود است.  
مفهوم بیت «ه»: بیت مدحی است و در مدح یکی از بزرگان و پادشاهان سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، مفهوم، ترکیبی)

## ۴۱- گزینه ۳

(اکبر بیوی)

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: جند، تند

گزینه ۲: زرد، درد، کرد

گزینه ۴: مل، گل

(علوم و فنون ادبی، بیان لفظی)

## ۴۲- گزینه ۳

(رژا رنجیری)

گزینه ۳: ارکان سجع: «بنیاد» و «پیمان» ← سجع متوازن، چون فقط در وزن مشترک هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: ارکان سجع: «جواب» و «آب» ← سجع مطرف، چون فقط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست.

گزینه ۲: ارکان سجع: «علت» و «وسیت» ← سجع مطرف، چون فقط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست. (فعل «بود» در پایان جمله دوم به قرینه فعل جمله قبلی حذف شده است.)

گزینه ۴: ارکان سجع: «قیامت» و «حیرت» ← سجع مطرف، چون فقط در حروف پایانی مشترک‌اند و وزنشان یکسان نیست. (فعل «است» در پایان جمله دوم به قرینه فعل جمله قبلی حذف شده است.)

نکته ۱: حذف فعل (به قرینه لفظی یا معنایی) در جملات مسجع، اشکالی در برقراری سجع پدید نمی‌آورد و مهم حضور کلمات غیر تکراری هم‌آهنگ در پایان جملات است.

نکته ۲: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

یادآوری: سجع: یکسان بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایانی، یا در هر دوی آن‌ها «سجع» نامیده می‌شود. آرایه سجع در کلامی دیده می‌شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع پدید آید. درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها می‌آید.

نکته ۳: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

یادآوری: سجع: یکسان بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایانی، یا در هر دوی آن‌ها «سجع» نامیده می‌شود. آرایه سجع در کلامی دیده می‌شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع پدید آید. درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها می‌آید.

نکته ۴: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

یادآوری: سجع: یکسان بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایانی، یا در هر دوی آن‌ها «سجع» نامیده می‌شود. آرایه سجع در کلامی دیده می‌شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع پدید آید. درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها می‌آید.

نکته ۵: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

یادآوری: سجع: یکسان بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایانی، یا در هر دوی آن‌ها «سجع» نامیده می‌شود. آرایه سجع در کلامی دیده می‌شود که حداقل دو جمله باشد، زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع پدید آید. درست مانند قافیه که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها می‌آید.

نکته ۶: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند. (مانند «ردیف» در شعر)

(علوم و فنون ادبی، برید لفظی)

## ۴۳- گزینه ۲

(الهام مممری)

بیت «ب»: تشبیه: «عذار مهوش»: عذار (مشبه)، مه (مشبه‌به)، وش (ادات تشبیه) / مصراع اول به مصراع دوم تشبیه شده است:

آن زلف پرشکست بر عذار (مشبه)، چون (ادات تشبیه)، زنگی که در شب مشعلی به دست گرفته باشد (مشبه‌به)

بیت «د»: «گلاب» استعاره از «اشک»

بیت «الف»: سجع میان واژگان «نهان، عیان، جهان» وجود دارد.

بیت «ج»: «سنبل» استعاره از «هو و گیسوان معشوق» است که شاعر آن را غارتگر ایمان می‌داند و «لب» را مددکننده جان؛ بنابراین تشخیص دارد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید)

## ۴۴- گزینه ۳

(الهام مممری)

آرایه‌های مشترک میان دو بیت «واژه‌آرایی» (تکرار)، «تشبیه و سجع» است. بیت صورت سؤال: سجع: میان واژگان «فرمان، پنهان» / تشبیه: «خورشید و مه» به «پروانه» تشبیه شده‌اند. / تکرار: «شمع» و «کنم»

بیت گزینه ۳: سجع: میان واژگان «می‌دان و جان» / تشبیه: «شعله سودا» و «خورش شعله سودا» / تکرار: «دیدنی» و «می‌دان»

و «خورش شعله سودا» / تکرار: «دیدنی» و «می‌دان»

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید)

## ۴۵- گزینه ۲

(یاسین مهربان)

تشبیه: «الف»: تشبیه مرتج و پنهان «معشوق» به «آفتاب»

استعاره: «ج»: «وحشی‌غزال» استعاره مصرحه از معشوق

سجع: «ب»: «نگر، شکر و پر»

تشخیص: «د»: «گریه کردن ابر» تشخیص است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «بیت «ج»: فاقد تشخیص است. توجه داشته باشید که «ای وحشی‌غزال»، تشخیص ندارد؛ زیرا «وحشی‌غزال» استعاره از معشوق است و شاعر در واقع، معشوق خودش را صدا زده و مورد خطاب قرار داده، نه غزال وحشی را. [غزال = نوعی آهو]

گزینه ۳: «بیت «ب» نیز فاقد تشخیص است؛ زیرا تنها زمانی تشخیص داریم که ویژگی یا عمل انسانی‌ای به چیز بی‌جانی نسبت داده باشیم. در این بیت، «مورچه‌ای که روی بار شکر راه می‌رود» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند»، آرایه تشخیص ندارد. منظور از هر دو عبارت نیز، توصیف سبیل تازه‌رویده معشوقش بر روی لبش است.

گزینه ۴: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

گزینه ۵: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

گزینه ۶: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

گزینه ۷: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

گزینه ۸: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

گزینه ۹: «بیت «ب»، فاقد استعاره است؛ زیرا با تشبیه مرکب روبه‌رو هستیم. در تشبیه مرکب، شاعر یک منظره یا صحنه را، به منظره یا صحنه دیگری تشبیه می‌کند. در این بیت، شاعر تصویر «خط بر لب نوش (سبیل روی لب)» را به «مورچه‌ای که روی شکر است» و «طوطی‌ای که بر روی شکرستان، بال و پرش را می‌پرواند» مانند کرده است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و برید)

#### ۴۶- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

##### تشبیه در ابیات گزیندها:

گزینه «۱»: ۱- اشک می‌گون / ۲- شمع‌وار / ۳- خون لعل (آتش دل استعاره از عشق است و چشم ساغر اضافه استعاری است).  
گزینه «۲»: ۱- من گویی جواب سائل هستم (انگار من مانند پاسخ به گدایان، معیار ناامیدی هستم).  
گزینه «۳»: ۱- صدف لفظ / ۲- معنی چون در / ۳- گوهر شعر / ۴- کان دل (کان: معدن)  
گزینه «۴»: ۱- بر شادی (بر: میوه) / ۲- اندوه به تخم مانند شده است.  
(علوم و فنون ادبی، بیان)

#### ۴۷- گزینه «۲»

(سیر علیرضا امیری)

الف: «گل» استعاره مصرحه از یار

ج: «زر» استعاره از چهره

##### تشریح سایر گزیندها:

ب: «سنگ عشق» اضافه تشبیهی است.  
د: «سرو بالا» اضافه تشبیهی است. «چمن» هم مجاز از «باغ و بوستان» است، نه استعاره.  
ه: «جام عشق» اضافه تشبیهی است.  
(علوم و فنون ادبی، بیان)

#### ۴۸- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

نگار استعاره مصرحه از یار/ تشبیهات: ۱- نگار مهوش ۲- خورشیدرو (تشبیه درون‌واژه‌ای)

##### تشریح سایر ابیات:

گزینه «۱»: «عقیق جان‌فزایت» استعاره مصرحه از لب معشوق و «آب کوثر» (اعتبار و آبروی چشمه کوثر) اضافه استعاری و استعاره مکنیه/ تشبیه مرجع لب یار به چشمه کوثر (لب یار باعث رفتن آبروی چشمه کوثر می‌شود، یعنی لب یار در جان‌بخشی و جان‌فزایی مانند چشمه کوثر است؛ بلکه هم برتر از آن)  
گزینه «۲»: «آتش دل» استعاره مصرحه از عشق و «آب آتش‌فام» استعاره مصرحه از شراب / تشبیه: آب آتش‌فام

##### توضیح نکته درسی:

واژه «فام» می‌تواند دو معنا داشته باشد. از یک سو معنای «رنگ» (همانطور که در بیت گزینه «۲» آمده است «آب آتش‌فام» به معنای آب آتش‌رنگ یا همان سرخ است که استعارتاً معنای شراب می‌دهد و فام، وجه شبه است و از سوی دیگر معنای «مانند» می‌دهد که در این صورت ادات تشبیه است.  
گزینه «۳»: استعاره‌ها: ۱- دود جگر (اضافه استعاری) ۲- شمع عالم‌تاب (استعاره مصرحه از خورشید) ۳- شبستان (استعاره از آسمان تاریک) / مهر رو (اضافه تشبیهی)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

#### ۴۹- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

الف: استعاره مکنیه: فعل «چاک زده» و «دیده» برای گل نسترن استفاده شده است. / استعاره مصرحه: صنم (یار) / تشبیه: گل‌رخسار  
ب: استعاره مکنیه: تیره‌رویی برای گل سنبل استفاده شده است. / استعاره مصرحه: - / تشبیه: ترجیح طره (موی پیشانی) یار بر گل سنبل (تشبیه مرجع)

ج: استعاره مکنیه: بار بردن برای گل استفاده شده است. / استعاره مصرحه: - / تشبیه: بار نسیم  
د: استعاره مکنیه: فعل «دهان گشوده است» برای گل سوری استفاده شده است. / استعاره مصرحه: بت (یار) / تشبیه: ترجیح رخ یار بر گل سوری (تشبیه مرجع)

(علوم و فنون ادبی، بیان)

#### ۵۰- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

مست بودن چشم و خواب بودن بخت دارای تشخیص و استعاره هستند.

##### تشریح سایر گزیندها:

گزینه «۱»: لعبت چشم: اضافه تشبیهی  
گزینه «۲»: مصراع دوم فاقد تشخیص است.  
گزینه «۳»: ای [کسی که] لب می‌گون تو هم‌چون شراب و شکر است، و ای [کسی که] دل پر خون من [برای تو] مثل نمک و کباب است.  
(علوم و فنون ادبی، بیان)

#### ۵۱- گزینه «۳»

(رضا رنجیری)

بررسی وزن گزینه «۳»:

|                 |         |       |        |   |     |   |   |
|-----------------|---------|-------|--------|---|-----|---|---|
| پایه‌های آوایی  | مَن     | وَقَف | کَر    | د | ءَم | ب | ت |
| نشانه‌های هجایی | -       | -     | U      | - | U   | - | U |
| دسته‌بندی اول   | مستفعلن |       | مفاعیل |   |     |   |   |

|                 |        |     |     |
|-----------------|--------|-----|-----|
| پایه‌های آوایی  | مَر    | دِل | رَا |
| نشانه‌های هجایی | -      | -   | -   |
| دسته‌بندی اول   | مفعولن |     |     |

**نتیجه:** اوزانی که با رکن عروضی مفعول (U--) شروع می‌شوند را می‌توان دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد. اما دقت کنید که دو وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» و «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع» با الگوی (U--) شروع می‌شوند، ولی دو برش هجایی ندارند. این دو وزن در اکثر سؤال‌ها به عنوان دام تستی به کار می‌روند تا شما را دچار اشتباه نکنند. همچنین بدانید که در تعیین مرز پایه‌ها و نیز دسته‌بندی هجاها، نظم همسان، بر ناهمسان ترجیح دارد و وزن بیت را بهتر نشان می‌دهد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

#### ۵۲- گزینه «۴»

(رضا رنجیری)

گاهی با توجه به وزن عروضی یک بیت، برخی واژه‌ها تلفظ متفاوتی پیدا می‌کنند و همین امر، بر نوع الگوی هجایی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. «گلستان» نمونه‌ای از این واژه‌ها است که می‌توانیم آن را در یک سروده، به دو صورت تلفظ کنیم: گُلستان (U--) و گُلستان (U-). با این توضیح، می‌بینیم که فقط در گزینه «۴»، این واژه به صورت «گُلستان» هجابندی و تلفظ می‌شود.

بررسی وزن گزینه «۴»:

|                 |     |    |     |     |     |     |     |     |
|-----------------|-----|----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|
| پایه‌های آوایی  | هَر | شَ | جَر | گَر | دَد | هَد | مِی | دَر |
| نشانه‌های هجایی | -   | U  | -   | -   | -   | U   | -   | -   |

|                 |     |    |      |     |     |    |     |
|-----------------|-----|----|------|-----|-----|----|-----|
| پایه‌های آوایی  | گُل | سِ | تَان | بِی | بَر | گُ | بَر |
| نشانه‌های هجایی | -   | U  | -    | -   | -   | U  | -   |

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) الگوی هجایی بیت به صورت «- U - - U - - U - - U - -» است و گلستان را باید به شکل «- U - -» هجابندی کنیم.
- ۲) الگوی هجایی بیت به صورت «- U - - U - - U - - U - -» است و گلستان را باید به شکل «- U - -» هجابندی کنیم.
- ۳) الگوی هجایی بیت به صورت «- U - - U - - U - - U - -» است و گلستان را باید به شکل «- U - -» هجابندی کنیم.
- نکته: از این واژه‌ها می‌توان به «خِضَر (خِضِر)، خِیَوَان (خِیَوَان)، گِلْسْتَان (گِلْسْتَان)، نِیم (نِیم)، بُوَد (بُوَد)، طَرَف (طَرَف)، تَرُش (تَرُش) و ...» اشاره کرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر)

### ۵۳- گزینه «۲»

الگوی هجایی بیت صورت سؤال و گزینه «۲»:

| صورت سؤال       | پایه‌های آوایی |     |    |    |
|-----------------|----------------|-----|----|----|
| گزینه «۲»       | مَع            | شَو | قِ | شَ |
| نشانه‌های هجایی | -              | -   | U  | U  |

| صورت سؤال       | پایه‌های آوایی |    |     |    |     |     |
|-----------------|----------------|----|-----|----|-----|-----|
| گزینه «۲»       | هَی            | دِ | عِش | قِ | خُد | رَا |
| نشانه‌های هجایی | -              | U  | -   | U  | -   | -   |

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) - - - U U - - - U U - -

۳) - - - U - U - U U - -

توجه: تفاوت این گزینه با بیت صورت سؤال، فقط در یک هجای بلند است که آن هم در پایان مصراع آمده.

۴) - - U U - - U U - - U U - -

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

### ۵۴- گزینه «۲»

(سیر مفسر رضوی)

وزن گزینه «۲» ناهمسان و «مفعولن فاعلاتن مفعولن فاعلن» است که ۴ پایه آوایی دارد. توجه کنید که «فع» در انتها، خود، یک پایه محسوب می‌شود، هرچند تک‌هجایی! تقطیع مصراع دوم:

| مفعولن      | فاعلاتن     | مفعولن       | فاع |
|-------------|-------------|--------------|-----|
| چَن دُن شِی | نِی کَ خَاج | کِی بَ دَرَا | یَد |

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هم به چن بر / گُ دَا ر خَا / هد بود: فاعلاتن / مفاعِلن / فَعْلَن، یعنی ۳ پایه

گزینه «۳»: بِ دَان سَا عت / کَ از تَن گِی / رَ هَا گِش تِی: مفاعِلن / مفاعِلن / مفاعِلن، یعنی ۳ پایه (توجه: این وزن پرسامدی نیست. معمولاً می‌بینیم در پایه سوم «فَعولن» یا «مفاعِی» آمده است، یعنی حالت محذوف).

گزینه «۴»: یَا رِی ز / صَب ر خَا ه / کِیَا رِی نیست: مفعول / فاعلاتن / مفاعِلن، یعنی ۳ پایه (توجه: این وزن به صورت «مستفعلن مفاعِل مفعولن» هم قابل دسته‌بندی است که آن هم ۳ پایه دارد).

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

### ۵۵- گزینه «۳»

(سیر مفسر رضوی)

پیشنهاد می‌شود در این نوع سؤالات به جای دست به تقطیع شدن، ابتدا وزن کل مصراع را تشخیص دهید و بعد علایم هجایی را با وزنی که تشخیص داده‌اید مقایسه کنید!

گزینه «۱»: رَقْصَان ز عَدَم به سوی هست آمد:

مفعول / مفاعِلن / مفاعِلن

- - - U / - U - U / U - -

اما علایم هجایی این گزینه در پایه آخر «- U - -» مرقوم شده، یعنی یک هجا کمتر، پس اشتباه است.

گزینه «۲»: دَر خَزَانَه به مَهر تو و نِشانِی توست:

مفاعِلن / فَعْلَاتَن / مفاعِلن / فَعْلَن:

- U U / - U - U / - - U U / - U - U

اما علایم هجایی این گزینه در رکن آخر فاعلاتن یا «- U U - -» مرقوم شده، یعنی یک هجا بیشتر، پس اشتباه است. در حقیقت علایم هجایی این گزینه، صورت همسان دولختی این وزن را نشان می‌دهد، یعنی دوبار مفاعِلن فاعلاتن کامل.

گزینه «۳»: بِی دَل و بِی یار هَمچَنان که تو دیدی:

مفعولن / فاعلاتن / مفعولن / فَع

- / - U U - / U - U - / - U U -

که کاملاً منطبق بر علایم درج شده در این گزینه است.

گزینه «۴»: فَرِیاد در نِهاد بَنی آدم اوفتد:

مفعول / فاعلاتن / مفاعِلن / فاعِلن

- U - / U - - U / U - U - / U - -

اما در گزینه «۴»، پایه آخر «- -» ذکر شده، پس نادرست است. (او فِ تَد = - U -)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

### ۵۶- گزینه «۳»

(اکبر بیبوی)

بررسی موارد:

الف: فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن (فاعلن مفاعِلن فاعِلن مفاعِلن) ← از اوزان دولختی و دارای دو دسته‌بندی هجایی

ب: مفاعِلن فَعْلَاتَن مفاعِلن فَعْلَن ← از اوزان ناهمسان

ج: مفعول مفاعِلن مفاعِلن (مستفعلن فاعِلاتن مفعولن) ← از اوزان ناهمسان و دارای دو دسته‌بندی هجایی

د: مفعول فاعلاتن مفاعِلن (مستفعلن مفاعِل مفعولن) ← از اوزان ناهمسان و دارای دو دسته‌بندی هجایی

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (همسان) قابلیت دسته‌بندی هجایی دوگانه را ندارد.

گزینه «۳»: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (ناهمسان) و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت: مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (ناهمسان)

گزینه «۴»: مفعول مفاعیل مفعول مفاعیل (همسان) و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت: مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن (همسان)

**توضیح نکته درسی:**

اوزانی که دسته‌بندی هجایی دوگانه‌ای دارند:

مفعول مفاعیل فعولن=مستفعلن فاعلات فعل (هر دو ناهمسان)  
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن=مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (هر دو ناهمسان)  
مفعول مفاعیل مفاعیل فعل=مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعل (هر دو ناهمسان)  
مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن=مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن (هر دو همسان)  
مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن=مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (هر دو همسان)  
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن=مستفعلن مستفعلن مستفعلن (اولی ناهمسان و دومی همسان)

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۳)، موسیقی شعر)

**۵۹- گزینه «۴»**

(سیر علیرضا امیری)

مفاعیل (خ ی ا ل و ص) فاعلاتن (ل ت ا م ا ر) مفاعیلن (ن ب و ذ آ) فاعلاتن (ب ح یا تم)

مفاعیلن (ف غ ا ن ز آ) فاعلاتن (ت ش سو ز) مفاعیلن (ج گر ذ قی) فاعلاتن (ق ذ قی ق)

هجای هشتم مصراع دوم در تقطیع هجایی کوتاه است، ولی بنا بر ضرورت وزن شعر، بلند تلفظ می‌شود. این مورد را در درس پنجم علوم و فنون ادبی ۳ تحت عنوان اختیارات زبانی خواهیم خواند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر)

**۶۰- گزینه «۴»**

(سیر علیرضا امیری)

بیت صورت گزینه «۴» به نامعلوم بودن ماهیت دنیا و هستی اشاره دارد، ولی رباعی پیامی عاشقانه دارد و دنیا را بدون یار، نیست و نابود فرض می‌کند،

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: وزن رباعی همواره قابلیت دسته‌بندی به صورت همسان و ناهمسان را دارد. صورت همسان آن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعل» است و صورت ناهمسان آن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است.

گزینه «۲»: واژه‌های مست، دست و هست هم قافیه هستند و حروف اصلی قافیه «ست» است که متشکل از یک مصوت و دو صامت است.

گزینه «۳»: «روی» مجاز از کل وجود / «ملک وجود» تشبیه بلیغ اضافی و «دل کسی رفتن» کنایه از عاشق شدن است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، بیان و مفعول)

ه: مفتعلن فاعلات مفتعلن فَع ← از اوزان ناهمسان

بنابراین، ابیات «ب و د» به ترتیب دارای وزن ناهمسان و دو دسته‌بندی هجایی هستند؛ پس پاسخ گزینه «۳» (ب - د) است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

**۵۷- گزینه «۴»**

(سیر مفسن رضوی)

وزن‌واژه‌ها و تقطیع مطابق آنها در همه گزینه‌ها به شرح زیر است:

گزینه «۱»: ترسم ای میوه درخت بلند: فاعلاتن مفاعیلن فعْلن

| فاعلاتن |    |    | مفاعیلن |    |   | فعْلن |    |     |
|---------|----|----|---------|----|---|-------|----|-----|
| -       | U  | -  | -       | U  | - | U     | U  | -   |
| تر      | سَ | می | می      | می | و | ی     | دِ | رَخ |
|         |    |    |         |    |   |       | تِ | بُ  |
|         |    |    |         |    |   |       |    | لند |

در خوانش صحیح، حذف همزه واژه «ای» و تغییر کمیت هجای «ی» در «میوه‌ی» به هجای بلند عیان می‌شود!

گزینه «۲»: حال از دهان دوست شنیدن چه خوش بود: مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل

| مستفعلن |      |    | مفاعل |    |     |
|---------|------|----|-------|----|-----|
| -       | U    | -  | -     | U  | U   |
| حَا     | لَزَ | دَ | هَا   | نِ | دُو |
|         |      |    |       | سِ | شِ  |

| مستفعلن |     |    | فعل |    |      |
|---------|-----|----|-----|----|------|
| -       | U   | -  | -   | U  | -    |
| نِی     | ذَن | چَ | خُش | بُ | وَدَ |

پس رکن دوم، «مفاعل» است، نه مفاعیلن!

گزینه «۳»: این زهر کشنده انگبین بخشد

| مفعول |     |    | مفاعیلن |     |      |
|-------|-----|----|---------|-----|------|
| -     | U   | -  | -       | U   | -    |
| این   | زَه | رَ | کُ      | شَن | دِ   |
|       |     |    | اَن     | گَ  | بِین |
|       |     |    |         | بِخ | شد   |

پس پایه آخر «مفاعیلن»، نه «فعولن». در حقیقت وزن بیت در انتها یک هجا بیشتر دارد.

گزینه «۴»: آنها کجا شدند و کجا اینها

| مفعول |    |    | فاعلاتن |    |     | مفاعیلن |      |    |
|-------|----|----|---------|----|-----|---------|------|----|
| -     | U  | -  | -       | U  | -   | U       | U    | -  |
| اَن   | ها | کُ | جا      | شُ | دَن | دَ      | کُ   | جا |
|       |    |    |         |    |     |         | اَین | ها |

که دقیقاً همان وزن مذکور در گزینه «۴» است. پیشنهاد می‌شود به تشخیص سماعی و تسلط بر پایه‌های وزن گزینه‌های «۳» و «۴» توجه بیشتری کنید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر)

**۵۸- گزینه «۱»**

(سیر علیرضا امیری)

وزن بیت گزینه «۱»، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است -که وزنی است ناهمسان- و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت می‌توانیم وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» - که وزنی همسان است- را برای آن در نظر بگیریم.

## جامعه‌شناسی (۳)

## ۶۱- گزینه «۳»

(سید آرش مرتضائی فر)

از آنجا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۳)

## ۶۲- گزینه «۲»

(آزیتا بیدرقی)

گزینه «۱» مربوط به دیدگاه اول و گزینه‌های «۳» و «۴» مربوط به دیدگاه سوم است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

## ۶۳- گزینه «۴»

(پوار لیلیان)

هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد.

افرادی که درباره مسائل و مشکلات دانش علمی دارند از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه‌های ۵ و ۶)

## ۶۴- گزینه «۱»

(ریحانه امینی)

مطابق آن دیدگاه، دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند بلکه خلق و بازسازی آن هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه‌های ۳، ۶ و ۸)

## ۶۵- گزینه «۴»

(مهمرمهری یعقوبی)

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. علوم انسانی درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۱)

## ۶۶- گزینه «۲»

(یاسین ساعری)

در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۶)

## ۶۷- گزینه «۱»

(سینا غلامی)

دانش علمی در جهان اسلام منحصر و محدود به دانش تجربی نیست و علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را نیز در بر می‌گیرد. ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با حل تعارض مطرح شده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه‌های ۶ و ۷)

## ۶۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

نمودار نشان می‌دهد که دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی را نیز شامل می‌شود. دانش عمومی نیز دانش غیرمؤثق و نامعتبر نیست بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را نیز دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

## ۶۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

- کنش اجتماعی بخشی از کنش انسانی است.

- موضوع علوم انسانی، عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند ولی برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند. روان‌شناسی نمونه‌ای از علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه ۱۱)

## ۷۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

تصاویر صفحه ۱۴ کتاب درسی با متن صفحه قبل خود کاملاً ارتباط مفهومی داشته و مراد از این تصاویر این بوده که نشان دهند علوم اجتماعی با داورى درباره علوم طبیعی، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند از طبیعت و علوم طبیعی (بدون آسیب رساندن به دیگر ساختمان‌ها) به شیوه صحیح استفاده کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

## جامعه‌شناسی (۱)

## ۷۱- گزینه «۲»

(سید آرش مرتضائی فر)

- تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف است. چنین تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند.

- «انسان تربیت‌پذیر است» مربوط به لایه عقاید از نهاد تعلیم و تربیت است. - فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا باید‌ها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵، ۳۱ و ۵۰)

## ۷۲- گزینه «۱»

(مهرداد گرمی)

فرهنگ یکی از پدیده‌های اجتماعی کلان است که ملموس و عینی نیست بلکه ذهنی است.

تصور از معلم یک پدیده خرد و ذهنی است.

شهر یکی از پدیده‌های اجتماعی کلان است و عینی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

## ۷۳- گزینه «۳»

(امیر حسین فزایی)

وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «نهادهای اجتماعی» آشکار می‌شوند. افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و ... قادر به ادامه زندگی نیستند. برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۳)

## ۷۴- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

در جهان غرب نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند. (جوامع غیرغربی) وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمرداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۹)

## ۷۵- گزینه «۴»

(فاطمه رضائیان)

موارد «الف» و «ج» مربوط به نگاه خطی به جوامع و موارد «ب» و «د» مربوط به دیدگاه عرضی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

## ۷۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

- جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند ارزیابی کرد.  
- نظریه استعمار محصول دیدگاه خطی به جوامع (جهان‌های اجتماعی در طول هم) است.  
- هر جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۸)

## ۷۷- گزینه «۳»

(سید آرش مرتضائی‌فر)

موارد به ترتیب مربوط به جهان‌های دنیوی، اساطیری و معنوی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۵۱)

## ۷۸- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

در جهان متجدد عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به وسیله او به کار گرفته می‌شوند؛ دگرگون می‌شوند؛ به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۵۲)

## ۷۹- گزینه «۲»

(آریتا پیدرقی)

عبارت «اول»: تنوع جهان‌های اجتماعی

عبارت «دوم»: تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی واحد

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

## ۸۰- گزینه «۳»

(امیرمهری افشار)

- انسان‌ها در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند، ابتدا آن موقعیت را برای خود تعریف می‌کنند و به آن معنا می‌دهند و سپس در آن موقعیت دست به عمل می‌زنند.  
- تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.  
- هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است.  
- منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴۰، ۴۷ و ۵۰)

## جامعه‌شناسی (۲)

## ۸۱- گزینه «۱»

(سید آرش مرتضائی‌فر)

اصول اعتقادی و ارزش‌های اسلام، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیاء در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۷)

## ۸۲- گزینه «۱»

(یاسین ساعری)

در دوران خلافت، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت در جامعه اسلامی را براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای شکل داد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۹)

## ۸۳- گزینه «۱»

(مریم فسروی دهنوی)

علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفه شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت بر عهده نداشت؛ بلکه به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد و از این جهت به دستاوردهای شگرفی نائل آمد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۱)

۸۴- گزینه «۳»

(مهم‌مهری یعقوبی)

- استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.

- اومانیسم از نتایج منطقی سکولاریسم است. اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمی‌تواند اصالت داشته باشد و همه موجودات از جمله انسان، آیات و نشانه‌های او خواهند بود.

- حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند. بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند. حرکت‌های نوع اول با حمایت قدرت‌های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج سازند.

(جامعه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۳۱، ۳۹ و ۴۷)

۸۵- گزینه «۳»

(سینا غلامی)

- روشنگری با رویکرد دنیوی اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل اینکه وحی را نمی‌پذیرد، به دئیسم منجر می‌شود.

- دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه‌ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۴۲)

۸۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنگور قارچ از کشور ۹۸)

- روشنگری در معنای عام خود، پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه روش‌های شناخت حقیقت‌اند. روشنگری در این معنا، اگر با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد.

- روشنگری در معنای خاص، به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته‌شده در فرهنگ غرب گفته می‌شود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است. این روش در طول بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همه آن‌ها کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است. روشنگری با رویکرد دنیوی، اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل این‌که وحی را نمی‌پذیرد به دئیسم منجر می‌شود. دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه‌ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

۸۷- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

استبداد قومی می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی ظاهر دینی خود را حفظ کند (ساخت تکیه دولت توسط ناصرالدین شاه). استبداد استعماری چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت (ممنوعیت حجاب)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۳۱)

۸۸- گزینه «۴»

(آریتا بیدقی)

تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و رنسانس ← انقلاب فرانسه (ب)

فراهم شدن زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب- رعیتی ← رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا (الف)

جنگ‌های صلیبی، مواجهه اروپاییان با مسلمانان و فتح قسطنطنیه ← ایجاد زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا (ج)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷ و ۵۳)

۸۹- گزینه «۴»

(امیرمهری افشار)

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این‌جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر سر باز می‌زنند.

رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان پروتستانتیسم یاد می‌شود. مانند دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ در جهان غرب.

در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است؛ به گونه‌ای که دین‌داران؛ ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این‌جهانی می‌کنند. مانند توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۸)

۹۰- گزینه «۴»

(علیرضا هیدری)

دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینه گسترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد و فلسفه‌های روشنگری، سکولاریسم را از لایه‌های سطحی فرهنگ غرب به لایه‌های عمیق آن تسری داد و فرهنگ معاصر غرب را پدید آورد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۰)

## روان‌شناسی

## ۹۱- گزینه ۲»

(مهم‌عرفان فرهادی)

«الف»: نادرست است؛ روان‌شناسی رشد تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی از زمان انعقاد نطفه تا هنگام مرگ در آدمی رخ می‌دهد، مطالعه کند.

«د»: نادرست است؛ فراخوانی زندگی به معنای طول زندگی یا دامنه زندگی است، نه شناسایی پیش‌بینی تغییرات در طول زندگی.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

## ۹۲- گزینه ۲»

(مهم‌عرفان فرهادی)

زمانی که گفته می‌شود همه انسان‌ها در برخی از ویژگی‌ها شباهت دارند به نقش وراثت و رشت اشاره دارد؛ چون محیط همه انسان‌ها یکسان نیست که ویژگی‌های مشترک ایجاد کند.

**تشریح گزینه‌های درست:**

گزینه «۱»: مفهوم بیت این است که همنشینی با افراد خوب را از دست نده، چرا که در اثر همنشینی با آن‌ها تو هم خوب می‌شوی که نقش عامل محیطی بر رشد را نشان می‌دهد.

گزینه «۳»: دوقلوهای همسان دارای ویژگی‌های وراثتی یکسان هستند؛ زیرا هر دو از یک تخمک به وجود آمده‌اند و الزاماً هم‌جنس نیستند.

گزینه «۴»: مفهوم بیت این است که آهنی که ذاتش بد باشد با هیچ تلاشی به گوهر ارزشمندی تبدیل نخواهد شد که نقش عامل وراثت بر رشد را نشان می‌دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

## ۹۳- گزینه ۳»

(هاثا امیرزاده)

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

- ۱۲ سالگی هم‌زمان با شروع بلوغ جنسی، آغاز دوره نوجوانی می‌باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

- بازه زمانی ۲ تا ۷ سالگی را کودکی اول می‌نامند. در این مرحله نباید از فرزند توقع اطاعت و فرمانبری داشت و باید سعی کرد با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره برد. (رد گزینه ۱)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۳)

## ۹۴- گزینه ۳»

(مهم‌ربیبی)

گزینه «۳» کاملاً با دو بخش اساسی متن کتاب درسی همخوانی دارد: اول اینکه صفات از طریق کروموزوم‌های هر دو والد (۲۳+۲۳) به ارث می‌رسند، و دوم اینکه عوامل محیطی و روانی (مانند تغذیه، داروها و ارتباط معنوی) به‌صراحت در متن به‌عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت رشد قبل از تولد ذکر شده‌اند.

**دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: دارای دو خطای آشکار است:

۱- صفات منحصرأ از طریق پدر منتقل نمی‌شوند، بلکه سهم دقیقاً ۵۰-۵۰ از مادر و پدر است.

۲- کتاب درسی صریحاً فشار روانی (استرس) را یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد معرفی می‌کند، در حالی که این گزینه آن را بی‌تأثیر می‌داند.

گزینه «۲»: دچار اشتباه مفهومی در مورد کروموزوم‌هاست. متن کتاب تعداد کروموزوم‌های نطفه طبیعی را به‌صورت قطعی ۴۶ عدد اعلام می‌کند و

عوامل محیطی (مانند آلودگی و تغذیه) را تنها بر چگونگی و کیفیت رشد مؤثر می‌داند، نه بر تعداد کروموزوم‌ها. تعداد کروموزوم‌ها در نوسان نیست.

گزینه «۴»: دارای دو خطای اساسی است:

۱- وراثت صفات به سن مادر وابسته نیست، بلکه به کروموزوم‌های هر دو والد بستگی دارد (سن مادر فقط یکی از عوامل محیطی مؤثر بر رشد است، نه عامل وراثت).

۲- متن کتاب به‌وضوح اشاره دارد که داروها بر رشد قبل از تولد (دوران جنینی) تأثیر می‌گذارند، نه فقط پس از تولد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۵)

## ۹۵- گزینه ۳»

(هاثا امیرزاده)

- منظور از رشد در دوره کودکی، از زمان تولد تا ۱۱\_۱۲ سالگی است. (رد گزینه ۴)

- بسیاری بر این باورند که روان‌شناسی رشد فقط خصوصیات دوره کودکی را بررسی می‌کند، در حالی که روان‌شناسی رشد مطالعه علمی انسان از زمان انعقاد نطفه تا پایان زندگی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

- این دوره سنی (دوره کودکی)، نسبت به سایر دوره‌های بعدی رشد، اهمیت زیادی دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۵)

## ۹۶- گزینه ۲»

(مهم‌ربیبی)

کودک ۱ (۵ ماهه): وقتی شیء کاملاً از دید خارج می‌شود، او آن را فراموش می‌کند و جست‌وجو نمی‌کند؛ چون هنوز درک نکرده که اشیاء پس از ناپدید شدن همچنان وجود دارند.

کودک ۲ (۴ ساله): کودکان این سن بیشتر جذب اندازه و ظاهر فیزیکی می‌شوند تا ارزش واقعی؛ بنابراین بادنک بزرگ را به سکه طلای کوچک ترجیح می‌دهند.

کودک ۳ (۵ ساله): کودکان تا قبل از دبستان تحت تأثیر ویژگی ظاهری اشیاء قرار می‌گیرند؛ بنابراین کودک به جای توجه به حجم واقعی، فقط به بلندی ظرف نگاه می‌کند و فکر می‌کند ظرف بلندتر، آب بیشتری دارد؛ پس ظرف بلند و باریک را انتخاب می‌کند.

**نکته:** هر سه رفتار نشان می‌دهد که در سال‌های اولیه، کودکان تحت تأثیر ظاهر و ویژگی‌های محسوس قرار می‌گیرند، نه مفاهیم انتزاعی مانند ارزش یا حجم واقعی.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۸)

## ۹۷- گزینه ۳»

(مهم‌ربیبی)

رفتار کودک در موقعیت اول نشان می‌دهد که او واکنش مادر را به‌عنوان بازخورد منفی (نه‌ی)، بلکه به‌عنوان یک هیجان جذاب و مثبت تفسیر کرده است. این دقیقاً همان فرایند «جهت‌دهی هیجانی از طریق دریافت واکنش دیگران» است که در متن کتاب درسی به آن اشاره شده؛ یعنی کودک با توجه به واکنش مادر، به هیجان خود (و رفتارش) معنا می‌بخشد، حتی اگر آن معنا برخلاف قصد مادر باشد.

**علت نادرستی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: نادرست است؛ زیرا هیجان مادر در موقعیت اول «ساده و زیستی» محسوب نمی‌شود و در موقعیت دوم نیز سکوت مادر به‌معنای مرکب بودن هیجان او نیست. همچنین خودِ واقعه به‌تنهایی تعیین‌کننده نوع هیجان کودک نیست.

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۰۱- گزینه ۱

(ممد رشا قانرا مینی - اصفهان)

«إني»: همانا من، بی‌گمان من، قطعاً من (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «رأيت» (صیغه متکلم‌وحده): دیدم (رد گزینه ۳) / «أحد عشر»: یازده / «كوكباً و الشمس والقمر»: ستاره، خورشید و ماه / «رأيتهم»: آن‌ها را دیدم (رد سایر گزینه‌ها) / «ساجدين»: سجده‌کنان (رد گزینه ۲)

در گزینه ۴، «در آسمان» و «بودند» اضافی آمده است. (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۰۲- گزینه ۳

(ابوطالب درانی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إصبر»: (فعل امر مخاطب) صبر کن

گزینه ۲: «أعلم»: (فعل مضارع متکلم‌وحده) می‌دانم

گزینه ۴: «أنزل»: (فعل ماضی غایب) فروفرستاد

(ترجمه)

۱۰۳- گزینه ۱

(عمار تافیش)

«قدر»: ارزش / «كلّ منّا»: هر کدام از ما، هر یک از ما (رد گزینه ۲) / «حسبته»: آن را خوب انجام می‌دهیم (رد گزینه ۴) / «فعلينا»: پس بر ما واجب است / «أن نقوم به»: که بپردازیم به ... / «واجباتنا»: وظایف خود / «أحسن ما نستطيع»: با بهترین چیزی که می‌توانیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لأن للرجال»: چرا که انسان‌ها ... دارند (رد گزینه ۳) / «على الأفعال أسماء»: با عملکردها، نام‌هایی (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۰۴- گزینه ۴

(محمود بادرین - یاسوج)

«استمعوا»: گوش فرا دهید (رد گزینه ۳) / «كلام فيه شيء من الحكمة»: سخنی که در آن چیزی از حکمت است (رد گزینه ۳) / «تعلموها»: آن را بیاموزید (یاد بگیرید) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «علموها»: آن را آموزش دهید (یاد بدهید) / «لمن يطلبونها متكم»: به کسانی که آن را از شما می‌طلبند / «نور للحياة و سبب للنجاح»: نوری برای زندگی و دلیلی برای موفقیت است (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۰۵- گزینه ۲

(پیروز وهان - گنبرک‌کووس)

«سبب عقائد الآخرين»: دشنام دادن به عقاید دیگران (رد گزینه ۳) / «في أي مجتمع»: در هر جامعه‌ای (رد گزینه ۴) / «سيؤذي إلى»: منجر به ... خواهد شد (رد گزینه ۳) / «ابتعدوا»: دوری کنید، دور شوید (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

گزینه ۲: «نادرست است؛ زیرا کتاب این موضوع را بیان نکرده که کودک توانایی تشخیص خشم از محبت را ندارد. همچنین سکوت مادر منجر به شکل‌گیری «ترحم» در کودک نمی‌شود.

گزینه ۴: «نادرست است؛ زیرا در موقعیت اول، «غلبه نظام پردازش فردی» مطرح نیست (کودک تابع تفسیر خود از واکنش محیط است، نه پردازش کاملاً درونی). همچنین در موقعیت دوم، فقدان بازخورد محیطی لزوماً به تعمیم خشم به پشیمانی ختم نمی‌شود و این استدلال، علیت نادرستی را نشان می‌دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۹ و ۵۰)

۹۸- گزینه ۳

(مهمربیبی)

در گزینه ۳، ترتیب آموزش کاملاً معکوس است. کودک ابتدا مجبور به انجام یک حرکت ظریف (کار با موچین و برداشتن برچسب ریز) می‌شود که نیازمند هماهنگی دقیق انگشتان است؛ در حالی که هنوز عضلات درشت او برای فعالیت اصلی (بلند کردن جعبه) کنترل نشده‌اند. این دقیقاً برخلاف قاعده رشدی «ابتدا درشت، سپس ظریف» است و در دنیای واقعی باعث شکست اولیه و ناامیدی کودک می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

هر سه گزینه به‌درستی از الگوی «اول کنترل عضلات بزرگ و هماهنگی دست‌ها، سپس کنترل عضلات ریز و دقیق انگشتان» پیروی کرده‌اند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۷)

۹۹- گزینه ۲

(نگین مرسلی)

الف) از ابتدایی‌ترین علائم رشد اجتماعی: لبخند اجتماعی که در حدود ۳-۲ ماهگی بروز می‌یابد.

ب) ترس از غریبه معمولاً در حدود ۷ تا ۸ ماهگی رخ می‌دهد.

ج) در سنین اولیه، کودکان در کنار هم بازی می‌کنند، اما هرکدام بازی انفرادی خود را دارند.

د) قاعده‌مند و مشترک شدن بازی در سنین بالاتر بیانگر رشد اجتماعی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۱۰۰- گزینه ۴

(نگین مرسلی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: «در رشد درک اخلاقی، اخلاقی بودن یک رفتار لزوماً به معنای آن نیست که فرد فقط به دلیل درست بودن آن رفتار را انجام دهد. کودکان نیز می‌توانند رفتارهای اخلاقی داشته باشند، اما ممکن است انگیزه آنان با انگیزه افراد بزرگسال متفاوت باشد.

گزینه ۲: «در این سن، کودکان ممکن است یک رفتار را اخلاقی بدانند، اما انگیزه انجام آن رفتار نیز در نحوه شکل‌گیری درک اخلاقی آنان اهمیت دارد. سارا به دوستش برای خوشحال کردن او کمک می‌کند؛ درحالی‌که ممکن است فرد بزرگسال همان رفتار را به دلیل درست و اخلاقی بودن آن انجام دهد.

گزینه ۳: «کودکان می‌توانند رفتارهایی را اخلاقی یا درست تلقی کنند؛ نکته این است که درک آنان از اخلاق و انگیزه‌ها هنوز با درک بزرگسالان یکسان نیست زیرا برای اخلاق یک فرایند تدریجی و پیچیده طی می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

**نکات مهم درسی:**

«إِبْتَعِدُوا»: (فعل امر برای جمع مذکر مخاطب) دوری کنید  
«إِبْتَغُوا»: (فعل ماضی برای جمع مذکر غایب) دوری کردند

(ترجمه)

**۱۰۶- گزینه ۲:**

(مفهم رضا سوری - نهانر)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: لا یحزنک: نباید تو ناراحت کند / قول: سخن  
گزینه «۳»: إِمَّا الفخر: افتخار تنها ... / عقل ثابت (موصوف و صفت نکره):  
خردی استوار / التَّسَبُّب: تبار / در عبارت عربی ذکر شده، معادلی برای «آدمی»  
نیامده است.

گزینه «۴»: بطاقتها: بلیتش / غالبه: گران است

(ترجمه)

**۱۰۷- گزینه ۱:**

(کلامران عبداللہی)

ترجمه صورت سؤال: «دانش را به دست بیاور و جایگزینی برای آن مجو: زیرا  
مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینه «۱» آمده است: «هر کس به طلب دانش  
بپردازد، به جاودانگی معنوی می‌رسد که چیزی هم‌ارز آن نیست؛ در حالی که  
زندگی افراد غافل از معرفت، معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد!»

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: «انسان هنگامی می‌تواند منافع دنیا را بر علم ترجیح دهد که  
بقای جسمانی‌اش به کسب این منافع وابسته باشد!» (نامناسب)

گزینه «۳»: «مرگ همه را یکسان فرا می‌گیرد، ولی اهل علم به دلیل  
بصیرتشان در امور زندگی می‌توانند اجل خود را به تأخیر بیندازند!»  
(نامناسب)

گزینه «۴»: «غایت زندگی، کسب فضیلت‌های گوناگون است؛ پس هر کس  
علم و دیگر نعمت‌ها را با هم جمع کند، از نابودی حتمی نجات می‌یابد!»  
(نامناسب)

(مفهوم)

**۱۰۸- گزینه ۴:**

(سیر مفهم علی مرتضوی)

ترجمه صورت سؤال: «کاش فصل بهار در سرزمین ما طولانی باشد!»  
مناسب‌ترین مفهوم در گزینه «۴» آمده است: «گوینده این عبارت می‌خواهد  
روزهای بهار زیاد شود، اما این فصل در واقع در سرزمین او کوتاه است!»

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «آرزو در این عبارت نشان می‌دهد که بهار به این سرزمین  
نمی‌آید و اهالی آن، زیبایی این فصل را حس نمی‌کنند!» (نامناسب)

گزینه «۲»: «جمله نشان می‌دهد که فصل بهار در سرزمین گوینده آغاز شده  
است و اهالی آن سرزمین، با شکیبایی در انتظار پایان آن هستند!»  
(نامناسب)

گزینه «۳»: «گوینده به‌طور قطعی می‌خواهد تمامی فصل‌های سال در وطن  
او، مانند روزهای فصل بهار باشند!» (نامناسب)

(مفهوم)

**۱۰۹- گزینه ۲:**

(سیر مفهم علی مرتضوی)

ترجمه صورت سؤال: «هر گروهی به آن چیزی که دارند، خوشحال هستند!»  
مناسب‌ترین مفهوم در گزینه «۲» آمده است: «آیه به وضعیت غرور فکری و  
تعصب اشاره دارد؛ به‌طوری که هر گروهی می‌پندارد آنچه از نظرات که نزد  
خود دارد، حق مطلق است و با این کار، از جستجوی حقیقت باز می‌ماند!»

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «خداوند اینان را ستایش می‌کند؛ چرا که شادمانی به عقیده‌ای  
که دارند، باعث تقویت روابط میان افراد گروه می‌شود و برایشان انس و  
خوشبختی به ارمغان می‌آورد!» (نامناسب)

گزینه «۳»: «همانا قرآن کریم بر اهمیت تکثرگرایی تأکید می‌ورزد؛ چرا که  
طبیعی است هر گروهی برای ترویج روش ویژه خود که مردم را خوشبخت  
می‌کند، تلاش نماید!» (نامناسب)

گزینه «۴»: «مقصود قرآن این است که هر فرقه‌ای به دستاوردهای مادی و  
نفوذ خود در دنیا دل‌خوش است؛ از این‌رو، انسان باید در پی شادمانی  
بزرگ‌تری در زندگی آخرت باشد!» (نامناسب)

(مفهوم)

**۱۱۰- گزینه ۳:**

(مفهم مهدی یعقوبی)

ترجمه عبارات: بی‌گمان این امت شماس: امتی یگانه و من پروردگارتان  
هستم؛ پس مرا بپرستید. - همانا خداوند فقط پروردگار یک امت است، پس  
بر ماست که او را پرستیم.

می‌دانیم خداوند، پروردگار همهٔ جهانیان است و پروردگار یک امت یا گروه  
خاص نیست. (در این آیه، بر وحدت امت اسلامی تأکید شده است.)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل و دروغ - ایمان مانع از  
جمع شدن بخل و دروغ در شخص مؤمن می‌شود. (صحیح)

گزینه «۲»: مؤمن کسی است که مردم او را در مورد خون‌ها و اموال خویش  
امین بدانند. - از نشانه‌های مؤمن این است که مردم در مورد جان‌ها و  
مال‌هایشان به وی اعتماد کنند. (صحیح)

گزینه «۴»: مردم خوانند؛ پس هرگاه بمیرند بیدار می‌شوند. - انسان در این  
زندگی مانند شخص خوابیده است و با مرگ، به حقایق دنیا پی می‌برد.

(صحیح)

(مفهوم)

**ترجمه متن درک مطلب:**

بسیاری از مردم معتقدند که ثروت، معیار نخست برای ارزش انسان در جامعه است، در حالی که دیگران تمایل دارند به این که هرگونه نقش پول در ساخت جایگاه انسانی را انکار کنند. با این حال، نگاهی عمیق به حقیقت امر آشکار می‌سازد که پول صفتی ذاتی نیست که به جوهر انسان افزوده شود و مقام او را بالا ببرد، بلکه بزرگ‌نمایی آن چیزی است که در درون او وجود دارد. چرا که ثروت به فرد نادان حکمت نمی‌بخشد و فرد خسیس را بخشنده نمی‌کند، بلکه حقیقت اخلاق فرد را، آنگاه که به او قدرت عمل بدون محدودیت می‌دهد، آشکار می‌سازد.

انسان بخشنده، اگر صاحب مال شود، دایره نیکی‌اش گسترده‌تر شده و ثروتش به ابزاری برای خدمت به دیگران و پیشرفت جامعه‌اش بدل می‌شود؛ در حالی که در فرد دارای نفس ضعیف، ثروت ممکن است سرکشی و تکبر او را افزایش دهد. بنابراین، پول نمی‌تواند ارزش انسان را بالا یا پایین ببرد؛ ارزش حقیقی تنها در استفاده خوب از قدرت است و ثروت جز آزمونی عملی نیست که جوهر وجودی انسان را آشکار کرده و آنچه را که در اعماقش پنهان بوده، نمایان می‌سازد.

**۱۱۱- گزینه «۲»**

(سیر مفسر علی مرتضوی)

«متن، ثروت را دلیل مهمی می‌شمارد که ممکن است جوهر انسان نادان را به انسانی حکیم تبدیل کند!» (نادرست؛ ثروت جوهر انسان را عوض نمی‌کند!)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: پول در اصل خود امری خنثی است که ارزش انسانی انسان را بالا نمی‌برد و آن را به ذات خویش پایین نمی‌آورد! (صحیح)  
گزینه «۳»: پول عاملی شمرده می‌شود که هنگام دارا بودن آن، باطن انسان و اخلاق حقیقی او را آشکار می‌سازد! (صحیح)  
گزینه «۴»: گسترش دایره نیکی فرد با پول، پیش از به دست آوردن ثروت، به کرامت نفس او وابسته است! (صحیح)

(درک مطلب)

**۱۱۲- گزینه «۲»**

(سیر مفسر علی مرتضوی)

پول، بزرگ‌نمایی آن چیزی است که در باطن انسان وجود دارد، زیرا ...  
گزینه «۲»: به او قدرت می‌دهد تا خصلت‌هایش را، خواه بخشنده‌گی باشد یا تکبر، بدون هیچ قید و بندی آشکار کند!

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: هر کس را که آن را در اختیار داشته باشد، به فردی بخشنده تبدیل می‌کند که برای خدمت به جامعه و هم‌وطنانش می‌کوشد! (نادرست)  
گزینه «۳»: صاحبان نفس‌های ضعیف را از سرکشی و تکبر کردن باز می‌دارد! (نادرست)

گزینه «۴»: بر تمام افراد جامعه واجب می‌کند که ثروتمند را محترم بدارند و از او اطاعت کنند! (نادرست)

(درک مطلب)

**۱۱۳- گزینه «۱»**

(سیر مفسر علی مرتضوی)

متن به این موضوع اشاره می‌کند: ثروت به عنوان ابزاری برای آشکار کردن جوهر انسانی و آزمودن آن!

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: نفی مطلق اهمیت پول در زندگی امروزی! (نامناسب)

گزینه «۳»: تکبر و سرکشی به عنوان نتیجه داشتن ثروت! (نامناسب)

گزینه «۴»: نقش قناعت در حفظ پاکی نفس انسانی! (نامناسب)

(درک مطلب)

**۱۱۴- گزینه «۲»**

(سیر مفسر علی مرتضوی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: من الأعداد الأصلية (نادرست) ← من الأعداد الترتيبية

گزینه «۳»: صفة، و موصوفها ... (نادرست) ← مضاف‌الیه و مضافه ...

گزینه «۴»: مصدره: تَمَلَّك (نادرست) ← مصدره: امْتَلَاك

(تفلیل صرفی و اعراب)

**۱۱۵- گزینه «۳»**

(سیر مفسر علی مرتضوی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: مزید ثلاثی بحرف زائد واحد (نادرست) ← مزید ثلاثی بحرفین زائدين («تحوّل» فعل ماضی از باب تفعّل است)

گزینه «۲»: فعله الماضی: قَدَّمَ (نادرست) ← فعله الماضی: تَقَدَّمَ («تَقَدَّمَ» مصدر از باب تفعّل است)

گزینه «۴»: حرفان زائدان (نادرست) ← ثلاثة حروف زائدة (باب استفعال، سه حرف زائد دارد)

(تفلیل صرفی و اعراب)

**۱۱۶- گزینه «۳»**

(مرتضی کاظم شیروردی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «تَعَلَّمَ» امر باب تفعّل و مصدر آن «تَعَلَّمَ» است.

گزینه «۲»: «تُحَسِّنِينَ» مضارع باب إفعال و مصدر آن «إحسان» است.

گزینه «۴»: «انْتَصَرُوا» ماضی باب اف‌تعال و مصدر آن «انتصار» است.

(فعل ثلاثی مزید)

**۱۱۷- گزینه «۴»**

(میدرضا قانرازمینی - اصفهان)

در گزینه «۴»، حرف «ت» در «تُرْعَب» از حروف مضارعه است و حرف زائد فعل محسوب نمی‌شود. «تُرْعَب» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «تفعیل» به معنای «ترغیب می‌کند» است.

**نکات مهم درسی:**

حرف «ت» در افعال ثلاثی مزید از باب‌های «إِسْتِفْعَال»، «إِفْتِعَال»، «تَفَعُّل»، «تَفَاعُل» حرف زائد فعل محسوب می‌شود.

### تاریخ (۳)

(عاطفه طاهر)

۱۲۱- گزینه ۱

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) میرزا محمدجعفر خورموجی از مورخان عصر ناصری، از منتقدان تملق‌گویی بود و نخستین کسی است که واقعیت قتل امیرکبیر را بازتاب داده است.

ب) انقلاب مشروطه، تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی به‌ویژه نقش مردم جلب کرد.

د) ذیل برنامه‌های اصلاحی عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه) ترجمه آثار اروپایی به‌تدریج آغاز شد و سپس در زمان ناصرالدین شاه با تأسیس مدرسه دارالفنون و ایجاد دارالطباعه دولتی و دارالترجمه همایونی گسترش یافت.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۲، ۳، ۵ و ۶)

(مهم‌مهری یعقوبی)

۱۲۲- گزینه ۱

تشریح گزاره‌ها:

الف) خاطرات، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح حال رجال دوره معاصر است، که به‌ندرت در سایر منابع یافت می‌شود.

ب) سفرنامه‌ها از نظر مطالعه تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره موضوع‌های اقتصادی، مسائل اجتماعی و مباحث فرهنگی هستند.

ج) تاریخ شفاهی، یک روش پژوهشی تاریخی برنامه‌ریزی شده برای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظه افرادی است که خود در وقایعی شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۹ و ۱۵)

(مهری کاروان)

۱۲۳- گزینه ۱

تشریح موارد نادرست:

الف) سپاه تحت فرمان نادر در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شده ایران را آزاد کرد، روس‌ها نیز با مشاهده توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «ت» حرف «تَجاهل» حرف زائد فعل است. «تَجاهل» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» است.

گزینه ۲: «ت» حرف «تَنَتَفَعُ» حرف زائد فعل است. «تَنَتَفَعُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «إِفْتِعَال» است.

گزینه ۳: «ت» حرف «لا یترک» نخستین حرف اصلی فعل است. دقت کنید «لا یترک» مضارع منفی، ثلاثی مجرّد و بدون حرف زائد است.

(فعل ثلاثی مزید)

۱۱۸- گزینه ۲

(امیرمسین شکوری)

در گزینه ۲، دو حرف از حروف مشبّهة بالفعل وجود دارد: «لَکن»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إِن» (بر سر فعل آمده) اگر و «لَکن» (بدون تشدید) ولی جزء حروف مشبّهة بالفعل نیستند؛ در این عبارت فقط «أَن» از حروف مشبّهة بالفعل است ← ۱ حرف

گزینه ۳: «أَن» (بر سر فعل آمده) که و «کَانَ» (از افعال ناقصه) بود جزء حروف مشبّهة بالفعل نیستند؛ «لَأنّ» زیرا «لِـ» (أَن) از حروف مشبّهة بالفعل است ← ۱ حرف

گزینه ۴: «کَلیت» از حروف مشبّهة بالفعل است، اما دقت کنید در «فَإِن»، «إِن» شرطیه (بر سر فعل آمده) اگر جزء حروف مشبّهة بالفعل نیست ← ۱ حرف

(حروف مشبّهة بالفعل)

۱۱۹- گزینه ۳

(کتاب تاک - کنگور سراسری ۹۸)

سؤال، کلمه‌ای را می‌خواهد که برای تکمیل جمله قبلش آمده باشد. از بین حروف مشبّهة بالفعل «لَکن» برای کامل کردن جمله قبلش به کار می‌رود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إِن» برای تأکید جمله به کار می‌رود.

گزینه ۲: «أَن» برای ایجاد ارتباط بین دو عبارت به کار می‌رود.

گزینه ۴: در این عبارت، هیچ‌یک از حروف مشبّهة نیامده است.

(حروف مشبّهة بالفعل)

۱۲۰- گزینه ۴

(روح‌الله گلشن)

در گزینه ۴، بلافاصله پس از «لا» ویرگول آمده، ضمناً کلمه پس از آن (ذهب) هم فعل است؛ بنابراین «لا» از نوع نفی جنس نیست، بلکه از نوع جوابیه است. (ترجمه عبارت: نه، به بازار شهر رفت.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

به ترتیب، حرف «لا» در «لا طاقه: هیچ توانی»، «لا خیر: هیچ خیری» و «لا التفات: هیچ توجهی» از نوع «نفی جنس» است که بر نفی کامل دلالت دارد. («لا»ی نفی جنس)

## ۱۲۷- گزینه «ا»

(رافیه ابراهیمی‌نژاد)

با حرکت از قاعده به سمت رأس هرم سلسله‌مراتب، جمعیت سکونتگاه‌ها بیشتر و تعداد و تنوع خدمات آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین سکونتگاه‌های بزرگ‌تر می‌توانند خدمات بیشتری به ساکنان خود و حتی روستاها و شهرهای همجوار ارائه دهند. بنابراین با افزایش جمعیت و تعداد و تنوع خدمات، حوزه نفوذ برخی عملکردهای سکونتگاه نیز می‌تواند گسترده‌تر باشد؛ مانند شهر تهران که در برخی عملکردها حوزه نفوذ زیادی در سطح کشور دارد.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «ب»: با حرکت به سمت رأس هرم، جمعیت و تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینه «ج»: در سکونتگاه‌های کم‌جمعیت، خدمات کمتری ارائه می‌شود و با افزایش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات افزایش می‌یابد؛ بنابراین نمی‌توان گفت با کاهش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینه «د»: تعداد و تنوع خدمات با حرکت به سوی رأس هرم و افزایش جمعیت، افزایش می‌یابد و برای بررسی حوزه نفوذ به دو جنبه آستانه جمعیتی نفوذ و دامنه نفوذ توجه می‌شود.

(پژغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

## ۱۲۸- گزینه «ب»

(کتاب آبی پیمان‌های)

گسترش حمل و نقل و افزایش شهرنشینی باعث گسترش حومه‌نشینی شد. در نتیجه آن، مناطق مادرشهری ایجاد شده و گسترش یافتند، از به هم پیوستن این مناطق، مگاالایس‌ها ایجاد شدند. این موارد با ترتیب درست تنها در گزینه «ب» دیده می‌شوند.

(پژغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

## ۱۲۹- گزینه «ا»

(مهمرمهری یعقوبی)

## تشریح عبارت‌ها:

الف) در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به‌دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

ب) مبادله نابرابر بین شهر و روستا سبب می‌شود، شهر محل انباشت سرمایه، تولید کالاها و کارخانه‌ای و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی باشد.

ج) منظور از شهرگرایی، روندی اقتصادی - اجتماعی است که طی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روستاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.

(پژغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

د) نادرشاه نخست، تهماسب دوم را به بهانه بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۹)

## ۱۲۴- گزینه «ب»

(علیرضا آزادی‌زاده)

لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، گرچه لیاقت، شجاعت و محبوبیت نسبی در بین مردم داشت، اما به‌دلیل اشتباهات نظامی و رویگردانی عده‌ای از درباریان، از آقا محمدخان قاجار شکست خورد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۱)

## ۱۲۵- گزینه «ا»

(فاطمه عزیزی)

الف) در دوره کریم‌خان زند، اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر، به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.

ب) تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه افشار، سبب کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی به‌دلیل نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده شد.

ج) در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمی اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند.

نکته: مهم‌ترین تحول ادبی در دوره زندیه، شکل‌گیری انجمن‌های ادبی است. در این انجمن‌های ادبی که کانون اصلی بیشتر آن‌ها اصفهان است، نهضت بازگشت ادبی شکل می‌گیرد. جریان ادبی بازگشت در دوره‌های افشاریه و قاجاریه نیز ادامه یافت.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۲)

## جغرافیا (۳)

## ۱۲۶- گزینه «ب»

(مریم فسروی دهنوی)

منظور از موقعیت یک شهر یا روستا، وضعیت آن سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.

دسترسی شهر اهواز به شبکه ارتباطی خط راه‌آهن و ایجاد موقعیت مناسب برای رونق تجارت و گسترش شهر قاهره به‌سبب دسترسی به عوامل طبیعی و انسانی پیرامون آن (عبارت‌های «ج» و «د»)، به مفهوم موقعیت اشاره می‌کنند.

(پژغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۳۰- گزینه «۳»

(فاطمه امیری)

علل شهرنشینی سریع عبارتند از:

- ۱) دولت‌ها با استفاده از درآمد نفتی، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه کارخانه‌ها و تجهیزات و زیرساخت‌ها را به شهرها اختصاص دادند.
- ۲) به سبب تقسیم نادرست زمین در اصلاحات ارضی، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی، شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.

(پغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینه «۳»

(فاطمه عزیزی)

تشریح عبارت‌های نادرست:

- ب) حکومت آشور با لشکرکشی‌های پیاپی به سرزمین‌های همجوار و غارت و ویران کردن آن‌ها، بر قلمرو و ثروت خود افزود.
- د) ابتدا نخستین سکونتگاه‌ها شکل گرفتند، سپس تولید مازاد بر نیاز اتفاق افتاد و در نتیجه آن، داد و ستد میان روستاهای دور و نزدیک به تدریج آغاز شد.

(تاریخ (۱)، پدایش تمدن؛ بین‌النهرین و مصر، صفحه‌های ۳۲، ۳۴، ۳۶ و ۳۷)

۱۳۲- گزینه «۳»

(علیرضا آزادی‌زاده)

مصریان خود، با استفاده از نی، کاغذ پاپیروس را ابداع کردند.

(تاریخ (۱)، پدایش تمدن؛ بین‌النهرین و مصر، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱)

۱۳۳- گزینه «۴»

(علیرضا پدراش)

تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه «۱»: مربوط به دوران پس از مرگ شی هوانگ تی است.
- گزینه «۲»: مربوط به دوران حکومت شی هوانگ تی است.
- گزینه «۳»: در دوران سلسله هان، آیین بودا به چین راه یافت و به تدریج در کنار آیین کنفوسیوس و دیگر آیین‌ها، مورد پذیرش بخشی از مردم چین قرار گرفت.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان؛ میراث بشری، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۱۳۴- گزینه «۲»

(حامد صفه‌فانیان)

تشریح عبارت‌ها:

- الف) عصر تاریکی (۱۱۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد)
- ب) جنگ‌های پلوپونزی (۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد)
- ج) مهاجرت طوایف بیابانگرد از دشت‌های اروپای شرقی به شبه‌جزیره یونان (حدود ۲۰۰۰ قبل از میلاد)
- د) جنگ‌های بزرگ بین دولت-شهرهای یونانی و حکومت هخامنشیان (قرن ۵ قبل از میلاد)

ه) عصر شکوفایی مردم‌سالاری در آتن (۵۰۰ تا ۳۳۸ قبل از میلاد)

و) اولین دوره بازی‌های المپیک (۷۷۶ قبل از میلاد)

در نتیجه ترتیب وقایع به شرح زیر است:

- ج ← الف ← و ← شروع ه ← ب و د (تقریباً موازی یکدیگر زیرا هر دو در قرن ۵ قبل از میلاد رخ داده‌اند) ← پایان «ه»

(تاریخ (۱)، یونان و روم، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۱۳۵- گزینه «۳»

(راحمیه ابراهیمی‌نژاد)

تشریح عبارت‌های نادرست:

- الف) نخستین اقدام گروهی از اقوام هند و اروپایی که حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد، وارد شبه‌جزیره ایتالیا شدند، ایجاد مزارع و روستاها بود، نه تشکیل دولت - شهرهای مستقل.
- ه) کنستانتین، مستقیماً دستور تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی را صادر نکرد؛ انتخاب بیزانتیوم به عنوان پایتخت، زمینه‌ساز این تقسیم شد. همچنین، مسیحیت به دستور کنستانتین، دین رسمی امپراتوری روم نشد، بلکه حدود ۵۰ سال پس از او، به عنوان دین رسمی اعلام شد.

(تاریخ (۱)، یونان و روم، صفحه‌های ۵۵ تا ۵۸ و ۶۰)

جغرافیای ایران

۱۳۶- گزینه «۲»

(راحمیه ابراهیمی‌نژاد)

- در عبارت «ایران در جنوب دریای خزر و شمال خلیج فارس قرار گرفته است»، جایگاه ایران نسبت به پدیده‌های پیرامونش بیان شده است؛ بنابراین کل عبارت مذکور، نمونه‌ای از موقعیت نسبی هستند.

- جنوب دریای خزر: موقعیت ایران نسبت به دریای خزر
- شمال خلیج فارس: موقعیت ایران نسبت به خلیج فارس

نکته مهم درسی:

- «موقعیت جغرافیایی» مفهوم کلی است و از دو منظر قابل مطالعه است: ۱- موقعیت ریاضی (مطلق) ۲- موقعیت نسبی

(پغرافیای ایران، موقعیت پغرافیایی ایران، صفحه‌های ۱۴ و ۱۶)

## ۱۳۷- گزینه «۲»

## بررسی موارد:

- الف) حدود ۶۶ درصد ذخایر نفت جهان و ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است ← خلیج فارس
- ب) مهم‌ترین آبراهه استراتژیک در تجارت جهان محسوب می‌شود ← تنگه هرمز
- ج) ۹۰٪ از خاویار جهان را تأمین می‌کند و به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون نفری آسیای میانه دسترسی دارد ← دریای خزر
- د) بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی است و از منابع نفت و گاز بهره‌مند است ← دریای خزر

(مقراقیای ایران، مقراقیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۷ و ۱۹)

## ۱۳۸- گزینه «۲»

## تشریح گزینه نادرست:

پس از آخرین تحولات دوران سوم زمین‌شناسی «سنوزوئیک»، طی دوره «کواترنر» ناهمواری‌های کشور ایران شکل نهایی یافته و از آن پس تحت تأثیر عوامل فرسایش تغییر شکل می‌یابند.

(مقراقیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

## ۱۳۹- گزینه «۲»

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر سه نقطه کوه جغتای در خراسان رضوی، گردنه آوج در استان قزوین و قلّه کوه بزمان یا خضر زنده در سیستان و بلوچستان را به یکدیگر وصل کنیم، مثلی تشکیل می‌شود که منطقه کوهستانی مرکزی نامیده می‌شود.

گزینه «۳»: ریزش‌های جوی شدید، کوه‌های زاگرس را فرسایش می‌دهد و مواد آن در دسترس این رودها قرار می‌گیرد.

گزینه «۴»: سرزمین‌های کوهستانی که اغلب بیش از هزارمتر از سطح دریاها آزاد ارتفاع دارند؛ شامل رشته‌کوه‌های مختلفی از ارسباران (قره‌داغ) تا آلاداغ می‌شوند.

(مقراقیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ و ۲۸ تا ۳۰)

## ۱۴۰- گزینه «۳»

دشت‌ها، سرزمین‌های هموار یا نسبتاً همواری هستند که حصار کوهستانی، آن‌ها را فرا گرفته است.

## علا پیدایش دشت‌ها:

۱) برخی دشت‌ها در هنگام چین خوردگی‌ها و در حد فاصل تاقدیس‌ها (در میان ناودیس‌ها)، ایجاد شده‌اند؛ مانند دشت کاکان در فارس.

- ۲) برخی دشت‌ها مانند دشت نهاوند در استان همدان بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده است.
- ۳) پاره‌ای از دشت‌ها حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها هستند؛ مانند ماهی‌دشت کرمانشاه و دشت ارژن در فارس.
- ۴) برخی از دشت‌ها در نتیجه غسل‌خوردگی و فرونشست بخشی از پوسته زمین شکل گرفته‌اند که فرسایش بادی و آبی، ناهمواری‌های جدیدی در سطح آن‌ها تشکیل داده است؛ مانند دشت لوت.

## تکته مهم درسی:

جلگه‌ها، سرزمین‌های همواری هستند که از یک طرف به کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاها و دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

(مقراقیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

## تاریخ (۲)

## ۱۴۱- گزینه «۲»

## بررسی موارد نادرست:

«ب»: پیامبر (ص) قطعه‌زمین را از آن دو یتیم خریداری کرد و هدیه نگرفت.

«د»: پیامبر (ص) علاوه بر زمین‌هایی که انصار به مهاجران بخشیده بودند، زمین‌هایی را که صاحب نداشت نیز به مهاجران اختصاص داد تا خانه بسازند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

## ۱۴۲- گزینه «۳»

## تشریح عبارت‌های نادرست:

ج) در رمضان سال هشتم هجرت، مکه به‌صورت مسالمت‌آمیز، فتح و کعبه از بت‌ها پاک‌سازی شد.

د) مورخان سال نهم هجری را به‌دلیل اسلام آوردن قبیله‌های مختلف، سال وفود نامیده‌اند.

(تاریخ (۲)، امت و حکومت نبوی (ص) در مدینه، صفحه ۳۹)

## ۱۴۳- گزینه «۴»

## تشریح موارد:

الف) عثمان بن عفان (حکومت ۲۳-۳۵ ق)

ب) امام علی (ع) (حکومت ۳۵-۴۰ ق)

ج) عمر بن خطاب (حکومت ۱۳-۲۳ ق)

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مربوط به زمان عمر بن خطاب است.

گزینه «۲»: مربوط به زمان امام علی (ع) است.

گزینه «۳»: مربوط به زمان عثمان بن عفان است.

(تاریخ (۲)، تثبیت و گسترش اسلام در دوران خلفای نخستین، صفحه‌های ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸ و ۵۰)

۱۴۴- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنگور، هارچ از کشور ۱۴۰۰)

یکی از اقدام‌های برجسته امویان، توسعه نیروی دریایی و گسترش فتوحات در دریا بود. معاویه این اقدام را به منظور فتح جزایر دریای مدیترانه و پایان دادن به حاکمیت مطلق رومیان بر آن دریا انجام داد.

(تاریخ (۲)، امویان بر مسند قدرت، صفحه ۵۵)

۱۴۵- گزینه ۴»

(علیرضا آزادی‌زاده)

پس از امام سجاد (ع)، امامان شیعه، عمده تلاش‌های خود را بر ترویج اسلام و مبارزه با جریان‌های فکری منحرف و تربیت شاگردان توانمند کردند و منظومه‌ای از معارف اسلامی با عنوان مکتب اهل بیت به وجود آوردند.

(تاریخ (۲)، امویان بر مسند قدرت، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۴)

جغرافیا (۲)

۱۴۶- گزینه ۳»

(فاطمه امیری)

هرچه تابش خورشید مایل‌تر باشد، انرژی خورشیدی در سطح گسترده‌تری پخش می‌شود؛ بنابراین انرژی دریافتی در واحد سطح کاهش می‌یابد و دما نیز کمتر می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه ۲۳)

۱۴۷- گزینه ۲»

(علیرضا پدرا)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جهت وزش باد از کمربند شماره «۲» (پرفشار) به سمت کمربند شماره «۱» (کم‌فشار) است.  
گزینه «۳»: احتمال بیابانی شدن یک منطقه فرضی بر اثر توزیع فشار، در کمربند شماره «۳» (پرفشار) بیشتر از کمربند شماره «۴» (کم‌فشار) است.  
گزینه «۴»: بیابان گبی به‌طور عمده در اثر عامل دوری از منابع رطوبت ایجاد شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه‌های ۲۶ و ۳۴)

۱۴۸- گزینه ۳»

(حامد صفرقانیان)

تشریح عبارت‌ها:

عبارت اول: نواحی استوایی و آسیای موسمی بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند و بیابان‌ها، کمتر از ۵۰ یا ۱۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند. ← در نتیجه بخش اول تمام گزینه‌ها صحیح است.

عبارت دوم: نواحی هرچه از اقیانوس‌ها و دریاها دورتر باشند، رطوبت آن‌ها کمتر و خشکی هوایشان بیشتر است یا به عبارتی دیگر، نواحی هرچه به اقیانوس‌ها و دریاها نزدیک‌تر باشند، رطوبت آن‌ها بیشتر و خشکی هوایشان کمتر است. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت سوم: توده هوای مرطوب ابتدا باید تا ارتفاع معینی بالا رود، سپس سرد شود تا به نقطه اشباع برسد و پس از تشکیل ابر، ببارد. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت چهارم: بیشتر بارندگی‌های بهاری از نوع بارندگی همرفتی هستند. / در بارندگی کوهستانی، کوهستان‌ها مانع حرکت توده هوای مرطوب به‌طور افقی می‌شوند. / بارندگی سیکلونی بیشتر در محل جبهه‌ها به وجود می‌آید.

/ در بارندگی ناهمواری، توده هوا در امتداد دامنه کوه به طرف قله بالا می‌رود و هنگام صعود، دمای آن کاهش می‌یابد و در انتها موجب بارش می‌شود ← در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۴» نادرست است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه ۲۷)

۱۴۹- گزینه ۲»

(علیرضا سالمی)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) دره‌های U شکل معمولاً بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

ج) «کارست» پدیده خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است.

د) در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

۱۵۰- گزینه ۴»

(علیرضا پدرا)

با توجه به تصویر داده‌شده، در میان اشکال فرسایشی، «الف» نشان‌دهنده اشکال تراکمی و «ب» نشان‌دهنده اشکال کاوشی است؛ بنابراین تنها گزینه «۴» به مطلب درستی اشاره دارد، کلوته‌ها و چاله‌های بادی جزو اشکال کاوشی هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

## فلسفه دوازدهم

## ۱۵۱- گزینه ۴»

(مهمرب قربانی)

ذهن در مواجهه با اشیا و واقعیت‌های عینی جهان خارج است که دو حیثیت متمایز یعنی هستی و چیستی را تحلیل و انتزاع می‌کند نه در مواجهه با هر مفهومی؛ به عنوان مثال ما از مفهوم «دیو» دو حیث متمایز هستی و چیستی را برداشت نمی‌کنیم، زیرا دیو صرفاً یک ماهیت فرضی است که در خارج وجود و تحقق ندارد تا دو حیثیت از آن انتزاع شود.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «افراد و مصادیق گوناگون یک نوع مانند محمد و علی می‌توانند در ماهیت و پاسخ به پرسش چیستی کاملاً مشترک باشند و ماهیت یکسانی چون انسان داشته باشند.

گزینه ۲: درک ماهیت و تصویر ذهنی یک پدیده به معنای تحقق خارجی آن نیست، زیرا انسان می‌تواند ماهیات فرضی و ناموجودی مانند سیمرغ یا دیو را نیز در ذهن خود تصور و درک کند.

گزینه ۳: در حمل اولی ذاتی، ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند و به دلیل اتحاد مفهومی میان آنها، اثبات قضیه نیازمند برهان و دلیل خارجی نیست.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیستی، صفحه‌های ۳۲ و ۵)

## ۱۵۲- گزینه ۱»

(مهمرب قربانی)

«حمل ناطق بر انسان» حمل اولی ذاتی است. در گزینه ۱ «نیز» جسم نامی جزء ذات درخت است و حمل اولی ذاتی است. محمول سایر گزینه‌ها از ذاتیات موضوع نیست و حمل شایع صناعی محسوب می‌شوند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیستی، صفحه ۵)

## ۱۵۳- گزینه ۳»

(مهمرب قربانی)

اگر وجود عین یا جزء ذات ماهیت فرض می‌شد، تصور وجود از تصور ماهیت منفک نمی‌شد، بنابراین امکان نداشت ماهیتی را تصور کنیم و از وجود آن غافل باشیم.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اگر وجود جزء یا عین ذات ماهیت باشد، حمل وجود بر هر ماهیتی اولی ذاتی می‌شود و سلب آن به معنای «سلب شیء از خود» (مانند انسان، انسان نیست) بوده و موجب تناقض خواهد شد.

گزینه ۲: اگر وجود ذاتی ماهیت باشد، ماهیت بدون نیاز به علت بیرونی موجود خواهد بود و قاعده نیازمندی ممکن‌الوجود به علت برای خروج از حالت تساوی و رسیدن به وجوب بالغیر منتفی می‌شود.

گزینه ۴: در صورت عینیت یا جزئیت وجود برای ماهیت، به صرف تصور یک شیء در ذهن (مانند آتش)، باید آثار و خواص عینی و خارجی آن (مانند سوزاندگی و گرما) نیز هم‌زمان پدیدار می‌شد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیستی و جهان ممکنات، ترکیبی)

## ۱۵۴- گزینه ۱»

(مهمرب قربانی)

بخش اول: نسبت دادن «دارای بعد» به «خط» (خط دارای بعد است). از آنجا که خط تک‌بعدی است و داشتن بُعد (طول) از ویژگی‌های ذاتی و جدایی‌ناپذیر خط است، این حمل از نوع «وجوبی» (ضروری) است.

بخش دوم: سلب «شریک خدا» از «موجود» (موجود شریک خدا نیست). از آنجا که شریک خدا ممتنع‌الوجود بالذات است و تحقق خارجی آن محال است، اتصاف موجود به آن امتناعی بوده و در نتیجه سلب آن از موجود «وجوبی» است.

بنابراین در گزینه ۱، هر دو حمل از نوع وجوبی هستند.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: بخش اول: نسبت دادن «خندان» به «انسان» (انسان خندان است). از آنجا که خندیدن از اوصاف عرضی انسان است و انسان می‌تواند خندان باشد یا نباشد، این حمل «امکانی» است.

بخش دوم: سلب «سه پاره‌خط» از «مثلث» (مثلث سه پاره‌خط نیست). مثلث شکل دوبعدی (سطح) است درحالی‌که پاره‌خط تک‌بعدی است؛ بنابراین مثلث نمی‌تواند پاره‌خط باشد و این سلب «وجوبی» است.

گزینه ۳: بخش اول: نسبت دادن «واجب‌الوجود بالذات» به «موجود» (موجود واجب‌الوجود بالذات است). این قضیه «امکانی» است؛ زیرا مفهوم موجود هم شامل ممکن‌الوجود (واجب‌الوجود بالغیر) و هم شامل واجب‌الوجود بالذات می‌شود و حمل واجب‌الوجود بالذات بر موجود ضرورت ندارد.

بخش دوم: سلب «دایره» از «مربع» (مربع دایره نیست). چون ماهیت مربع و دایره متباین و متضادند و جمع آنها محال است، این سلب «وجوبی» است.

گزینه ۴: بخش اول: نسبت دادن «ممکن‌الوجود» به «دیو» (دیو ممکن‌الوجود است). از آنجا که دیو یک امر فرضی است و عقل وجودش را محال نمی‌داند، ماهیتی ممکن دارد و این حمل «وجوبی» است.

بخش دوم: سلب «عدد فرد» از «پنج» (پنج عدد فرد نیست). از آنجا که عدد پنج ضرورتاً فرد است، سلب فرد بودن از آن ممتنع بوده و این قضیه «امتناعی» است.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

## ۱۵۵- گزینه ۲»

(فیروز نژادنبف - تبریز)

بر اساس قواعد نسبت‌های سه‌گانه در قضایا، هرگاه رابطه میان موضوع و محمول امکانی باشد، با تغییر نسبت یعنی تبدیل قضیه از موجه به سالبه یا برعکس، رابطه میان موضوع و محمول بدون تغییر مانده و همچنان امکانی خواهد بود. در قضیه گزینه ۲، نسبت محمول به موضوع امکانی است و قضیه چه به‌صورت موجه بیان شود و چه با سلب نسبت به‌صورت سالبه درآید، عقلاً امکانی باقی می‌ماند.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: رابطه میان پنج‌ضلعی منتظم و داشتن پنج زاویه برابر ضروری و وجوبی است؛ بنابراین با تغییر نسبت و نفی آن یعنی پنج‌ضلعی منتظم پنج زاویه برابر ندارد، رابطه قضیه به امتناعی تبدیل می‌شود.

### ۱۵۹- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - لنگور قارچ از کشور ۹۶)

به موضوعی ممتنع‌الوجود گویند که محمول وجود نمی‌تواند بر آن عارض شود.

#### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تصور آن لزوماً غیرممکن نیست. ممتنع‌الوجود بالغیر همان ممکن‌الوجود بالذات است که می‌توان تصورش کرد، اما به خاطر عدم وجود علت موجود نشده است.

گزینه ۳: این عبارت تنها در مورد ممتنع‌الوجود بالذات صادق است، نه ممتنع‌الوجود بالغیر.

گزینه ۴: می‌تواند وجود خیالی و فرضی نداشته باشد. (مانند مفاهیم ممتنع‌الوجود بالذات)

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

### ۱۶۰- گزینه ۱»

(کیمیا طوماسبی)

اگر رابطه وجود با چیزی بالذات ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدین معناست آن چیز همواره موجود است و در هیچ برهه‌ای از زمان، وجود از او جدا نمی‌شود. از طرف دیگر وجود داشتن چنین حقیقتی در گرو یک عامل و علت بیرونی نبوده است.

رابطه واجب‌الوجود بالذات با ممکن‌الوجود بالذات تباین است؛ یعنی این دو مفهوم در جهان خارج هیچ مصداق مشترکی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

### منطق

### ۱۶۱- گزینه ۳»

(علی معزی)

هدف اصلی علم منطق، جلوگیری از خطای اندیشه و تفکر است. از آنجا که انسان‌ها برای تفکر و انتقال اندیشه‌های خود از الفاظ و زبان بهره می‌برند، هرگونه اشتباه و ابهام در به‌کارگیری الفاظ یا معنای آنها می‌تواند مستقیماً به خطای ذهنی و فکری منجر شود؛ بنابراین منطق‌دانان ناچارند برای مصون ماندن از خطای تفکر، به بررسی مباحث الفاظ و معانی بپردازند.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: قواعد منطق قواعد عام تفکر و مستقل از ساختار زبان‌ها هستند؛ منطق تابع زبان خاصی نیست، بلکه استفاده از زبان ابزاری برای بیان تفکر است.

گزینه ۲: واژه «فقط» نادرست است؛ خطاهای زبانی تنها یکی از عوامل لغزش ذهن هستند و منطق تمامی خطاهای مربوط به حوزه تعریف و استدلال را بررسی می‌کند.

گزینه ۴: علم منطق به زبان خاصی وابسته نیست و هرگز وارد جزئیات و قواعد صرفی، نحوی یا دستور زبان ویژه یک زبان خاص نمی‌شود، بلکه تنها اصول کلی و مشترک زبان را مطرح می‌سازد.

(منطق، لغت و معنا، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

گزینه ۳: رابطه میان جیوه و فلز بودن و مایع بودن در دمای اتاق ضروری و وجوبی است زیرا فلز بودن و مایع بودن در دمای اتاق از ویژگی‌های ذاتی و مقوم جیوه است و با تغییر نسبت و سلب آن، رابطه به امتناعی دگرگون می‌شود.

گزینه ۴: رابطه میان مجموع زوایای داخلی مثلث و سه قائمه امتناعی و محال است؛ از این رو با تغییر نسبت و سلب آن یعنی «مجموع زوایای داخلی مثلث سه قائمه نیست»، رابطه قضیه به وجوبی تبدیل خواهد شد.

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

### ۱۵۶- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

شریک خداوند در هر حالتی ممتنع‌الوجود است. پس موضوع محمول را همیشه می‌پذیرد و نمی‌توان خلاف آن را تصور کرد. لذا رابطه وجوبی برقرار است. هر انسانی بالذات ناطق است. انسان نمی‌تواند ناطق نباشد. پس این قضیه رابطه امتناعی دارد. وجود خداوند واجب و ضروری است و نمی‌تواند وجودش امکانی باشد، پس بین «وجود خدا» و «غیرامکانی» رابطه وجوبی برقرار است.

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

### ۱۵۷- گزینه ۱»

(علی معزی)

اموری که رابطه ذات آنها با وجود ضروری است، واجب‌الوجود بالذات نامیده می‌شوند. این موجود وجود را از ذات خود دارد و عدم در ذات آن راه ندارد؛ بنابراین همیشه موجود بوده و هرگز و به‌هیچ‌وجه معدوم نمی‌شود.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: اموری که رابطه ذات آنها با وجود امتناعی است، ممتنع‌الوجود بالذات هستند و به دلیل تناقض در ذات، هرگز موجود نخواهند شد.

گزینه ۳: واجب‌الوجود بالذات در تحقق خود کاملاً بی‌نیاز از غیر و مستقل است؛ بنابراین فرض مانع و عدم تحقق درباره آن عقلاً محال است.

گزینه ۴: برخی از اموری که رابطه ذات آنها با وجود ضروری نیست ممکن‌الوجود بالذات هستند و با وجود اینکه ذاتاً اقتضایی نسبت به هستی و نیستی ندارند، در صورت تحقق علت به وجود می‌آیند.

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

### ۱۵۸- گزینه ۲»

(مبیر پیرسینلو)

چیزی که به لحاظ ذاتش (یعنی ذاتش را که فرض کنیم) عدم برایش ضرورت دارد، ممتنع‌الوجود بالذات است. در میان گزینه‌ها، تنها دایره منتظم‌الاضلاع است که عقلاً عدم وجودش ضروری است. هر چند سایر موارد، بسیار بعید و نزدیک به محال هستند، اما محال عقلی نیستند.

(فلسفه دوازدهم، همان مملکت، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۶۲- گزینه «۱»

(غیروز نژادنهف - تبریز)

مشترک لفظی به لفظی گفته می‌شود که دارای چند معنای کاملاً متفاوت و مستقل باشد، به‌طوری‌که این واژه‌ها از نظر شکل نوشتاری (نگارش) و صورت صوتی و تلفظ (خوانش) کاملاً یکسان هستند. مانند کلمه «شیر» که بر مایع خوراکی، حیوان درنده و ابزار قطع و وصل آب دلالت می‌کند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: این بیت معروف از مولانا در پی هشدار دادن نسبت به فریب‌خوردن از شباهت ظاهری واژه‌هاست و نشان می‌دهد که یکسانی لفظ نباید موجب یکی پنداشتن حقایق شود؛ بنابراین خود بیت مغالطه نمی‌کند، بلکه دربارهٔ رواج و خطر این نوع خطای فکری هشدار می‌دهد.

گزینه «۳»: در مبحث اشتراک لفظ، دقیقاً برعکس این عبارت صادق است؛ یعنی «یک لفظ واحد» دارای «چندین معنای متمایز» است، نه اینکه یک معنی دارای الفاظ یا کاربردهای مختلف باشد. اگر گوینده بدون توجه به تفاوت معانی، لفظ را در بیش از یک معنا به کار برده و نتیجه‌گیری نادرست کند، مغالطه اشتراک لفظ رخ می‌دهد.

گزینه «۴»: اشتراک لفظ و چندمعنایی بودن کلمات پدیده‌ای عام است و ویژگی مشترک تمامی زبان‌های بشری به شمار می‌رود، نه اینکه تنها به برخی زبان‌های خاص محدود باشد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۶۳- گزینه «۴»

(غیروز نژادنهف - تبریز)

واژه «اختلاف» یک مشترک لفظی است (به معنای نزاع و مشاجره / تفاوت و فاصله)؛ اما در این عبارت به دلیل وجود قرینه روشن «سنی»، معنای واژه کاملاً شفاف و معین است (تفاوت در سن و سال) و هیچ‌گونه ابهام معنایی به وجود نمی‌آید؛ در نتیجه زمینه و امکانی برای جابه‌جایی معنا و شکل‌گیری مغالطه اشتراک لفظ وجود ندارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: حرف «و» در این جمله مشترک لفظی است؛ زیرا می‌تواند «واو عطف» باشد (کتاب بیش از ده فصل دارد و هر دو فصل دهم و پایانی آن دربارهٔ فلسفه زندگی‌اند) یا «واو بیان و تفسیر» باشد (کتاب کلاً ده فصل دارد و فصل دهم همان فصل آخر است)؛ بنابراین ابهام در معنای حرف زمینه مغالطه را ایجاد می‌کند.

گزینه «۲»: واژه «سیر» یک مشترک لفظی است که دو معنای مستقل دارد: ۱. گیاه خوراکی، ۲. حالت پری معده و متضاد گرسنگی؛ نبود قرینه کافی و مشخص نبودن مقصود گوینده، زمینه بروز مغالطه را فراهم می‌سازد.

گزینه «۳»: حرف «با» مشترک لفظی است؛ زیرا می‌تواند به معنای ابزار و سواره بودن باشد (با استفاده از اسب بیایید) یا به معنای همراهی باشد (اسب را همراه خودتان بیاورید) و این دوگانگی معنایی موجب ابهام و زمینه مغالطه است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۶۴- گزینه «۴»

(امیرمهر قلعه‌کاهی)

در هر سه عبارت این گزینه، دلالت التزامی وجود دارد، زیرا معنایی خارج از معنای اصلی واژه‌ها اراده شده است. در عبارت اول، مقصود از «دست»، رفتارها و آزارهای شخص مقابل است. در عبارت دوم، مقصود از «خانه»، اثاثیه و وسایل درون آن است که دزد برده و این وسایل جزء معنای اصلی خود خانه نیستند. در عبارت سوم نیز واژه «ببر» مجاز از شجاعت و قدرت فوق‌العاده است که لازمه معنای اصلی به شمار می‌رود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در عبارت اول، منظور از «شستن دست»، شست‌وشوی مچ تا انگشتان است و چون جزئی از دست اراده شده، دلالت تضمینی دارد. در عبارت دوم، واژه «مدرسه» به معنای اصلی خود یعنی کل مدرسه اشاره دارد و دلالت مطابقی است. در عبارت سوم، عبارت «سر تیم را برید» کنایه از ناداوری و پایمال شدن حق است و دلالت التزامی دارد.

گزینه «۲»: در عبارت اول، واژه «شیر» پس از ادات تشبیه آمده و در معنای اصلی خود به کار رفته است و دلالت مطابقی دارد. در عبارت دوم، منظور از «بریدن سر»، زخم شدن پوست سر حین کوتاه کردن موهاست که جزئی از سر به شمار می‌آید و دلالت تضمینی دارد. در عبارت سوم، مقصود از «کشور ایران» بخش‌هایی از خاک و سرزمین ایران است نه تمام آن، بنابراین دلالت تضمینی دارد.

گزینه «۳»: دو عبارت نخست یعنی «از دستش آب نمی‌چکد» به معنای خسیس بودن و «زبانم مو درآورد» به معنای تکرار بیش از اندازه سخن، کنایی بوده و دلالت التزامی دارند؛ اما در عبارت سوم، واژه «دریا» پس از ادات تشبیه آمده و بیانگر معنای اصلی است و دلالت مطابقی دارد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۶۵- گزینه «۳»

(مهمرب قربانی)

در این گزینه واژه «حیوان» در معنای کنایی خود به کار رفته و نشانه بی‌ملاحظگی، خشونت و رفتارهای دور از انسانیت است؛ از آنجا که این معنا خارج از ذات و تعریف اصلی واژه حیوان است، دلالت التزامی دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

در عبارات گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» کلمه «حیوان» بر کل معنای اصلی خود دلالت دارد و از این رو دلالتش مطابقی است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۶۶- گزینه «۲»

(پواد پاکدل - فاروج)

در این جمله، عبارت «بازگرداندن روشنایی» در فهم عرفی دلالت التزامی بر بازگرداندن امید و شادی دارد، اما شهردار با توزیع چراغ‌قوه صرفاً معنای ظاهری و مطابقی روشنایی را مبنا قرار داده و مرتکب مغالطه شده است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: با توجه به قرینه‌ها «پیچ» فقط در یک معنا در این عبارت به کار رفته و امکان مغالطه اشتراک لفظ وجود ندارد.

گزینه «۳»: مقصود از «اعدام کردن» مجازات مرگ و سلب حیات است و حاکم نیز در ادامه او را کشته است؛ بنابراین جابه‌جایی نادرستی در دلالت‌های واژه صورت نگرفته و مغالطه‌ای رخ نداده است.

گزینه «۴»: عبارت «حساب کردن» در ادامه جمله دقیقاً در همان معنای التزامی خود یعنی پرداخت هزینه به کار رفته است و هیچ‌گونه مغالطه یا تغییری در معنا دیده نمی‌شود.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۵)

**۱۶۷- گزینه «۲»**

(مفهم قربانی)

**بررسی تک‌به‌تک موارد:**

مورد «الف»: نوشتن «خاهر» به جای «خواهر» صرفاً یک غلط املائی ساده است. هر غلط املائی لزوماً مغالطه نیست؛ زمانی خطای املائی به مغالطه تبدیل می‌شود که واژه جدیدی با معنای متفاوت ایجاد کند و منجر به نتیجه‌گیری نادرست شود.

مورد «ب»: واژه‌های «سوگند خوردن» و «قسم یاد کردن» مترادف هستند. جایگزینی کلمات هم‌معنی نه غلط املائی است و نه ابهام نگارشی ایجاد می‌کند؛ بنابراین هیچ‌گونه مغالطه‌ای در آن رخ نداده است.

مورد «ج»: با تغییر یک نقطه، واژه «پند» (نصیحت/اندرز) به «بند» (زندانی/اسارت) تغییر یافته و این خطای املائی معنای حقوقی جمله را دگرگون کرده و قاضی یا مخاطب را در دادگاه به نتیجه‌گیری نادرست کشانده است.

مورد «د»: عدم استفاده دقیق از علائم سجاوندی (مانند علامت تعجب برای مشخص کردن لحن طنز، تعجب یا کنایه) در فضای نوشتار، باعث می‌شود مخاطب پیام کنایی را به‌صورت جدی و واقعی برداشت کند؛ این موضوع مصداق عدم رعایت دقیق علائم نگارشی در مغالطه شیوه نگارش کلمات است.

بنابراین تنها موارد (ج) و (د) مصداق مغالطه شیوه نگارش کلمات هستند (۲ مورد)  
(منطق، لفظ و معنا، صفحه ۱۶)

**۱۶۸- گزینه «۳»**

(مفهم قربانی)

در عبارت این گزینه، مشخص نیست ضمیر متصل در واژه «خنجرش» به سهراب برمی‌گردد یا به رستم؛ یعنی معلوم نیست چه کسی خنجر خود را از غلاف بیرون کشیده بود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در این عبارت، ضمیر «آنها» به‌وضوح به مدارک بازمی‌گردد و ابهام در ارجاع ضمیر وجود ندارد.

گزینه «۲»: ضمیر متصل «ش» در «والدینش» به دانش‌آموز برمی‌گردد و ابهامی وجود ندارد.

گزینه «۴»: در این عبارت ضمیر «آن» به‌روشنی به مقاله برمی‌گردد و جمله فاقد زمینه مغالطه است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

**۱۶۹- گزینه «۴»**

(مفهم قربانی)

این گزاره نادرست است، زیرا مغالطه توسل به معنای ظاهری زمانی رخ می‌دهد که لفظ دارای دلالت غیرمطابقی و یا کنایی باشد اما فرد به دلالت مطابقی و معنای ظاهری کلمه تمسک جوید؛ بنابراین هرگونه جابه‌جایی میان دلالت‌ها به معنای مغالطه توسل به معنای ظاهری نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: این عبارت درست است؛ مغالطه شیوه نگارش کلمات ناشی از عدم رعایت فاصله‌گذاری، سرهم‌نویسی یا عدم استفاده دقیق از نشانه‌های نگارشی در متن نوشتاری است و در کلام شفاهی با لحن و مکث رفع می‌شود.

گزینه «۲»: این عبارت درست است؛ به کار بردن الفاظ چندمعنایی در صورتی که در بافت کلام معنای مشخصی داشته باشند یا در یک استدلال موجب انحراف در نتیجه‌گیری نشوند، مغالطه ایجاد نمی‌کند.

مثال: جمله «شیر آب حیاط باز است» دارای واژه مشترک لفظی شیر است، اما هیچ ابهام و مغالطه‌ای در فهم معنای آن برای شنونده ایجاد نمی‌شود.

گزینه «۳»: این عبارت درست است؛ در دلالت التزامی ذهن با شنیدن لفظ، به معنا و لازمه‌ای خارج از حقیقت موضوع پی می‌برد که می‌تواند ناشی از عقل، عرف یا عادت باشد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۸)

**۱۷۰- گزینه «۳»**

(فره‌ار قاسمی‌نژاد)

در عبارت گزینه «۳» امکان مغالطه توسل به معنای ظاهری وجود دارد، نه اشتراک لفظ.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: اگر ویرگول بعد از «معلم» یا اینکه «معلم علی» با کسره نوشته شود معنی جمله تغییر می‌کند.

گزینه «۲»: سوختن به معنای التزامی به کار رفته است. اگر به معنای مطابقی گرفته شود باعث مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌شود.

گزینه «۴»: مرجع ضمیر «او» مشخص نیست که مسعود است یا برادرش.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۷)

**فلسفه یازدهم**

**۱۷۱- گزینه «۲»**

(امیرمفهم قلعه‌گاه‌هی)

سخن ارسطو در این عبارت به بررسی چگونگی آغاز شناخت، مراحل شکل‌گیری ادراک حسی و نقش عقل در انتزاع مفاهیم کلی می‌پردازد؛ از آنجا که این موضوع به ابزارها و نحوه شناخت انسان از حقایق مربوط می‌شود، کاملاً در حوزه معرفت‌شناسی قرار دارد و فقط به بخش ریشه‌ای فلسفه اشاره می‌کند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: سخن سقراط ناظر به خودشناسی، کشف حقیقت وجودی انسان و تبیین شیوه زیست است و در حوزه شاخه‌های فلسفه یعنی انسان‌شناسی فلسفی و فلسفه اخلاق قرار می‌گیرد.

گزینه «۳»: سخن ارسطو درباره تعیین خیر، ملاک فضیلت، نظریه حد وسط و اعتدال در رفتار است که تماماً در قلمرو فلسفه اخلاق به عنوان یکی از شاخه‌های فلسفه جای دارد.

گزینه «۴»: دیدگاه افلاطون به بررسی حقیقت زیبایی می‌پردازد که مربوط به فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از بخش‌های شاخه‌ای فلسفه است.

(فلسفه یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

**۱۷۲- گزینه «۱»**

(پرکل رهمی)

مسئله نخست به بررسی توانایی‌ها و ابزارهای شناختی انسان در دستیابی به واقعیت‌های جهان می‌پردازد و امکان شناخت هستی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که این مبحث در قلمرو معرفت‌شناسی جای دارد.

مسئله دوم به کاوش در مبانی، ملاک‌ها و چرایی ارزش‌گذاری افعال و صفات انسانی می‌پردازد و رابطه ارزش اخلاقی با سود و زیان را بررسی می‌کند که این موضوع از مباحث بنیادین فلسفه اخلاق به عنوان یکی از شاخه‌های فلسفه به شمار می‌رود.

(فلسفه یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

**۱۷۳- گزینه «۲»**

(کیمیا طوماسی)

همان‌طور که می‌دانیم، مکاتب مختلفی در علوم تربیتی هست که هر کدام ریشه در یک مکتب فلسفی خاص دارد. به عبارت دیگر، از فلسفه‌های افلاطون، ابن‌سینا، کانت و دیگر فیلسوفان، فلسفه تربیت ویژه‌ای پدید می‌آید و براساس آن، نظام تربیتی خاصی حاصل می‌شود و این توضیحات بیانگر تأثیر فلسفه در علوم مختلف از طریق فلسفه‌های مضاف است.

به عبارت دیگر مبانی و زیربنای علوم در فلسفه‌های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

(فلسفه یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۷)

**۱۷۴- گزینه «۲»**

(الله فاضلی)

هر دو مورد مرتبط با دیدگاه‌های معتقدان به اصالت جامعه است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: اصالت فرد، اصالت جامعه

گزینه «۳»: اصالت فرد، اصالت جامعه

گزینه «۴»: اصالت جامعه، اصالت فرد

(فلسفه یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

**۱۷۵- گزینه «۳»**

(فسین آفوندری راهنمایی)

هرگاه انسان فارغ از اشتغالات روزمره به چرایی باورهای خود بیندیشد، باورهای درست را بپذیرد و باورهای غلط را کنار بگذارد، بنیان فکری‌اش را خود بنا نهاده است و در نتیجه این فرآیند، به آزاداندیشی و شخصیتی مستقل دست پیدا می‌کند؛ بنابراین استقلال شخصیتی نتیجه ساختن آگاهانه بنیادهای فکری است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: انسان همواره و در همه شرایط تنها بر پایه باورهای بنیادینش عمل نمی‌کند بلکه گاهی تحت تأثیر تمایلات، احساسات، غرایز و عادات‌ها دست به رفتارهایی می‌زند که ممکن است حتی با باورهای او سازگار نباشد.

گزینه «۲»: صرف وجود دلیل و استدلال متضمن درستی یک باور نیست زیرا امکان دارد در جریان استدلال از مقدمات نادرست استفاده شده باشد یا مغالطه‌ای رخ داده باشد.

گزینه «۴»: باورهای مبتنی بر عادت و سنت لزوماً باطل نیستند بلکه ممکن است پس از سنجش با ترازوی عقل مشخص شود که برخی از این باورها کاملاً منطقی و درست هستند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۱)

**۱۷۶- گزینه «۳»**

(مهمر قربانی)

شاخصه اصلی «اندیشیدن فیلسوفانه» این است که فرد مستقل از تعصبات، تبلیغات یا تقلید از دیگران، بر پایه تفکر و تحلیل‌های شخصی خود به باوری برسد؛ حتی اگر در مسیر استدلال دچار خطا شده و باورش در نهایت نادرست یا باطل باشد. علی‌چون با تکیه بر تحلیل شخصی خود به این نتیجه رسیده، باور او محصول اندیشیدن فیلسوفانه است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: رفتار و گفتار امیر ناشی از فشار اجتماعی و ترس از قضاوت دیگران است و هیچ ریشه‌ای در استقلال اندیشه و تفکر فلسفی ندارد.

گزینه «۲»: انتخاب المیرا بر پایه تبلیغات رسانه‌ای و القای محیطی شکل گرفته است؛ درحالی‌که تفکر فیلسوفانه از تبلیغات و شایعات دوری می‌گزیند و تابع دلیل است.

گزینه «۴»: انگیزه نرگس صرفاً تظاهر، خودنمایی و پیروی از جو حاکم بر دوستان است و پذیرش و تکرار سخن بدون درک و تعقل پشت آن، در دایره رفتارهای مقلدانه قرار می‌گیرد، نه تفکر فلسفی.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

**۱۷۷- گزینه «۱»**

(موسی سپاهی - سراوان)

عبارت صورت سؤال کاملاً درست است. یکی از مهم‌ترین فواید تفکر فلسفی رهایی از عادت‌های غیرمنطقی است؛ فیلسوف باورهای رایج و کهن جامعه را که صرفاً بر اثر تکرار و انتقال میان نسل‌ها تبدیل به عادت شده‌اند، بدون دلیل نمی‌پذیرد و آنها را در ترازوی عقل و برهان نقد و ارزیابی می‌کند تا در صورت عدم تطابق با عقل کنار گذاشته شوند.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: نتیجه‌گیری و ادعای این گزینه نادرست است، زیرا همه عقاید سنتی و دیرینه جامعه لزوماً باطل و فاقد پشتوانه عقلی نیستند بلکه ممکن است برخی از این باورها با موازین عقل سازگار باشند.

گزینه «۳»: اصل حکم و توجیه آن نادرست است، زیرا در تفکر فلسفی پذیرش عمومی و قدمت تاریخی هرگز معیار و دلیل لازم یا کافی برای درستی و منطقی بودن یک باور به شمار نمی‌آید.

گزینه «۴»: تفکر فلسفی به تشخیص و افشای مغالطه‌ها محدود نمی‌شود بلکه فواید مهم دیگری چون استقلال در اندیشه و رهایی از عادات‌های غیرمنطقی را نیز در بر می‌گیرد و باورهای رایج را نیز با عقل می‌سنجد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

## ۱۷۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

رهایی از عادات غیرمنطقی: اگر ما افکار، عقاید و عادات‌های خود و اطرافیان را با نگاه نقادانه بازبینی کنیم، درمی‌یابیم که برخی از این افکار و عقاید پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند.

استقلال در اندیشه: فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

## ۱۷۹- گزینه «۱»

(مهم قربانی)

در تمثیل غار افلاطون، «زنجیرها» نماد بارز «عادات‌ها، تعصبات غیرمنطقی، تقلید کورکورانه و باورهای نسنجیده» هستند که انسان‌ها را در تاریکی جهل و نادانی محبوس نگه داشته و مانع چرخش نگاه آن‌ها به سوی حقیقت می‌شوند. بیت مولوی در گزینه «۱» مستقیماً به نقد و نکوهش تقلید کورکورانه پرداخته و آن را عامل تباهی و هلاکت انسان‌ها می‌داند؛ بنابراین بیشترین و دقیق‌ترین تطابق مفهومی را با مفهوم اسارت در بند تعصبات و عادات (زنجیرهای غار) دارد.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: این بیت ناظر بر سکوت، تسلیم و دوری از جدال کلامی در طریقت عرفانی است و هیچ ارتباطی با مفاهیم تمثیل غار یا نقد تعصبات ندارد.

گزینه «۳»: این بیت به تقابل میان «عالم محسوسات/ظواهر» و «عالم معقولات/حقیقت باطنی» اشاره دارد. در تمثیل غار، این مفهوم متناظر با «سایه‌ها» و «خورشید حقیقت بیرون غار» است، نه نماد «زنجیرها».

گزینه «۴»: این بیت بر لزوم همراهی مرشد و راهنما برای طی مسیر دشوار تأکید می‌کند که در تمثیل غار متناظر با نماد «شخص تنومند / راهنمای هدایت‌گر» است، نه نماد تعصب و زنجیر اسارت.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

## ۱۸۰- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

از نظر افلاطون اگر برحسب اتفاق، زنجیر یکی از این مردمان پاره شود و مجبورش کنند که یک باره برخیزد و روی خود را برگرداند و آتش را ببیند یا به سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد، روشنایی چشم‌هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه‌های آن‌ها را می‌دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم‌هایش به دردی طاقت‌فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه‌ها پناه خواهد برد زیرا آن‌ها را بهتر می‌تواند ببیند. عقیده‌اش هم نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد. بنابراین به محض مشاهده واقعیت، نادرستی توهّمات و دروغ‌ها آشکار نمی‌شود، بلکه فرد، چون توان مواجهه با حقیقت را ندارد، از آن گریزان خواهد شد.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در تمثیل غار می‌بینیم که هنگامی فرد دوباره به جست‌وجوی حقیقت می‌رود، که شخص توانمندی او را از دهانه غار بالا بکشد و البته این کار باید به تدریج انجام شود. این مورد نشان‌دهنده نقش آموزگار و راهنما در جست‌وجوی معرفت حقیقی است.

گزینه «۳»: در تمثیل غار می‌خوانیم که اگر به تدریج چشمان فرد با روشنایی خو بگیرد، یکی پس از دیگری آن انسان‌ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه‌بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آن‌ها را حقیقت می‌پنداشت، پی خواهد برد. این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیا است ببیند و بداند که تا اندازه‌ای خورشید عامل هر چیزی است. بنابراین کسب شناخت و معرفت یک امر تدریجی است و به صورت دفعی حاصل نمی‌شود.

گزینه «۴»: در تمثیل غار خواندیم که اگر زندانی آزاد شده را از نور برگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی‌اش قرار دهند، او به اطرافیان می‌گوید این سایه‌ها حقیقی نیستند، اما همه حرف او را خنده‌دار خواهند یافت. آنان به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با خراب‌شدن و از دست دادن بینایی‌اش برگشت. این عبارت بدین معنا است که حقیقت غایی با سخن به دیگران منتقل نمی‌شود و آن‌ها خود باید کشف آن را تجربه کنند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

اقتصاد

۱۸۱- گزینه «۲»

(مهری فیانی)

الف) کسب و کار شخصی: در کسب و کار شخصی، مالکیت و مسئولیت تصمیمات مهم کسب و کار بر عهده یک شخص است و درآمد حاصل از فعالیت نیز متعلق به اوست.

ب) شرکت: در شرکت، کسب و کار دارای هویت قانونی مستقل است و در شرکت سهامی، هر فرد متناسب با میزان سهام خود در مالکیت و سود و زیان شرکت سهیم است.

ج) تعاونی: در تعاونی، شیوه اداره بر اساس اصل «هر نفر، یک رأی» است؛ بنابراین میزان سرمایه، تعداد آرای عضو را تغییر نمی دهد.

د) مؤسسه غیرانتفاعی و خیریه: این مؤسسات برای انجام مأموریتی غیرسودآور و با اهدافی مانند امور خیریه، آموزش و توسعه علمی تشکیل می شوند.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه های ۱۳ تا ۱۹)

۱۸۲- گزینه «۳»

(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۲)

ویژگی های مشترک کارآفرینان موفق:

|              |                                                                                                            |
|--------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تیزبین       | فرصت های کسب و کار را زمانی که دیگران شاید متوجه نشوند، می بینند.                                          |
| نوآور        | ایده ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می کنند.                                 |
| ریسک پذیر    | پس انداز و خوش نامی شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه اندازی کنند. |
| خوش بین      | کارآفرینان واقع بین هستند؛ اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی هستند.                                      |
| پرانگیزه     | نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.                                                  |
| یادگیرنده    | از کارشناسان، همکاران و مشتریان می آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می دهند.                             |
| سازمان دهنده | منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می کنند.                                                            |

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه ۶)

۱۸۳- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۲ نوبت دوم تیرماه)

۱۲) ارزش سرمایه فیزیکی  $(\frac{1}{8} \times)$  = هزینه خرید سالانه مواد اولیه

=  $\frac{1}{8} \times ۸۰۰ \times ۱۲ = ۱۲۰۰$  میلیون تومان

میلیون تومان  $۴ \times ۱۰ \times ۱۲ = ۴۸۰$  = دستمزد سالانه مجموع کارگران

۱۲)  $(\frac{25}{100} \times)$  = هزینه آب، برق، گاز و اجاره سالانه دستمزد کارگران در سال

=  $\frac{25}{100} \times ۴۸۰ \times ۱۲ = ۱۴۴۰$  میلیون تومان

میلیون تومان  $۸۰۰$  = سرمایه فیزیکی

$۱۵۰۰ \times ۶۰۰,۰۰۰ \times ۱۲$  = درآمد سالانه حاصل از فروش محصولات

میلیون تومان  $۱۰۸۰۰$  = تومان  $۱۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰$

میلیون تومان  $۲۴۰$  =  $۲۰ \times ۱۲$  = هزینه فرصت سالانه

مجموع هزینه های کارگاه تولید کفش با احتساب هزینه فرصت

میلیون تومان  $۴۱۶۰$  =  $۱۲۰۰ + ۴۸۰ + ۱۴۴۰ + ۸۰۰ + ۲۴۰$

چون میزان درآمد از هزینه ها بیشتر است، تولیدکننده از فعالیت خود سود برده است.

مجموع هزینه های تولید (هزینه های مستقیم و هزینه فرصت) - درآمد = سود واقعی

تومان  $۶,۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰$  = میلیون تومان  $۶۶۴۰$  =  $۱۰۸۰۰ - ۴۱۶۰$

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه های ۸، ۹، ۲۵، ۲۶ و ۳۳)

۱۸۴- گزینه «۲»

(مهری کاردران)

هزینه فرصت، برابر است با عایدی (منافع) حاصل از دومین انتخاب سودآور فرد؛ که از آن صرف نظر کرده است.

برای پاسخ به این سؤال باید ببینیم که از میان گزینه های مختلف به جز سرمایه گذاری در سازمان بورس اوراق بهادار که انتخاب فرد است، کدام گزینه منافع بیشتری دارد و منافع آن گزینه، می شود هزینه فرصت انتخاب فرد، در نتیجه خواهیم داشت:

نکته: ۳ میلیارد تومان برابر با ۳,۰۰۰ میلیون تومان است.

میلیون تومان  $۷۵۰$  =  $۳,۰۰۰ \times \frac{25}{100}$  = سود حاصل از سرمایه گذاری در بانک

$۳۵۰ \times ۱,۵۰۰,۰۰۰$  = سود حاصل از فعالیت خدمات مهندسی

میلیون تومان  $۵۲۵$  = تومان  $۵۲۵,۰۰۰,۰۰۰$

در نتیجه منافع بهترین انتخاب بعدی که سرمایه گذاری در بانک (با سود سالانه ۷۵۰ میلیون تومان) است ولی فرد از آن صرف نظر کرده است، هزینه فرصت انتخاب فرد محسوب می شود.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه های ۲۵ و ۲۶)

۱۸۵- گزینه «۴»

(معمربین متولی)

الف) هزینه فرصت حرکت از نقطه A به نقطه B میزان طلایی است که فرد از خرید آن صرف نظر کرده است تا بتواند میزان بیشتری نیروی کار استخدام کند.

در نقطه A ۱۶۰۰ واحد طلا و در نقطه B ۸۰۰ واحد طلا خریداری می شود، بنابراین هزینه فرصت حرکت از نقطه A به نقطه B، ۸۰۰ واحد طلا است (۱۶۰۰ - ۸۰۰ = ۸۰۰) که از خرید آن صرف نظر شده است، اما در صورت سؤال ارزش هزینه فرصت به تومان خواسته شده است و نه براساس واحد یا تعداد کالایی که از خرید آن صرف نظر کرده ایم؛ در نتیجه خواهیم داشت:

$$۸۰۰ \times ۴۲۵,۰۰۰ = ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان دهنده مقدار نهاده های طلا و نیروی کاری است که فرد می تواند با بودجه مشخص ۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان بخرد، در نتیجه خواهیم داشت:

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = (x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰) + (۸۰۰ \times ۴۲۵,۰۰۰)$$

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = (x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰) + ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰ = x \times ۱۷,۰۰۰,۰۰۰ \Rightarrow x = \frac{۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۷,۰۰۰,۰۰۰} = ۳۰$$

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه های ۲۷ و ۲۸)

۱۸۶- گزینه «۳»

(موری فیانی)

در الف)، گزاره مربوط به قانون اول؛ کمیابی منابع است، نه هزینه فرصت. در د) نیز گزاره مربوط به قانون پنجم، مقایسه بین هزینه ها و منافع است، نه کمیابی منابع.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه های ۲۴ تا ۲۹)

۱۸۷- گزینه «۲»

(آفرین ساجدی)

ابتدا درصد مالکیت آقای اسدی را محاسبه می کنیم:

$$\text{درصد مالکیت فرد} = \frac{\text{تعداد سهام فرد}}{\text{تعداد کل سهام شرکت}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد} = \frac{۴۰۰}{۸,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۵ \text{ درصد}$$

حالا باید ببینیم کل سود شرکت در پایان سال چقدر بوده است: کل سود شرکت X درصد مالکیت فرد = میزان سهم فرد از سود شرکت

$$\text{کل سود شرکت} \times \frac{۵}{۱۰۰} = ۲۷۵$$

$$\text{میلیون تومان} = \frac{۲۷۵ \times ۱۰۰}{۵} = ۵,۵۰۰$$

حالا که مقدار کل سود شرکت را داریم، براساس فرمول بالا، سود دریافتی خانم اصغری را به دست می آوریم:

$$\text{کل سود شرکت} \times \text{درصد مالکیت خانم اصغری} = \text{میزان سود خانم اصغری}$$

$$\text{میلیون تومان} = \frac{۱۸}{۱۰۰} \times ۵,۵۰۰ = ۹۹۰$$

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه ۱۶)

۱۸۸- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

الف) توجه به هزینه های هدررفته: فرد به دلیل پرداخت هزینه قبلی (پول بلیت)، اصرار به ادامه مسیری دارد که دیگر برای او سودمند نیست (حضور در مسابقه با وجود بیماری).

ب) بی صبری زیاد: فرد برای تأمین نیاز یا لذت فعلی (خرید گوشی گران قیمت)، بدون داشتن پس انداز، زیر بار سنگین بدهی (وام) می رود و منافع آتی خود را فدای منافع آنی می کند.

ج) چسبیدن به وضعیت فعلی: فرد با وجود تغییر شرایط بازار و وجود گزینه های بهتر، از تغییر روش خود اجتناب کرده و به همان وضعیت قدیمی و آشنا چسبیده است.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه ۳۱)

۱۸۹- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

به دلیل کمیابی منابع، افراد و کسب و کارها با مسئله انتخاب مواجه اند. علم اقتصاد نیز به ما می آموزد در چنین شرایطی با در نظر گرفتن هزینه ها و منافع گزینه های مختلف، بهترین انتخاب را انجام دهیم.

**بررسی سایر گزینه ها:**

گزینه «۱»: مسئله انتخاب فقط به کسب و کارها محدود نیست و هر فرد در زندگی روزمره نیز بارها با انتخاب اقتصادی مواجه می شود.

گزینه «۳»: مسئله انتخاب ناشی از کمیابی منابع است؛ یعنی منابع برای تأمین همه نیازها و خواسته ها کافی نیستند، نه اینکه منابع به اندازه کافی وجود داشته باشند.

گزینه «۴»: برای انتخاب درست، باید هم هزینه ها و هم منافع هر انتخاب را در نظر گرفت، نه اینکه فقط منافع را بررسی کنیم.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه ۲۴)

۱۹۰- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

الف) زمین کارگاه ← منابع طبیعی؛ زیرا زمین از منابع طبیعی است.

ب) کارگر ← نیروی کار؛ زیرا فعالیت و تلاش جسمی انسان در فرایند تولید، نیروی کار محسوب می شود.

ج) دستگاه های برش و دوخت ← سرمایه فیزیکی؛ زیرا ابزار و تجهیزات ساخته شده ای هستند که برای تولید به کار می روند.

د) تجربه و مهارت کارگر ← سرمایه انسانی؛ زیرا دانش، مهارت و تجربه فرد، توانایی او را برای تولید افزایش می دهد.

ه) پارچه ← منابع طبیعی؛ در این طبقه بندی، مواد اولیه ای که از منابع طبیعی به دست آمده اند در گروه منابع طبیعی قرار می گیرند.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه های ۲۴ و ۲۷)

# پاسخنامه

## دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۱ آبان ماه ۱۴۰۵

ایران تونل  
بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۹۱- گزینه ۱

(ممبر رضا قانرازمینی - اصفهان)

«إني»: همانا من، بی‌گمان من، قطعاً من (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «زأيت» (صیغه متکلم‌وحده): دیدم (رد گزینه ۳) / «أحد عشر»: یازده / «كوكبا و الشمس والقمر»: ستاره، خورشید و ماه / «زأيتهم»: آن‌ها را دیدم (رد سایر گزینه‌ها) / «ساجدين»: سجده‌کنان (رد گزینه ۲)

در گزینه ۴، «در آسمان» و «بودند» اضافی آمده است. (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۹۲- گزینه ۳

(ابوطالب درانی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إصبر»: (فعل امر مخاطب) صبر کن

گزینه ۲: «أعلم»: (فعل مضارع متکلم‌وحده) می‌دانم

گزینه ۴: «أنزل»: (فعل ماضی غایب) فروفرستاد

(ترجمه)

۱۹۳- گزینه ۱

(عمار تابفش)

«قدر»: ارزش / «كلّ منّا»: هر کدام از ما، هر یک از ما (رد گزینه ۲) / «تحسّنه»: آن را خوب انجام می‌دهیم (رد گزینه ۴) / «فعلينا»: پس بر ما واجب است / «أن نقوم به»: که بپردازیم به ... / «واجباتنا»: وظایف خود / «أحسن ما نستطيع»: با بهترین چیزی که می‌توانیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لأن للرجال»: چرا که انسان‌ها ... دارند (رد گزینه ۳) / «على الأفعال أَسْمَاء»: با عملکردها، نام‌هایی (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۹۴- گزینه ۴

(معمور بادرین - یاسوج)

«استمعوا»: گوش فرا دهید (رد گزینه ۳) / «كلام فيه شيء من الحكمة»: سخنی که در آن چیزی از حکمت است (رد گزینه ۳) / «تعلموها»: آن را بیاموزید (یاد بگیرید) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «علموها»: آن را آموزش دهید (یاد بدهید) / «لمن يطلبونها منكم»: به کسانی که آن را از شما می‌طلبند / «نور للحياة و سبب للنجاح»: نوری برای زندگی و دلیلی برای موفقیت است (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۹۵- گزینه ۲

(پیروز ویا - گنبرکاووس)

«سبب عقائد الآخرين»: دشنام دادن به عقاید دیگران (رد گزینه ۳) / «فی أيّ مجتمع»: در هر جامعه‌ای (رد گزینه ۴) / «سیؤدی إلی»: منجر به ... خواهد شد (رد گزینه ۳) / «ابتعدوا»: دوری کنید، دور شوید (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

نکات مهم درسی:

«ابتعدوا»: (فعل امر برای جمع مذکر مخاطب) دوری کنید

«ابتعدوا»: (فعل ماضی برای جمع مذکر غایب) دوری کردند

(ترجمه)

۱۹۶- گزینه ۲

(ممبر رضا سوری - نهاوند)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «لا يحزنك»: نباید تو ناراحت کند / قول: سخن

گزینه ۳: «إنما الفخر»: افتخار تنها ... / عقل ثابت (موصوف و صفت نکره):

خردی استوار / التّسب: تبار / در عبارت عربی ذکرشده، معادلی برای «آدمی» نیامده است.

گزینه ۴: «بطاقتها»: بلیتش / غالية: گران است

(ترجمه)

۱۹۷- گزینه ۱

(کامران عبداللّهی)

ترجمه صورت سؤال: «دانش را به دست بیاور و جایگزینی برای آن مجو؛ زیرا مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینه ۱ آمده است: «هر کس به طلب دانش بپردازد، به جاودانگی معنوی می‌رسد که چیزی هم‌ارز آن نیست؛ در حالی که زندگی افراد غافل از معرفت، معنای حقیقی خود را از دست می‌دهد!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «انسان هنگامی می‌تواند منافع دنیا را بر علم ترجیح دهد که بقای جسمانی‌اش به کسب این منافع وابسته باشد» (نامناسب)

گزینه ۳: «مرگ همه را یکسان فرا می‌گیرد، ولی اهل علم به دلیل بصیرتشان در امور زندگی می‌توانند اجل خود را به تأخیر بیندازند!» (نامناسب)

گزینه ۴: «غایت زندگی، کسب فضیلت‌های گوناگون است؛ پس هر کس علم و دیگر نعمت‌ها را با هم جمع کند، از نابودی حتمی نجات می‌یابد!» (نامناسب)

(مفهوم)

۱۹۸- گزینه ۴

(سیر ممبر علی مرتضوی)

ترجمه صورت سؤال: «کاش فصل بهار در سرزمین ما طولانی باشد!»

مناسب‌ترین مفهوم در گزینه ۴ آمده است: «گوینده این عبارت می‌خواهد روزهای بهار زیاد شود، اما این فصل در واقع در سرزمین او کوتاه است!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «آرزو در این عبارت نشان می‌دهد که بهار به این سرزمین نمی‌آید و اهالی آن، زیبایی این فصل را حس نمی‌کنند!» (نامناسب)

گزینه ۲: «جمله نشان می‌دهد که فصل بهار در سرزمین گوینده آغاز شده است و اهالی آن سرزمین، با شکیبایی در انتظار پایان آن هستند!» (نامناسب)

گزینه ۳: «گوینده به‌طور قطعی می‌خواهد تمامی فصل‌های سال در وطن او، مانند روزهای فصل بهار باشند!» (نامناسب)

(مفهوم)

## ۱۹۹- گزینهٔ «۲»

(سیر مفسر علی مرتضوی)

ترجمهٔ صورت سؤال: «هر گروهی به آن چیزی که دارند، خوشحال هستند!» مناسب‌ترین مفهوم در گزینهٔ «۲» آمده است: «آیه به وضعیت غرور فکری و تعصب اشاره دارد؛ به‌طوری که هر گروهی می‌پندارد آنچه از نظرات که نزد خود دارد، حق مطلق است و با این کار، از جستجوی حقیقت باز می‌ماند!»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «خداوند اینان را ستایش می‌کند؛ چرا که شادمانی به عقیده‌ای که دارند، باعث تقویت روابط میان افراد گروه می‌شود و برایشان انس و خوشبختی به ارمغان می‌آورد!» (نامناسب)

گزینهٔ «۳»: «همانا قرآن کریم بر اهمیت تکثرگرایی تأکید می‌ورزد؛ چرا که طبیعی است هر گروهی برای ترویج روش ویژهٔ خود که مردم را خوشبخت می‌کند، تلاش نماید!» (نامناسب)

گزینهٔ «۴»: «مقصود قرآن این است که هر فرقه‌ای به دستاوردهای مادی و نفوذ خود در دنیا دل‌خوش است؛ از این‌رو، انسان باید در پی شادمانی بزرگ‌تری در زندگی آخرت باشد!» (نامناسب)

(مفهوم)

## ۲۰۰- گزینهٔ «۳»

(مفسر مهدی یعقوبی)

ترجمهٔ عبارات: بی‌گمان این امت شماس؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم؛ پس مرا بپرستید. - همانا خداوند فقط پروردگار یک امت است، پس بر ماست که او را بپرستیم.

می‌دانیم خداوند، پروردگار همهٔ جهانیان است و پروردگار یک امت یا گروه خاص نیست. (در این آیه، بر وحدت امت اسلامی تأکید شده است.)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بخل و دروغ - ایمان مانع از جمع شدن بخل و دروغ در شخص مؤمن می‌شود. (صحیح)

گزینهٔ «۲»: مؤمن کسی است که مردم او را در مورد خون‌ها و اموال خویش امین بدانند. - از نشانه‌های مؤمن این است که مردم در مورد جان‌ها و مال‌هایشان به وی اعتماد کنند. (صحیح)

گزینهٔ «۴»: مردم خوانند؛ پس هرگاه بمیرند بیدار می‌شوند. - انسان در این زندگی مانند شخص خوابیده است و با مرگ، به حقایق دنیا پی می‌برد. (صحیح)

(مفهوم)

## ترجمهٔ متن درک مطلب:

بسیاری از مردم معتقدند که ثروت، معیار نخست برای ارزش انسان در جامعه است، در حالی که دیگران تمایل دارند به این که هرگونه نقش پول در ساخت جایگاه انسانی را انکار کنند. با این حال، نگاهی عمیق به حقیقت امر آشکار می‌سازد که پول صفتی ذاتی نیست که به جوهر انسان افزوده شود و مقام او را بالا ببرد، بلکه بزرگ‌نمایی آن چیزی است که در درون او وجود دارد. چرا که ثروت به فرد نادان حکمت نمی‌بخشد و فرد خسیس را بخشنده نمی‌کند، بلکه حقیقت اخلاق فرد را، آنگاه که به او قدرت عمل بدون محدودیت می‌دهد، آشکار می‌سازد.

انسان بخشنده، اگر صاحب مال شود، دایرهٔ نیکی‌اش گسترده‌تر شده و ثروتش به ابزاری برای خدمت به دیگران و پیشرفت جامعه‌اش بدل می‌شود؛ در حالی که در فرد دارای نفس ضعیف، ثروت ممکن است سرکشی و تکبر او را افزایش دهد. بنابراین، پول نمی‌تواند ارزش انسان را بالا یا پایین ببرد؛ ارزش حقیقی تنها در استفادهٔ خوب از قدرت است و ثروت جز آزمونی عملی نیست که گوهر وجودی انسان را آشکار کرده و آنچه را که در اعماق پنهان بوده، نمایان می‌سازد.

## ۲۰۱- گزینهٔ «۲»

(سیر مفسر علی مرتضوی)

«متن، ثروت را دلیل مهمی می‌شمارد که ممکن است جوهر انسان نادان را به انسانی حکیم تبدیل کند!» (نادرست؛ ثروت جوهر انسان را عوض نمی‌کند!)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: پول در اصل خود امری خنثی است که ارزش انسانی انسان را بالا نمی‌برد و آن را به ذات خویش پایین نمی‌آورد! (صحیح)

گزینهٔ «۳»: پول عاملی شمرده می‌شود که هنگام دارا بودن آن، باطن انسان و اخلاق حقیقی او را آشکار می‌سازد! (صحیح)

گزینهٔ «۴»: گسترش دایرهٔ نیکی فرد با پول، پیش از به دست آوردن ثروت، به کرامت نفس او وابسته است! (صحیح)

(درک مطلب)

## ۲۰۲- گزینهٔ «۲»

(سیر مفسر علی مرتضوی)

پول، بزرگ‌نمایی آن چیزی است که در باطن انسان وجود دارد، زیرا ...

گزینهٔ «۲»: به او قدرت می‌دهد تا خصلت‌هایش را، خواه بخشندگی باشد یا تکبر، بدون هیچ قید و بندی آشکار کند!

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر کس را که آن را در اختیار داشته باشد، به فردی بخشنده تبدیل می‌کند که برای خدمت به جامعه و هم‌وطنانش می‌کوشد! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: صاحبانِ نفس‌های ضعیف را از سرکشی و تکبر کردن باز می‌دارد! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: بر تمام افراد جامعه واجب می‌کند که ثروتمند را محترم بدانند و از او اطاعت کنند! (نادرست)

(درک مطلب)

۲۰۳- گزینه «۱»

(سیر مفعمرعلی مرتضوی)

متن به این موضوع اشاره می‌کند: ثروت به عنوان ابزاری برای آشکار کردن گوهر انسانی و آزمون آن!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: نفی مطلق اهمیت پول در زندگی امروزی! (نامناسب)

گزینه «۳»: تکبر و سرکشی به عنوان نتیجه داشتن ثروت! (نامناسب)

گزینه «۴»: نقش قناعت در حفظ پاکی نفس انسانی! (نامناسب)

(درک مطلب)

۲۰۴- گزینه «۲»

(سیر مفعمرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: من الأعداد الأصلية (نادرست) ← من الأعداد الترتيبية

گزینه «۳»: صفة، و موصوفها ... (نادرست) ← مضاف‌الیه و مضافه ...

گزینه «۴»: مصدره: تملك (نادرست) ← مصدره: امتلاك

(تفلیل صرفی و اعراب)

۲۰۵- گزینه «۳»

(سیر مفعمرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مزید ثلاثی بحرف زائد واحد (نادرست) ← مزید ثلاثی بحر فین زائدين («تحوّل» فعل ماضی از باب تفعّل است)

گزینه «۲»: فعله الماضي: قدّم (نادرست) ← فعله الماضي: تقدّم («تقدّم» مصدر از باب تفعّل است)

گزینه «۴»: حرفان زائدان (نادرست) ← ثلاثة حروف زائدة (باب استفعال، سه حرف زائد دارد)

(تفلیل صرفی و اعراب)

۲۰۶- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیروزی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «تعلّم» امر باب تفعّل و مصدر آن «تعلّم» است.

گزینه «۲»: «تُحسِن» مضارع باب إفعال و مصدر آن «إحسان» است.

گزینه «۴»: «انتصروا» ماضی باب إفعال و مصدر آن «انتصار» است.

(فعل ثلاثی مزید)

۲۰۷- گزینه «۴»

(ممد رضا قانرازمینی - اصفهان)

در گزینه «۴»، حرف «ت» در «تَرْعَب» از حروف مضارعه است و حرف زائد فعل محسوب نمی‌شود. «تَرْعَب» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» به معنای «ترغیب می‌کند» است.

نکات مهم درسی:

حرف «ت» در افعال ثلاثی مزید از باب‌های «إِسْتِفْعَال»، «إِفْتِعَال»، «تَفْعُل»، «تَفَاعُل» حرف زائد فعل محسوب می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حرف «ت» در «تَجَاهَل» حرف زائد فعل است. «تَجَاهَل» فعل ماضی و ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» است.

گزینه «۲»: حرف «ت» در «يَنْتَفِعُ» حرف زائد فعل است. «يَنْتَفِعُ» فعل مضارع و ثلاثی مزید از باب «إِفْتِعَال» است.

گزینه «۳»: حرف «ت» در «لا يترك» نخستین حرف اصلی فعل است. دقت کنید «لا يترك» مضارع منفی، ثلاثی مجرد و بدون حرف زائد است.

(فعل ثلاثی مزید)

۲۰۸- گزینه «۲»

(سیر مفعمرعلی مرتضوی)

«من» در گزینه «۲»، اسم استفهام (پرسشی) است، درحالی که در سایر گزینه‌ها، اسم موصول و معرفه است.

(قواعد اسم)

۲۰۹- گزینه «۳»

(معمرمهری رضایی)

«يَكُنْ» از ماده «كَوْن» معتل اجوف است و «يَصِلْ» از ماده «وَصْل» معتل مثال است. بنابراین در این گزینه هم معتل مثال آمده است و هم معتل اجوف.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «رَأَتْ» از ماده «رَأَى» معتل ناقص است و فعل «صَافَحَ» از ماده «صَفَح» معتل نیست.

گزینه «۲»: «يَجِبُ» از ماده «وَجَب» معتل مثال است و «تَشَارَكَ» از ماده «شَرِكَ» معتل نیست.

گزینه «۴»: «يَبِاسُ» از ماده «يَبَسَ» معتل مثال است و فعل «رَأَى» معتل ناقص است.

(معتلات)

۲۱۰- گزینه «۲»

(رضا معصومی)

صرف افعال معتل مثال واوی در زمان مضارع، در صیغه مفرد مذکر مخاطب، با حذف حرف عله همراه است؛ بنابراین «تجد» صحیح است.

(معتلات)

### تاریخ (۳)

#### ۲۱۱- گزینه «ا»

(عاطفه طاهر)

**تشریح عبارت‌های نادرست:**

(الف) میرزا محمدجعفر خورموجی از مورخان عصر ناصری، از منتقدان تملق‌گویی بود و نخستین کسی است که واقعیت قتل امیرکبیر را بازتاب داده است.

(ب) انقلاب مشروطه، تأثیر عمیقی بر دگرگونی بینش مورخان ایرانی داشت و توجه آنان را به ابعاد گوناگون رویدادهای تاریخی به‌ویژه نقش مردم جلب کرد.

(د) ذیل برنامه‌های اصلاحی عباس میرزا (ولیعهد فتحعلی شاه) ترجمه آثار اروپایی به‌تدریج آغاز شد و سپس در زمان ناصرالدین شاه با تأسیس مدرسه دارالفنون و ایجاد دارالطباعه دولتی و دارالترجمه همایونی گسترش یافت.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

#### ۲۱۲- گزینه «ا»

(مهمرمهری یعقوبی)

**تشریح گزاره‌ها:**

(الف) خاطرات، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح حال رجال دوره معاصر است، که به‌ندرت در سایر منابع یافت می‌شود.

(ب) سفرنامه‌ها از نظر مطالعه تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره موضوع‌های اقتصادی، مسائل اجتماعی و مباحث فرهنگی هستند.

(ج) تاریخ شفاهی، یک روش پژوهشی تاریخی برنامه‌ریزی شده برای جمع‌آوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از حافظه افرادی است که خود در وقایع شرکت داشته‌اند یا از نزدیک شاهد آن وقایع بوده‌اند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۱۷، ۱۸ و ۲۳)

#### ۲۱۳- گزینه «ا»

(مهری کاروان)

**تشریح موارد نادرست:**

(الف) سپاه تحت فرمان نادر در چندین جنگ بر ارتش قدرتمند عثمانی پیروز شد و سرزمین‌های اشغال‌شده ایران را آزاد کرد، روس‌ها نیز با مشاهدۀ توان نظامی نادر و جنگجویانش، پیش از برخورد نظامی، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند.

(د) نادرشاه نخست، تیماسب دوم را به بهانه بی‌کفایتی از سلطنت خلع کرد. سپس بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۶)

#### ۲۱۴- گزینه «۴»

(علیرضا آزادی‌زاده)

لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، گرچه لیاقت، شجاعت و محبوبیت نسبی در بین مردم داشت، اما به‌دلیل اشتباهات نظامی و رویگردانی عده‌ای از درباریان، از آقا محمدخان قاجار شکست خورد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۳۸)

#### ۲۱۵- گزینه «ا»

(عاطفه عزیزی)

(الف) در دوره کریم‌خان زند، اقداماتی برای بهبود وضع کشاورزی و بازرگانی صورت گرفت و شهرهای شیراز و بندر بوشهر، به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.

(ب) تداوم جنگ‌های داخلی و خارجی در زمان نادرشاه افشار، سبب کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی به‌دلیل نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده شد.

(ج) در پی سقوط صفویه، مدارس و حوزه‌های علمیه اصفهان و شهرهای دیگر تعطیل شدند یا از رونق افتادند. عده‌ای از علما و طلاب که از هجوم افغان‌ها جان سالم به در برده بودند، به عتبات عالیات مهاجرت کردند.

**نتیجه:** مهم‌ترین تحول ادبی در دوره زندیه، شکل‌گیری انجمن‌های ادبی است. در این انجمن‌های ادبی که کانون اصلی بیشتر آن‌ها اصفهان است، نهضت بازگشت ادبی شکل می‌گیرد. جریان ادبی بازگشت در دوره‌های افشاریه و قاجاریه نیز ادامه یافت.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۳۹)

### جغرافیا (۳)

#### ۲۱۶- گزینه «۴»

(مریم فسروی دهنوی)

منظور از موقعیت یک شهر یا روستا، وضعیت آن سکونتگاه نسبت به پدیده‌های پیرامون خود و همچنین جایگاه آن در سطح ناحیه است.

دسترسی شهر اهواز به شبکه ارتباطی خط راه‌آهن و ایجاد موقعیت مناسب برای رونق تجارت و گسترش شهر قاهره به‌سبب دسترسی به عوامل طبیعی و انسانی پیرامون آن (عبارت‌های «ج» و «د»)، به مفهوم موقعیت اشاره می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲۱۷- گزینه ۱»

(راغبه ابراهیمی نژاد)

با حرکت از قاعده به سمت رأس هرم سلسله مراتب، جمعیت سکونتگاه‌ها بیشتر و تعداد و تنوع خدمات آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین سکونتگاه‌های بزرگ‌تر می‌توانند خدمات بیشتری به ساکنان خود و حتی روستاها و شهرهای همجوار ارائه دهند. بنابراین با افزایش جمعیت و تعداد و تنوع خدمات، حوزه نفوذ برخی عملکردهای سکونتگاه نیز می‌تواند گسترده‌تر باشد؛ مانند شهر تهران که در برخی عملکردها حوزه نفوذ زیادی در سطح کشور دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲»: با حرکت به سمت رأس هرم، جمعیت و تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینه ۳»: در سکونتگاه‌های کم جمعیت، خدمات کمتری ارائه می‌شود و با افزایش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات افزایش می‌یابد؛ بنابراین نمی‌توان گفت با کاهش جمعیت، تعداد و تنوع خدمات بیشتر می‌شود.

گزینه ۴»: تعداد و تنوع خدمات با حرکت به سوی رأس هرم و افزایش جمعیت، افزایش می‌یابد و برای بررسی حوزه نفوذ به دو جنبه آستانه جمعیتی نفوذ و دامنه نفوذ توجه می‌شود.

(پژرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۷ و ۹)

۲۱۸- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

گسترش حمل و نقل و افزایش شهرنشینی باعث گسترش حومه‌نشینی شد. در نتیجه آن، مناطق مادرشهری ایجاد شده و گسترش یافتند، از به هم پیوستن این مناطق، مگاالایس‌ها ایجاد شدند. این موارد با ترتیب درست تنها در گزینه ۳» دیده می‌شوند.

(پژرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۲۱۹- گزینه ۱»

(معمرمهری یعقوبی)

تشریح عبارت‌ها:

الف) در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد.

ب) مبادله نابرابر بین شهر و روستا سبب می‌شود، شهر محل انباشت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی باشد.

ج) منظور از شهرگرایی، روندی اقتصادی - اجتماعی است که طی آن شیوه‌های زندگی، رفتار و عملکردها، ارزش‌ها و مظاهر شهری در روستاها و بین روستانشینان رواج می‌یابد.

(پژرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۲۲۰- گزینه ۳»

(فاطمه امیری)

علل شهرنشینی سریع عبارت‌اند از:

۱) دولت‌ها با استفاده از درآمد نفتی، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، توسعه کارخانه‌ها و تجهیزات و زیرساخت‌ها را به شهرها اختصاص دادند.

۲) به سبب تقسیم نادرست زمین در اصلاحات ارضی، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی، شرایط انهدام کشاورزی در ایران فراهم آمد و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت.

(پژرافیا (۳)، شهرها و روستاها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

تاریخ (۱)

۲۲۱- گزینه ۱»

(میلاد هوشیار)

از آنجا که رسول خدا خود، تحت حمایت بنی‌هاشم و رئیس آنان ابوطالب قرار داشت و از آزار جانی قریش مصون بود، به مسلمانان بی‌پناه توصیه کرد به کشور حبشه هجرت کنند و چنین فرمود: «آنجا پادشاه عدالت‌خواه دارد و سرزمین راستی است.»

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحه ۳۹)

۲۲۲- گزینه ۲»

(میلاد هوشیار)

حدود دو ماه پس از پایان محاصره در شعب، دو تن از عزیزترین یاران رسول خدا (ص) یعنی ابوطالب و خدیجه، رحلت کردند. این مصیبت به قدری بر رسول خدا (ص) سنگین بود که سال رحلت آن دو (دهم بعثت) را عام‌الحزن نامید.

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحه ۴۲)

۲۲۳- گزینه ۲»

(پواد میربلوکی)

با توجه به خط زمان زندگانی رسول خدا (ص) در دوران پیش از بعثت، گزینه ۲» درست است.

(تاریخ (۱)، رسول خدا (ص)، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵)

۲۲۴- گزینه ۲»

(میلاد هوشیار)

مهم‌ترین محورهای پیمان عمومی مدینه بدین قرار است:

۱- تشکیل جامعه‌ای متشکل از مسلمانان و یهودیان مدینه

۲- آزادی مسلمانان و یهودیان مدینه در پیروی و عمل بر اساس دین خود

۳- حاکمیت عدالت، در برخورد با تجاوز افراد نسبت به هم

۴- دفاع مشترک مسلمانان و یهودیان از مدینه

۵- مقدس بودن شهر مدینه و حرمت خون‌ریزی در آن

۶- مرجعیت پیامبر (ص) برای داوری و رفع هرگونه اختلاف در مدینه

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

۲۲۵- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

به گفته مورخان، نقش امیرمؤمنان علی (ع) در کشتن پرچم‌داران شرک، زمینه‌ساز جرئت مسلمانان در غلبه بر مشرکان در نبرد احد شد.

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحه ۵۳)

### جغرافیای ایران

۲۲۶- گزینه «۲»

(راشیه ابراهیمی‌نژاد)

در عبارت «ایران در جنوب دریای خزر و شمال خلیج فارس قرار گرفته است»، جایگاه ایران نسبت به پدیده‌های پیرامونش بیان شده است؛ بنابراین کل عبارت مذکور، نمونه‌ای از موقعیت نسبی هستند.

جنوب دریای خزر: موقعیت ایران نسبت به دریای خزر

شمال خلیج فارس: موقعیت ایران نسبت به خلیج فارس

نکته مهم درسی:

«موقعیت جغرافیایی» مفهوم کلی است و از دو منظر قابل مطالعه است: ۱-

موقعیت ریاضی (مطلق) ۲- موقعیت نسبی

(جغرافیای ایران، موقعیت جغرافیایی ایران، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۲۷- گزینه «۲»

(علیرضا پدرا)

بررسی موارد:

الف) حدود ۶۶ درصد ذخایر نفت جهان و ۲۸ درصد ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است ← خلیج فارس

ب) مهم‌ترین آبراهه استراتژیک در تجارت جهان محسوب می‌شود ← تنگه هرمز

ج) ۹۰٪ از خاویار جهان را تأمین می‌کند و به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون

نفری آسیای میانه دسترسی دارد ← دریای خزر

د) بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی است و از منابع نفت و گاز بهره‌مند است ← دریای خزر

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۷ و ۱۹)

۲۲۸- گزینه «۲»

(یاسین ساعری)

تشریح گزینه نادرست:

پس از آخرین تحولات دوران سوم زمین‌شناسی «سنوزوئیک»، طی دوره «کواترنر» ناهمواری‌های کشور ایران شکل نهایی یافته و از آن پس تحت تأثیر عوامل فرسایش تغییر شکل می‌یابند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۲۹- گزینه «۲»

(فاطمه عزیزی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر سه نقطه کوه جغتای در خراسان رضوی، گردنه آوج در استان قزوین و قلّه کوه بزمان یا خضر زنده در سیستان و بلوچستان را به یکدیگر وصل کنیم، مثلثی تشکیل می‌شود که منطقه کوهستانی مرکزی نامیده می‌شود.

گزینه «۳»: ریزش‌های جوی شدید، کوه‌های زاگرس را فرسایش می‌دهد و مواد آن در دسترس این رودها قرار می‌گیرد.

گزینه «۴»: سرزمین‌های کوهستانی که اغلب بیش از هزارمتر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند؛ شامل رشته‌کوه‌های مختلفی از ارسباران (قره‌داغ) تا آلاداغ می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ و ۲۸ تا ۳۰)

۲۳۰- گزینه «۳»

(مهم‌مهری یعقوبی)

دشت‌ها، سرزمین‌های هموار یا نسبتاً همواری هستند که حصار کوهستانی، آن‌ها را فرا گرفته است.

علل پیدایش دشت‌ها:

۱) برخی دشت‌ها در هنگام چین خوردگی‌ها و در حد فاصل تاقدیس‌ها (در میان ناودیس‌ها)، ایجاد شده‌اند؛ مانند دشت کاکان در فارس.

۲) برخی دشت‌ها مانند دشت نهاوند در استان همدان بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده است.

۳) پاره‌ای از دشت‌ها حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها هستند؛ مانند ماهی‌دشت کرمانشاه و دشت ارژن در فارس.

۴) برخی از دشت‌ها در نتیجه گسل‌خوردگی و فرونشست بخشی از پوسته زمین شکل گرفته‌اند که فرسایش بادی و آبی، ناهمواری‌های جدیدی در سطح آن‌ها تشکیل داده است؛ مانند دشت لوت.

نکته مهم درسی:

جلگه‌ها، سرزمین‌های همواری هستند که از یک طرف به کوه‌ها و از طرف دیگر به دریاها و دریاچه‌ها منتهی می‌شوند.

(جغرافیای ایران، ناهمواری‌های ایران، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

## تاریخ (۲)

## ۲۳۱- گزینه ۲

(میلاد هوشیار)

از پیامدهای حکومت علی بن عیسی بر خراسان، شورش رافع بن لیث بود. با آغاز قیام رافع بن لیث، مخالفان خلیفه در ماوراءالنهر به وی پیوستند. این جنبش با مرگ هارون هم خاموش نشد و تا زمان مأمون ادامه یافت.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحه ۲۹)

## ۲۳۲- گزینه ۲

(میلاد هوشیار)

خطر واقفیه برای جریان شیعه بسیار جدی بود. علت این امر در ویژگی‌هایی بود که سران این فرقه داشتند. برخی از سران واقفیه از وکیلان امام کاظم (ع) بودند. شیعیان به آنان اعتماد داشتند و اموال زیادی به ایشان سپرده بودند تا به دست امام (ع) برسانند. این عده با شنیدن خبر رحلت امام کاظم (ع)، درگذشت حضرت را انکار و از تحویل اموال به امام رضا (ع) سر باز زدند.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحه ۳۴)

## ۲۳۳- گزینه ۳

(میلاد هوشیار)

یکی از ویژگی‌های مهم دوران امامت امام رضا (ع) وجود مسائل فکری و اعتقادی متعدد است؛ از جمله وجود زندیقان که بحث‌های کلامی گسترده در مورد توحید و اصل وجود خداوند مطرح می‌کردند.

(تاریخ (۲)، امام رضا (ع)، صفحه ۳۴)

## ۲۳۴- گزینه ۲

(علی‌محمد کریمی)

معتصم (خلیفه عباسی) نامه‌ای به کارگزار خود در مدینه نوشت و از او خواست تا امام جواد (ع) را به همراه ام فضل (همسرش) دختر مأمون راهی بغداد نماید.

(تاریخ (۲)، امام جواد (ع)، صفحه ۴۰)

## ۲۳۵- گزینه ۴

(علیرضا رضایی)

اوج فساد و ظلم حکومت عباسی، در زمان متوکل عباسی بود.

(تاریخ (۲)، امام هادی (ع)، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

## جغرافیا (۲)

## ۲۳۶- گزینه ۳

(فاطمه امیری)

هرچه تابش خورشید مایل‌تر باشد، انرژی خورشیدی در سطح گسترده‌تری پخش می‌شود؛ بنابراین انرژی دریافتی در واحد سطح کاهش می‌یابد و دما نیز کمتر می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه ۲۳)

## ۲۳۷- گزینه ۲

تشریح گزینه‌های دیگر:

(علیرضا پدرام)

گزینه «۱»: جهت وزش باد از کمربند شماره «۲» (پرفشار) به سمت کمربند شماره «۱» (کم‌فشار) است.

گزینه «۳»: احتمال بیابانی شدن یک منطقه فرضی بر اثر توزیع فشار، در کمربند شماره «۳» (پرفشار) بیشتر از کمربند شماره «۴» (کم‌فشار) است.

گزینه «۴»: بیابان گبی به‌طور عمده در اثر عامل دوری از منابع رطوبت ایجاد شده است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه‌های ۲۶ و ۳۴)

## ۲۳۸- گزینه ۳

تشریح عبارت‌ها:

(حامد صفرثانیان)

عبارت اول: نواحی استوایی و آسیای موسمی بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند و بیابان‌ها، کمتر از ۵۰ یا ۱۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارند. ← در نتیجه بخش اول تمام گزینه‌ها صحیح است.

عبارت دوم: نواحی هرچه از اقیانوس‌ها و دریاها دورتر باشند، رطوبت آن‌ها کمتر و خشکی هوایشان بیشتر است یا به عبارتی دیگر، نواحی هرچه به اقیانوس‌ها و دریاها نزدیک‌تر باشند، رطوبت آن‌ها بیشتر و خشکی هوایشان کمتر است. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت سوم: توده هوای مرطوب ابتدا باید تا ارتفاع معینی بالا رود، سپس سرد شود تا به نقطه اشباع برسد و پس از تشکیل ابر، باران. ← در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

عبارت چهارم: بیشتر بارندگی‌های بهاری از نوع بارندگی همرفتی هستند. / در بارندگی کوهستانی، کوهستان‌ها مانع حرکت توده هوای مرطوب به‌طور افقی می‌شوند. / بارندگی سیکلونی بیشتر در محل جبهه‌ها به وجود می‌آید.

/ در بارندگی ناهمواری، توده هوا در امتداد دامنه کوه به طرف قله بالا می‌رود و هنگام صعود، دمای آن کاهش می‌یابد و در انتها موجب بارش می‌شود. ← در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۴» نادرست است.

(جغرافیا (۲)، نواحی آب و هوایی، صفحه ۲۷)

## ۲۳۹- گزینه ۲

تشریح عبارت‌های نادرست:

(علیرضا سالمی)

ب) دره‌های U شکل معمولاً بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

ج) «کارست» پدیده خوردگی و انحلال سنگ‌های آهکی است.

د) در کوهستان‌ها با توجه به شرایط آب و هوایی و جنس سنگ‌ها، پیوسته هوازدگی فیزیکی (مکانیکی) و شیمیایی رخ می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، ناهمواری‌ها و اشکال زمین، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۶)

## ۲۴۰- گزینه ۴

(علیرضا پدرام)

با توجه به تصویر داده‌شده، در میان اشکال فرسایشی، «الف» نشان‌دهنده اشکال تراکمی و «ب» نشان‌دهنده اشکال کاوشی است؛ بنابراین تنها گزینه «۴» به مطلب درستی اشاره دارد، کلوته‌ها و چاله‌های بادی جزو اشکال کاوشی هستند.

(جغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

# دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دوره دوم)

۱ آبان

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰

زمان پاسخ گویی: ۳۰ دقیقه

گروه فنی تولید

|                                                                                   |                        |
|-----------------------------------------------------------------------------------|------------------------|
| حمید لنجان زاده اصفهانی                                                           | مسئول آزمون            |
| حامد کریمی                                                                        | مسئول دفترچه           |
| محیا اصغری                                                                        | مدیر گروه مستندسازی    |
| علیرضا همایون خواه                                                                | مسئول درس مستندسازی    |
| بیبا مرادی، پریا اقبالی                                                           | ویراستاران مستندسازی   |
| حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حامد کریمی، حمید گنجی،<br>رامتین شمشکی، فرزاد شیرمحمدلی | طراحان                 |
| معصومه روحانیان                                                                   | حروف چینی و صفحه آرایی |
| حمید عباسی                                                                        | ناظر چاپ               |

استعداد تحلیلی

۲۵۱- گزینه «۳»

(عمید اصفهانی)

در بند نخست، برای ارزیابی اعضای هیئت علمی به کیفیت و تعداد پژوهش‌ها، انتشار مقاله در نشریات معتبر و جذب منابع پژوهشی اشاره شده است اما رضایت دانشجو از استاد در متن نیست.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینه «۱»

(عمید اصفهانی)

طبق متن، هر دو نظام آموزش عالی از آزمون‌های ورودی سراسری و رقابت میان داوطلبان بهره می‌برند؛ بنابراین در این مورد تفاوت کمتری میان آن‌ها وجود دارد. در سایر موارد، متن از تفاوت‌هایی میان این نظام‌های آموزشی ایران و برخی کشورهای شرق آسیا سخن می‌گوید.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینه «۱»

(عمید اصفهانی)

متن می‌گوید نظام‌های رقابتی ممکن است به رشد توانمندی‌های علمی و پژوهشی کمک کنند، اما از شاخصی برای سنجش کیفیت پژوهش‌ها و نیز از سهمیه‌های گائوکاو اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینه «۴»

(عمید اصفهانی)

بخش نخست، موضوع و محتوای «مقایسه نظام‌های آموزش عالی شرق آسیا و ایران» را بیان می‌کند و بخش دوم با اشاره به «آموختن و به‌کارگیری تجربه‌ها»، هدف این مقایسه را توضیح می‌دهد.

(درک متن بلند، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینه «۱»

(حامد کریمی)

متن بر طولانی بودن دوره حیات دایناسورها تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که آن‌ها در یک بازه زمانی کوتاه زندگی نکرده‌اند: فاصله زمانی میان آغاز و پایان حیات دایناسورها بسیار طولانی‌تر از فاصله انقراض آن‌ها تا ظهور انسان‌های مدرن بوده است.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۶- گزینه «۳»

(حامد کریمی)

فیلم مورد اشاره طبق متن، تضادی میان آرمان‌های دموکراتیک امروز آمریکا و واقعیت‌های خشن و بی‌رحمانه تاریخی شکل‌گیری و گسترش قدرت در این کشور برقرار می‌کند. بنابراین این آرمان‌ها لزوماً با ریشه‌های تاریخی اجتماعی آن سازگار نیستند.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینه «۳»

(حامد کریمی)

متن از تأثیر عمیق متنبتی بر شعر فارسی، به‌ویژه شعر سعدی، سخن می‌گوید؛ اما سعدی را مستقیماً «شاگرد» او معرفی نمی‌کند، به‌ویژه این که می‌گوید «آن را با ظرافت و سادگی ایرانی پیوند زد». بنابراین می‌توان تأثیرپذیری سعدی را پذیرفت، بدون آنکه او را شاگرد متنبتی دانست.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینه «۳»

(عمید کنهی)

تنها حالت ممکن:

س ش ص ض  
۵ ۳ ۶ ۱

(استرلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۹- گزینه «۱»

(عمید کنهی)

تنها حالت ممکن:

س ش ص ض  
۳ ۱ ۵ ۶

(استرلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۰- گزینه «۲»

(عمید کنهی)

معلوم است که با حذف ۱، ۴ هم حذف می‌شود. حالت‌هایی برای اثبات امکان دیگر گزینه‌ها:

س ش ص ض  
۶ ۲ ۵ ۳  
۵ ۱ ۶ ۴  
۳ ۱ ۵ ۴

(استرلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینه «۲»

(عمید کنهی)

اگر «ص» ۴ باشد، باید «ض» ۱ باشد که ممکن نیست «ص» زوج و «ض» فرد باشد. در دیگر گزینه‌ها:

س ش ص ض  
۶ ۲ ۵ ۳  
۳ ۱ ۶ ۵  
۵ ۱ ۶ ۴

(استرلال و منطق، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینه «۲»

(فرزاد شیرمحمدی)

حاصل ضرب اختلاف عددهای زوج و اختلاف عددهای فرد در بیرون شکل، عدد مرکزی را می‌سازد:

$$(۸-۴) \times (۷-۱) = ۴ \times ۶ = ۲۴$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینه «۲»

(غرض از شیرممدلی)

مجموع حاصل ضرب عددهای روبه روی هم در شکل های صورت سؤال، عدد بخش بزرگتر شکل را می سازد:

$$(3 \times ?) + (8 \times 17) = 202 \Rightarrow 3 \times ? = 66 \Rightarrow ? = 22$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینه «۳»

(غرض از شیرممدلی)

در الگو داریم:

$$e = |(a - b) + (c - d)|$$

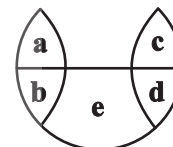
$$|(1 - 4) + (3 - 7)| = 7$$

$$|(5 - 6) + (9 - 1)| = 7$$

$$|(8 - 2) + (8 - 5)| = 9$$

$$|(7 - 3) + (2 - 9)| = 3$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)



۲۶۵- گزینه «۱»

(غرض از شیرممدلی)

عدد پایینی هر شکل، یک واحد کمتر از بزرگترین شمارنده مشترک سه عدد بالای آن است:

$$27, 72, 18 \rightarrow 9 \rightarrow 8$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۶- گزینه «۴»

(فاطمه راسخ)

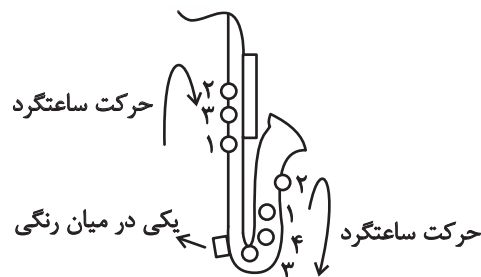
دو مربع بخش بالایی شکل در انتقال ها، در هر مرحله یک واحد به پایین می آید. تعداد خط های اریب نیز هر بار یکی بیشتر می شود. مربع پایین نیز در حرکت تناوبی افقی است و بخش مربع رنگی آن نیز پادساعتگرد جابه جا می شود.

(الگوهای تصویری فطی، هوش غیر کلامی)

۲۶۷- گزینه «۴»

(فاطمه راسخ)

طرح های الگوی صورت سؤال:

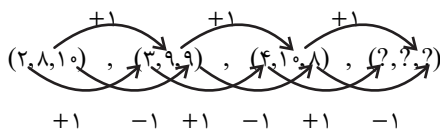


(الگوهای تصویری فطی، هوش غیر کلامی)

۲۶۸- گزینه «۲»

(فاطمه راسخ)

شکل مار الگو در هر مرحله از انتقال از چپ به راست ۹۰ درجه پادساعتگرد می چرخد. بخش های رنگی نیز الگویی دارند که اگر بخش های بدن مار را از دم شماره گذاری کنیم، عبارت خواهند بود از:



$$\Rightarrow ? = (5, 11, 7)$$

(الگوهای تصویری فطی، هوش غیر کلامی)

۲۶۹- گزینه «۲»

(رامتین شمشکی)

دو دسته قاعده مختلف در الگوی صورت سؤال هست. برای بخش های کوچکتر، با ترتیب چپ و راست:

سفید: سیاه + سیاه

سیاه: سفید + سیاه

سفید: سیاه + سفید

سیاه: سفید + سفید

و برای بخش های بزرگتر:

سیاه: سیاه + سیاه

سفید: سفید + سیاه

سیاه: سیاه + سفید

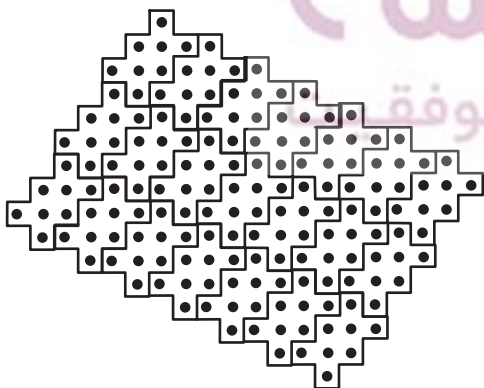
سفید: سفید + سفید

(الگوهای تصویری غیر فطی، هوش غیر کلامی)

۲۷۰- گزینه «۱»

(رامتین شمشکی)

تکرار متناظر:



(الگوهای تصویری غیر فطی، هوش غیر کلامی)

# دَفتر چَه پاسخ ✓

## عمومی دوازدهم

### رشته انسانی

۱ آبان ماه ۱۴۰۵

#### مراحان به ترتیب حروف الفبا

|               |                                                                                             |
|---------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| فارسی         | حسن افتاده، حسین پرهیزگار، نازنین فاطمه حاجیلو، سعید جعفری، ابوالفضل عباس زاده، الهام محمدی |
| دین و اندکی   | محسن بیاتی، محمد رضایی‌نقا، محسن رحمانی، فردین سماقی، مرتضی محسنی‌کبیر، میثم هاشمی          |
| (بان انگلیسی) | رحمت‌اله استیری، آرمین رحمانی، عقیل محمدی‌روش                                               |

#### گزینشگران و ویراستاران به ترتیب حروف الفبا

| نام درس         | مسئول درس           | گزینشگر             | گروه ویراستاری                      | رتبه برتر         | مسئول درس‌های مستندسازی             |
|-----------------|---------------------|---------------------|-------------------------------------|-------------------|-------------------------------------|
| فارسی           | نازنین فاطمه حاجیلو | نازنین فاطمه حاجیلو | محسن اصغری                          | —                 | فریبا رثوفی                         |
| دین و اندکی     | بهنام رسولی         | بهنام رسولی         | امیرمهدی افشار<br>محمدفرحان فخاریان | محمدفرحان فخاریان | سجاد حقیقی‌پور،<br>سیدمجتبی رضازاده |
| اقلیت‌های مذهبی | دیورا حاتانیان      | دیورا حاتانیان      | معصومه شاعری                        | —                 | —                                   |
| (بان انگلیسی)   | رحمت‌اله استیری     | رحمت‌اله استیری     | محسن رحمانی، فاطمه نقدی             | —                 | سپهر اشتیاقی                        |

|                              |                                             |
|------------------------------|---------------------------------------------|
| مدیران گروه                  | الهام محمدی                                 |
| مسئول دفترچه                 | معصومه شاعری                                |
| مستندسازی و مطابقت با مصوبات | مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: فریبا رثوفی |
| حروف‌نگار و صفحه‌آرا         | زهرا تاجیک                                  |
| ناظر چاپ                     | سوران نعیمی                                 |

#### گروه آزمون

#### بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

آدرس دفتر مرکزی: خیابان انقلاب - بین صبا و فلسطین - پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی: ۰۲۱-۶۴۶۳

## فارسی ۳

## ۲۷۱- گزینه ۳

(هسین پرهیزگار - سبزواری)

- حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد: انبساط
- حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن چیزی: پوییدن
- مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگاه داشتن: گرو
- کسی که دیگری فرمان او را می برد: مطاع

(واژگان، واژه نامه)

## ۲۷۲- گزینه ۴

(نازنین فاطمه فایلو صفارزاده)

## تشریح گزینه های دیگر:

- گزینه ۱: «بط» به معنای اردک، شکل درست «بت» است. (بط: اردک \_ بُت: مجسمه ای که برای پرستش ساخته می شد).
- گزینه ۲: «حال» شکل درست «هال» است.
- گزینه ۳: «خور» شکل درست «خُر» است.

(املا، صفحه های ۱۳، ۱۸، ۲۰ و ۲۲)

## ۲۷۳- گزینه ۲

(هسن افتخاره - تبریز)

- نقش دستوری واژه مشخص شده در صورت سؤال و گزینه ۲ «مضاف الیه» است.
- حرف کم و بسیار نیست = حرف [مقدار] کم و بسیار نیست: «مقدار» حذف شده و صفات پس از آن باقی مانده اند؛ پس «کم» صفت جانشین اسم است و از این رو، خودش اسم محسوب شده و معنای «کمی، کم بودن» گرفته است. بنابراین ترکیب «حرف کم» در اینجا، ترکیب اضافی و کم مضاف الیه است.
- اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده: بر سر اطفال شاخ، به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه نهاده است. (رای فک اضافه)

## تشریح گزینه های دیگر:

- گزینه ۱: متمم: توجه شود که «از بهر» «حرف اضافه» و به معنی «برای» است.
- گزینه های ۳ و ۴: صفت

(دستور، صفحه های ۱۲ و ۱۹)

## ۲۷۴- گزینه ۳

(سعیر یعفری)

- در گزینه های ۱، ۲ و ۴، «نیست» در مصراع دوم اسنادی است؛ ولی در گزینه ۳ فعل تام است و به معنای «وجود ندارد» آمده است.

## تشریح گزینه های دیگر:

- گزینه ۱: این، از عشق بازان، عجب (عجیب) نیست (= نمی باشد).
- گزینه ۲: قاضی [ادر] نیمه شب، بیدار نیست (= نمی باشد).
- گزینه ۴: حرف کم و بسیار، [نکته اصلی] نیست (= نمی باشد).

(ترکیبی، صفحه های ۱۹ و ۲۰)

## ۲۷۵- گزینه ۲

(سعیر یعفری)

- شعری را که بر پایه پرسش و پاسخ سروده شده است، مناظره یا گفتاگفت می نامند. در این نوع سروده، شخصیت ها رودروی هم با هم گفت و گو و پرسش و پاسخ می کنند.

در بیت الف و ت این ویژگی دیده می شود.

## بررسی موارد دیگر:

- مورد ب: در این بیت، پرسش و پاسخ و گفت و گو دیده نمی شود.
- مورد پ: در این بیت، شخصیت ها رودروی هم در حال گفت و گو و پرسش و پاسخ نیستند.

(قلمرو ادبی، صفحه های ۱۴، ۲۰ و ۲۱)

## ۲۷۶- گزینه ۲

(نازنین فاطمه فایلو صفارزاده)

بررسی آرایه های هر بیت:

- ۱) مجاز: «خاک» مجاز از گور/ کنایه: «دل ز مهر کسی پاک کردن» کنایه از دل بریدن از کسی؛ «خفته در خاک بودن» کنایه از مردن/ جناس: خاک و پاک (گزینهای رد نمی شود).

۲) جناس: جواب و صواب/ سجع ندارد. (رد گزینه های ۳ و ۴)

- ۳) کنایه: «ثانی به کف آوردن» کنایه از «به رزق و روزی رسیدن»/ مجاز: ابر و باد و مه و خورشید و فلک: مجاز از همه پدیده های هستی/ سجع ندارد. (رد گزینه ۱)

(آرایه، صفحه های ۱۲، ۲۰ و ۲۱)

## ۲۷۷- گزینه ۳

(نازنین فاطمه فایلو صفارزاده)

- «گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک، خوب تر شوی  
یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر، به یک موی تر شوی  
از پای تا سرت، همه نور خدا شود / در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی  
وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند، که صاحب نظر شوی»

(مفهوم شعر، صفحه های ۲۲ و ۲۳)

## ۲۷۸- گزینه ۴

(ابوالفضل عباس زاره)

- الف) واژه «پروانه» در بیت صورت سؤال نماد «عاشق حقیقی» است؛ در مورد الف، مراد از «بی دل»، انسان عاشق است («بی نشان» کنایه از معشوق یا خداست).
- ب) با توجه به مصراع دوم، شرط اصلی عشق حقیقی، بی ادعایی و رازداری در عشق، است.

(مفهوم، صفحه های ۱۳ و ۱۴)

## ۲۷۹- گزینه ۲

(الهام ممبری)

- دقت کنید: ابیات درس «ستایش»، فقط بر یک مفهوم دلالت نمی کنند، چون هر بیت بیانگر چند صفت خداوند است، بنابراین لازم است، هنگام مطالعه به همه مفاهیم توجه کنید.

- بیت «ج»: اعتراف بنده به درماندگی: نمی توانم تو را توصیف کنم زیرا در فهم و درک انسان نمی گنجی و نمی توانم کسی را به تو مانند کنم که تو در تصور و خیال بندگان قرار نمی گیری.

- بیت «د»: یگانه پرستی: مصراع دوم (فقط تو را به یگانگی می ستایم؛ زیرا که تنها تو شایسته یگانگی هستی).

- بیت «ب»: بخشندگی: همه جودی (دلالت بر بخشندگی و گشاده دستی می کند).
- بیت «ه»: خواست و مشیت الهی: مصراع دوم (همه کاستن ها و اضافه شدن ها به دست و اراده توست)

(مفهوم، صفحه ۱۰)

## ۲۸۰- گزینه ۲

(هسن افتخاره - تبریز)

- معنای نوشته شده در مقابل همه گزینه ها کاملاً صحیح بودند به جز گزینه ۲.
- معنای صحیح عبارت گزینه ۲: یکی از عارفان که از آن حالت مراقبت و مکاشفتش (که فراتر از نماز هستند) [به حالت عادی] برگشت.

(مفهوم، صفحه های ۱۲ تا ۱۴)



## دین و زندگی (۳)

## ۲۸۱- گزینه «۴»

(مفسر بیاتی)

عبدالرحمن جامی در مقدمه دوم و در توصیف نیازمندی جهان به خدا در پیدایش چنین بیان می‌کند:

ذات نایافته از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی بخش  
خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب‌دهی

(درس ۱، صفحه ۷)

## ۲۸۲- گزینه «۳»

(مفسر بیاتی)

اگر به خود و اشیای پیرامونمان نظر کنیم همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

(درس ۱، صفحه ۷)

## ۲۸۳- گزینه «۱»

(فرزین سماقی)

خداوند در قرآن در پاسخ به کسانی که می‌پرسند «چگونه می‌توان خدا را دید؟» می‌فرماید «لا تدركه الابصار = چشم‌ها او را نمی‌بینند.» نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کسی باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه دیدن به وسیله قلب و ملاقات با خداست.

(درس ۱، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

## ۲۸۴- گزینه «۴»

(فرزین سماقی)

با توجه به مفاد آیه «الله نور السموات و الارض» هر موجودی در حد خودش تجلی خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

(درس ۱، صفحه ۱۱)

## ۲۸۵- گزینه «۲»

(مبتم هاشمی)

آیه صورت سؤال بیانگر توحید در مالکیت است.

با توجه به مراتب توحید، پس از توحید در خالقیت، توحید در مالکیت است.

(درس ۲، صفحه ۱۹)

## ۲۸۶- گزینه «۳»

(مبتم هاشمی)

مهم‌ترین اعتقاد دینی «توحید و یکتاپرستی» است. اسلام دین توحید و قرآن کتاب توحید است. در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. توحید سرلوحه دعوت همه پیامبران (ع) بوده است. خداوند در قرآن کریم اخلاقی، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد.

(درس ۲، صفحه ۱۸)

## ۲۸۷- گزینه «۴»

(مبتم هاشمی)

واژه «رب» در قرآن کریم از اهمیت فراوانی برخوردار است و بعد از واژه «الله» بیشترین فراوانی را در میان اسمای الهی دارد. کلمه رب بیش از نهمصد بار در قرآن کریم آمده است. عبارت «رب العالمین» نیز بیش از ۴۰ بار در قرآن تکرار شده است. رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست.

(درس ۲، صفحه ۲۰)

## ۲۸۸- گزینه «۲»

(مرتضی ممسنی کبیر)

در قرآن کریم می‌خوانیم که وزیر سلیمان، آصف بن برخیا، در یک لحظه تخت بلقیس (ملکه صبا) را از مسافتی طولانی منتقل کرد، این نشان‌دهنده آن است که انسان با طی مراتب بندگی می‌تواند به اذن خداوند به چنین توانایی‌هایی در عالم هستی برسد.

(درس ۲، صفحه ۲۶)

## ۲۸۹- گزینه «۲»

(مرتضی ممسنی کبیر)

قرآن کریم از زبان حضرت عیسی (ع) بیان می‌کند: «من برایتان از خاک پرنده‌ای می‌سازم و در آن می‌دمم و آن خاک به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود» که مؤید «توحید در ربوبیت» است و این کار در راستای اجازه و اذن الهی است که به آن رابطه طولی هم می‌گویند، نه به صورت در کنار آن (رابطه عرضی).

(درس ۲، صفحه ۲۵)

## ۲۹۰- گزینه «۱»

(مرتضی ممسنی کبیر)

جریان تکفیری در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جریان فکری خشک و غیر عقلانی با تفکر غلطی که درباره توحید و شرک دارند، هر مسلمانی را که مانند آن‌ها نمی‌اندیشد، مشرک و کافر می‌خوانند و گاه کشتن او را واجب می‌شمارند.

(درس ۲، صفحه ۲۴)

زبان انگلیسی ۳

۲۹۱- گزینه ۱»

(آزمین رهمانی)

نکته مهم درسی:

نقش "you" برای فعل "invite" (دعوت کردن) مفعولی است، پس نیاز به ساختار مجهول داریم. (رد سایر گزینه‌ها)

(گرامر)

۲۹۲- گزینه ۳»

(آزمین رهمانی)

نکته مهم درسی:

دقت کنید که فاعل اصلی این جمله "reading" است (نه "these books") که مفرد است. پس باید فعل نیز با آن مطابقت داشته باشد (رد گزینه‌های ۲ و ۴). همچنین، نقش "reading" برای فعل "recommend" (توصیه کردن) مفعولی است و نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های ۱ و ۲).

(گرامر)

۲۹۳- گزینه ۱»

(آزمین رهمانی)

نکته مهم درسی:

نقش "he" برای فعل "offer" (پیشنهاد کردن) مفعولی است و نیاز به ساختار مجهول داریم (رد سایر گزینه‌ها).

(گرامر)

۲۹۴- گزینه ۱»

(رسمت اله استیری)

ترجمه جمله: «شرکت کمک مالی سخاوتمندانه‌ای به مدرسه محلی کرد تا بچه‌ها بتوانند کتاب‌های جدید بخرند.»

- |                 |            |
|-----------------|------------|
| (۱) سخاوتمندانه | (۲) تصادفی |
| (۳) معمولی      | (۴) مذهبی  |

(واژگان)

۲۹۵- گزینه ۳»

(رسمت اله استیری)

ترجمه جمله: «یک پیاده‌روی طولانی در هوای تازه و یک مکالمه خوب با یک دوست می‌تواند غم و اندوه مرا به‌طور کامل درمان کند.»

- |                |                 |
|----------------|-----------------|
| (۱) توسعه دادن | (۲) اختراع کردن |
| (۳) درمان کردن | (۴) تقویت کردن  |

(واژگان)

۲۹۶- گزینه ۴»

(رسمت اله استیری)

ترجمه جمله: «بسیاری از دانش‌آموزان تحت فشار امتحانات نهایی فراموش می‌کنند به‌درستی غذا بخورند و در نهایت احساس خستگی می‌کنند.»

- |           |           |
|-----------|-----------|
| (۱) قدرت  | (۲) الهام |
| (۳) نمونه | (۴) فشار  |

(واژگان)

ترجمه متن درک مطلب:

هر کودکی نیاز دارد بداند که ویژگی‌هایی دارد که او را منحصر به فرد و خاص می‌کند. اما وقتی فرزندان را با هم مقایسه می‌کنید، این پیام از دست می‌رود. حتی تحسین کردن یکی از فرزندان در حضور دیگری نیز می‌تواند باعث شود فرزند دیگر در مورد جایگاه و ارزش خود تردید کند. مقایسه بین دو کودک اغلب نتیجه عکس می‌دهد و باعث می‌شود کودکی که با «فرزند طلایی» مقایسه می‌شود، دست از تلاش بردارد و دیگر نخواهد برای بهتر شدن تلاش کند.

علاوه بر این، کودکان به طور طبیعی می‌خواهند والدین خود را خشنود کنند؛ وقتی آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کنید، این کار سطح اضطراب و استرس آن‌ها را افزایش داده و اعتماد به نفسشان را کاهش می‌دهد، به‌ویژه زمانی که به این باور برسند که خواهر یا برادرشان از آن‌ها بهتر است.

به جای مقایسه کردن، سعی کنید همیشه نقاط مثبت هر کودک را برجسته کنید. برای مثال، می‌توانید در مورد این صحبت کنید که چقدر یک کودک برای پروژه‌اش سخت تلاش کرده است و در جای دیگر، از مهربانی کودکی بگویید که برای دوست بیماراش کارت پستال درست کرده است. اگر این کار را انجام دهید، هیچ کدام از فرزندان تصور نخواهند کرد که شما از دیگری راضی‌تر هستید، و این کار به آن‌ها انرژی بی‌پایانی می‌دهد تا تمام تلاششان را بکنند که والدینشان را راضی نگه دارند.»

۲۹۷- گزینه ۳»

(عقیل ممبری‌روشن)

ترجمه جمله: «بهترین عنوان برای متن چیست؟»  
«از مقایسه بچه‌ها خودداری کنید.»

(درک مطلب)

۲۹۸- گزینه ۳»

(عقیل ممبری‌روشن)

ترجمه جمله: «کدام یک از موارد زیر معنای "golden child" را آنچنان که در پاراگراف «۱» استفاده شده است به بهترین وجه توصیف می‌کند؟»  
«بچه‌هایی که به نظر می‌رسد والدینشان آن‌ها را بیشتر دوست دارند.»

(درک مطلب)

۲۹۹- گزینه ۲»

(عقیل ممبری‌روشن)

ترجمه جمله: «طبق متن، اگر بچه‌ها احساس کنند که منحصر به فرد و خاص نیستند، به احتمال زیاد ...»  
«مضطرب و نگران می‌شوند»

(درک مطلب)

۳۰۰- گزینه ۱»

(عقیل ممبری‌روشن)

ترجمه جمله: «کلمه "it" که زیر آن در پاراگراف «۳» خط کشیده شده است، به چه چیزی اشاره دارد؟»  
«اشاره کردن به نکات مثبت در هر بچه»

(درک مطلب)